

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش همایش گروه اقتصاد

تاریخ برگزاری: ۸۹/۷/۲۶



□ دکتر آیت‌اللهی: این کنگره دروس اقتصاد است که ملاحظات کلی را می‌تواند این نوع پیش‌همایش‌ها داشته باشد البته خواهش من این است که اگر بشود این دیدگاه‌ها مدون شود و به صورت حتی دستورالعملی درآید اگر دیدگاه‌های مختلف بیرون آمد بتوانیم شاخص‌هایی برای تغییر سرفصل‌ها و شاخص‌های اجباری داشته باشیم و شاخص‌هایی بر اساس یک سری چیزها حذف شود و اگر چنین چیزی در بیاید کمک می‌کند برای گروه بعدی که خود بزرگواران هستند که این کار را انجام دهند. تأکید رهبر معظم انقلاب و دغدغه ایشان دغدغه بسیار مهمی است، ما یک و نیم میلیون نفر دانشجوی رشته‌های علوم انسانی داریم و متأسفانه این یک و نیم میلیون نفر به اندازه پنجاه هزار نفر رشته‌های دیگر بازدهی که باید داشته باشند ندارند. و این کار می‌تواند چنین بازدهی بزرگی داشته باشد چون بزرگواران اهل اقتصاد هستند بنده اقتصادی صحبت کردم والا ارزش‌های معنوی این کار بر هیچ کس پوشیده نیست. من جسارتاً در حضور استادان بزرگوار اجمالاً بر اساس مقداری که در فلسفه و علم اسلامی کار کرده‌ام مواردی را مطرح می‌کنم. یکی از مواردی که به نظر من می‌تواند در این زمینه جلودار همه‌گونه مطالب علمی باشد، شاید علم اقتصاد باشد. شاید ما در فلسفه، جامعه‌شناسی،

روانشناسی و رشته‌های دیگر تا این اندازه که اقتصاد می‌تواند در زمینه ارائه دیدگاه‌های اسلامی کار کند نداشته باشیم. علت اصلی آن هم این است که بسیاری از رشته‌های دیگر بلاخره مسیحیت در مورد آن نظر داشته، دیدگاه‌های دینی دیگر هم در مورد آن نظر داشتند. اما اقتصاد مسیحی معنی ندارد. بنابراین اقتصاد از همان ابتدا به هیچ عنوان در حیطه مسیحیت قرار نگرفته و از همان ابتدا در حیطه سکولار قرار گرفته در صورتی که رشته‌های دیگر می‌توانسته تناسبی با رشته‌های دیگر داشته باشد ما اقتصاد بودایی، بانک بودایی و مسیحی نداریم ولی بانک اسلامی و اقتصاد اسلامی را ناگزیر هستیم که داشته باشیم این نشان می‌دهد که در زمینه اقتصاد برای اینکه یک اقتصاد اسلامی قابل عرضه به دنیا داشته باشیم بسیار محیا است و در واقع هرگونه کاری در این زمینه از دست ما و دولت بر بیاید باید انجام شود. پروژه دیگر که عرض خواهم کرد قسمت‌هایی از پدافند غیر عامل وقتی خواستند بودجه‌ای در نظر بگیرند و دنبال این هستیم که بودجه‌ای تهیه شود این است که ما به سمت تألیف کتاب‌های اقتصاد جدید برویم و این کتاب‌ها را مخصوصاً پتانسیل شورای بررسی متون این بوده که در عرض این هفت هشت سال تقریباً مشخص شده که چه کارهایی نباید انجام می‌شده و چه کارهایی باید انجام می‌شده و بتوانیم اینها را در اختیار گروه‌ها و افراد قرار دهیم که با سرعت بتوانند کتاب‌هایی در این زمینه کتاب‌هایی که بروز و مؤثر باشند تهیه کنند که ما ادبیات چنین کاری را هم در جامعه به خوبی بتوانیم فراهم کنیم. دنبال این دو مورد موردهایی هست که ما به دنبال آن هستیم، بحث استاد و دانشجو را دنبال نکردیم و امیدواریم که بتوانیم یکسری از این کارها را انجام بدهیم من حالا بدم نمی‌آید که در آخر جلسه اگر دوستان پیشنهادی برای اینکه ما چگونه می‌توانیم هزینه‌کرد بکنیم و اگر بنا باشد رشته اقتصاد تمام سرفصل‌هایش عوض شود با در نظر گرفتن اینکه تمام اساتید هم درگیر بحث باشند اساتید اقتصاد که بتوانند مقبولیت هم پیدا کنند نه تعداد خاصی همه را درگیر کنیم که بعدها از لحاظ مقبولیت دچار مشکل نشویم. به نظر آنها چه کارهایی باید انجام شود و چه بودجه‌ای می‌شود برای آن در نظر گرفت که من وظیفه خود می‌دانم که دنبال کنم و چنین بودجه‌ای را به آن اختصاص بدهم و در زمان فرصت اندک که بتوانیم شش ماه تأمین کنیم و از طرف دیگر برای تألیف کتاب‌های اقتصاد چه مقدار بودجه لازم است و بر چه اساس باید باشد البته ما

نرم‌هایی برای خودمان داریم ولی از نظرات بزرگواران در این زمینه بسیار استفاده می‌کنیم. من خیلی خوشحال خواهم شد اگر بزرگواران مطالبی که دارند را جناب آقای دکتر مصباحی لطف بفرمایند که ما سعی کنیم که هرچه سریع‌تر این مطالب را چاپ کنیم. مسائلی که در پیش‌همایش‌ها مطرح می‌شود همه را بتوانیم چاپ کنیم و هرچه سریع‌تر به عنوان ادبیات بحث در جامعه عرضه کنیم چه در تیراژ محدود و چه در تیراژ بسیار گسترده‌تر. خواهش می‌کنم که ماحصل این برنامه‌ها را بشود به صورت مجموعه‌ای درآورد که بتوانیم این مجموعه را هرچه سریع‌تر چاپ کنیم. این خیلی مهم است که نگذاریم در همین محدوده باقی بماند. یعنی هم ضبط مطالب و هم صحبت‌های بزرگواران را روی سایت بگذاریم که بقیه کسانی که می‌خواهند استفاده کنند و در اختیارشان قرار بگیرد. آنچه در توان من هست در خدمت بزرگواران هستم، بفرماید تا آنجا که بتوانیم دنبال می‌کنیم که هرچه زودتر چنین تحولی انجام شود. عذرخواهی می‌کنم از جناب آقای دکتر مصباحی که از سال قبل اصرار داشتند و ما هنوز هم متأسفانه تا به حال نتوانستیم این کار را برای سرفصل‌ها انجام دهیم. اگر آخر جلسه پیشنهادها را بفرمایند، پیشنهادهای معقول که هرچه سریع‌تر در خصوص تغییر و تحولات کار اساسی انجام دهیم. بیست و پنج سال است که کتاب‌ها عوض نشده است ان‌شاءالله که بشود کاری انجام داد من خواهش می‌کنم باید در نظر بگیریم که فقط فرصت شش ماهه که طول نکشد که بشود با سرعت و دقت و تمرکز بر این گونه کارها، جنبی نباشد بلکه اساسی باشد و تحول اساسی بشود در جامعه به وجود آورد. من در خدمت اساتید بزرگوار جسارت کردم وظیفه داشتم خیر مقدم بگویم و بضاعت ما نیاز نیست ولی بالاخره در خدمت هستیم تا استفاده کنیم.



□ بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين. اللهم انى اسئلك بحق هذا اليوم الذى جعلته للمسلمين عيداً و لمحمد صلى الله و اله زخراً و شرفاً و كرامتاً و مزيداً و ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تدخلنى فى كل خير و ان تدخلنا فى كل خير ادخلت فيه محمد و آل محمد و ان تخرجنا من كل سوء اخرجت منه محمداً و آل محمد صلواتك عليه و عليهم.

ابتدا تبریک عرض می‌کنم روز عید سعید قربان را که عید بزرگ اسلامی و مسلمین است و از اینکه روز عیدتان را برای این جلسه قبول کردید و اختصاص دادید بسیار سپاسگزارم. از راه‌های دور و نزدیک تشریف آوردید و قدم روی چشمان ما گذاشتید ممنون هستم که اجابت دعوت نمودید همچنین تقدیر و تشکر می‌کنم از جناب آقای دکتر آیت‌اللهی، رئیس محترم پژوهشگاه و رئیس محترم شورای بررسی متون علوم انسانی که قبول زحمت کردند و مقدمات برگزاری کنگره علوم انسانی را فراهم کرده‌اند و مقدمات برگزاری این پیش‌همایش‌ها را که ظاهراً به تعداد همه گروه‌ها که پژوهشگاه در شورای بررسی متون علوم انسانی دارد از این نوع پیش‌همایش‌ها برگزار می‌شود تا ان شاء الله کنگره پربار باشد و دستور خوبی داشته باشد و مطالب غنی را ان شاء الله داشته باشد. در خصوص رشته اقتصاد بحثی در مورد علوم انسانی است که به طور کلی در خصوص رشته اقتصاد با توجه به اینکه من اساتیدی را دعوت کردم که ویژگی‌های عالی دارند یکی از این ویژگی‌ها سابقه خوب این اساتید در تدریس در دانشگاه‌ها و تحقیق و تألیفات و یکی دیگر هم که مهم‌تر از این است داشتن آمادگی فکری لازم برای تحول است. چون یکی از معضلاتی که ما در تحول علوم انسانی داریم، وجود دانش‌آموختگان و اساتیدی است که نسبت به آنچه آموخته‌اند تصور می‌کنند وحی منزل است و نباید دست بخورد و تغییر کند. اگر هم بخواهد تغییر کند باید در جای دیگری رخ دهد و ما تبعیت کنیم و مانعی بر سر راه تغییر و تحول هستند با دوستان گروه صحبت می‌کردیم من عرض کردم اساتیدی دعوت کنیم که بر روی اصل مسأله چالش نداشته باشیم. این خیلی مهم است و یک قدم بزرگ به پیش است برای ورود به این بحث‌ها و اصول موضوعی را همه با هم پذیرفته باشیم یکی از اصول موضوعه این است که رشته اقتصاد در کشور ما از نظر موضوعات و از نظر سرفصل‌ها بروز نیست و اگر سی سال قبل تغییر و تحولی رخ داد و گروه‌هایی که در ستاد



انقلاب فرهنگی نشسته‌اند سرفصل‌هایی را تدوین کنند که آن سرفصل‌ها مبدأ تغییر و تحول شود از آن روز تا امروز سی سال این سرفصل‌ها و موضوعات تغییری نکرده و بروز نشده است. نمی‌خواهم بگویم در این زمینه بعضی از صاحب‌نظران و فرهیختگان کار نکرده‌اند. بلکه کار کرده‌اند اما به صورت موضوعات درسی رشته اقتصاد در نیامده، یا به صورت سرفصل‌هایی که مورد اتفاق نظر باشد و همه او را در دانشگاه‌ها به کار می‌گیرند، به کار گرفته نشده است و علت آن هم این است که غالباً کسانی که در این رشته تحصیل کرده‌اند کسانی بوده‌اند که تصورشان این بوده است که این دانش همچنان که خواستگارش غرب بوده باید رشدش هم از همانجا شکل بگیرد. باور به این که می‌باید یک نگاه نو به اقتصاد داشت. موضوعات جدید را آورد و نکته دیگر هم مسأله هم تناسب این رشته با شرایط کشور ماست. بالاخره کشور ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ارزش‌هایی را دارد و باورها و اندیشه و افکاری دارد. علوم انسانی از جمله اقتصاد هم علمی است که مبتنی بر ارزش‌ها و باورها و اندیشه‌های انسانی است. در رده‌بندی‌ها اقتصاد را جزو علوم رفتاری تلقی می‌کنند، یعنی مطالعه می‌کند رفتار انسان‌ها را در عرصه تولید و مبادله و مصرف. این علم موضوعی را مطالعه می‌کند که خود موضوع بار ارزشی بر می‌دارد. ممکن است ما بگوییم که استادی که مطالعه می‌کند یا محقق که مطالعه می‌کند نگاه هنجاری در مطالعه خودش به موضوع نداشته باشد که این را اظهار می‌کنند و ادعا می‌کنند و سخت هم هست که کسانی بخواهد خودشان را بی‌طرف نشان بدهند نسبت به ارزش‌هایی که در مطالعاتشان باور دارند. فرض می‌کنیم این باید رعایت شود اما وقتی خود موضوع موضوعی

است که مبتنی بر هنجارها و ارزش‌ها شکل گرفته، یعنی رفتارها. رفتارها برآمده از افکار انسان‌هاست. رفتارها برآمده از باورهای انسان‌هاست، سنت‌ها، آداب، رسوم، عادات همه بر انسان اثر می‌کند. اگر چنین است موضوعی که مطالعه می‌کند بین یک جامعه و جامعه دیگر و نسلی با نسل دیگر متفاوت است. حال اگر ما این را مبنا قرار دهیم، در کشور ما بویژه پس از پیروزی انقلاب که روی اندیشه‌های اسلامی و باورهای اسلامی تأکید وجود دارد و الحمدلله جامعه ما جامعه اسلامی است و به سمت الگو شدن برای جوامع دیگر می‌رود. این اندیشه‌ها تأثیرگذار بر روی تولید و مبادله و مصرف ماست، بر روی توزیع درآمدهاست، کما اینکه می‌بینیم در برنامه‌های دولت اینها انجام می‌شود پس باید مورد مطالعه مجدد قرار بگیرد. بنابراین دو اشکال در وضعیت جاری رشته اقتصاد وجود دارد. حال من نظری به رشته‌های دیگر ندارم. یک اشکال این است که موضوعات آن بروز نیست و سرفصل‌های دروس بروز نیست. این را اگر لازم شد آقایون با اطلاعات خیلی خوبی که دارند امروز می‌توانند خیلی قوی‌تر و غنی‌تر مطرح کنند. موضوعاتی در رشته اقتصاد در کشورهای غربی پیشرفته به وجود آمده که اصلاً جزو موضوعات درسی ما نیست. بعضی موضوعات قدیمی نیست اما در نظام آموزشی ما مورد عنایت قرار نگرفته است مانند فلسفه اقتصاد زمانی با بعضی از دوستان مثل آقای دکتر شریف آزاده بحث‌های بسیار طولانی داشتیم که به این نتیجه رسیدیم که غربی‌ها محصلان غیر غربی را که در اقتصاد آموزش داده‌اند از روی علم و آگاهی فلسفه اقتصاد را به آنها نیاموخته‌اند تا اینها با ریشه‌ها آشنا نباشند، بلکه با شاخه‌ها آشنا بشوند. چرا که اگر با ریشه‌ها آشنا می‌بودند ناسازگاری ریشه‌های فکری را با ریشه‌های فکری خودشان به خوبی درک می‌کردند و طبعاً به چالش می‌کشیدند، می‌خواستند کارشناسانی تربیت کنند که آنچه که آنها از نظر علمی تولید می‌کنند بپذیرند و به کار ببرند. این یکی از موضوعاتی است که در آموزش دروس اقتصاد داریم. یک مسأله مسأله بروز و جامع نبودن و مسأله دیگر بومی نبودن است. بومی نبودن را هم در یک جمله‌ای کوتاه عرض می‌کنم به معنای این است که هرچه آموخته می‌شود مثال‌هایش از اقتصاد ایران نیست، میدان مطالعه آن ایران نبوده است، بلکه میدان مطالعه آنها آمریکا بوده و غالباً کتاب‌ها، کتاب‌های آمریکایی است که ترجمه می‌شود دانشجوی ما قدرت تجزیه و تحلیل اقتصاد و بازار آمریکا را پیدا می‌کند ولی از اقتصاد خودش بی‌خبر

است. هم ارزش‌هایی که پشتوانه این دانش است ارزش‌های بومی و اسلامی نیست. با وجود این دو مشکل که داریم محصول این دانشگاه‌ها هم به درد بازار و اقتصاد ما نمی‌خورد. وقتی کسی دانش‌آموخته شده و دوران تحصیلش پایان یافته وارد بازار کار ما می‌شود در اینجا خیلی می‌لنگد و باید خیلی چیزهای دیگر به او آموزش داد و یا با تجربه خودش باید به آن برسد تا اینکه بتواند در جامعه مورد استفاده قرار بگیرد. گاهی اظهارات کارشناسی هم می‌کنند ولی چون پشتوانه فکری که آموخته‌های آنها ناسازگار است نتایج خوبی را به بار نمی‌آورد. این نشست به حول و قوت الهی در صدد این است که چنین نواقصی را موضوع مطالعه و بررسی خودش قرار دهد و اساتید در این زمینه بحث کنند و راهکار بدهند که چگونه می‌توان این دو نقیصه بزرگ را در رشته اقتصاد برطرف کرد. ظرفیتی که شورای بررسی متون در این پژوهشگاه دارد ظرفیت بسیار عالی است.



پانزده سال پیش این شورا آغاز به کار کرد و در طول این مدت، از بیش از صد استاد دانشگاه و حوزه استفاده کرده است. من الان رقم آن را به خاطر ندارم به نظرم حدود شاید دویست عضو هیأت علمی. اگر این دویست نفر را در دانشگاه‌های مختلف از تهران و شهرستان‌ها در نظر بگیریم، طرف همکاری خودمان داشته‌ایم. کتاب را مطالعه کرده‌اند، نظر داده‌اند. از دو جهت شکلی و محتوایی و بروز بودن و بروز نبودن و استفاده از ارزش‌های اسلامی اگر فرض را بر این بگذاریم که حدود دویست عضو هیأت علمی رشته اقتصاد در اینجا کار کرده‌اند

یعنی یک ظرفیت بزرگ. علاوه بر این که بین هفت تا ده نفر اعضای خود گروه که حالا اگر کم یا زیاد شده است کمتر از ده نفر نشده است. به صورت منظم ابتدا دو هفته یک بار و بعد زمان و ساعاتش را بیشتر کردیم و به ماهی یک بار تبدیل کردیم با هم گفتگو و بحث کردند و ظرفیت بالفعل و آماده بهره‌برداری در این زمینه است که خوشبختانه در کنار ما و در همکاری ما با آنها و آنها با ما، انجمن اقتصاد اسلامی را داریم که تعدادی از دوستان آنجا عضو انجمن هستند ولی عضو هیأت مدیره انجمن هستند حضور دارند، آقای دکتر عرب مازار، آقای دکتر موسویان، آقای معزی و خود بنده که ظرفیت خیلی بزرگی را در پشت خودش دارد نشستی که در مشهد داریم آمار را به خاطر ندارم از اساتیدی که دعوت کردند و تشریف آوردند به نظر من صد و پنجاه نفر حضور داشتند آنها تحت عنوان اقتصاد اسلامی هم حضور پیدا کرده بودند این ظرفیت بالفعل را باید مدیریت، ساماندهی کنیم و از آن استفاده کنیم. آثاری هم در طی این سال‌ها به وجود آمده مانند پایان‌نامه‌ها یا ترجمه کتاب‌هایی که در خارج از ایران انجام شده و مقالات بسیار زیاد. اوایل انقلاب معترض بودیم که نداریم حالا دست پر داریم و مهم این است که از آنچه که دست پر داریم بهره‌برداری کنیم و اشکالی که وجود دارد این است که چرا با وجود چنین ظرفیت‌هایی اقتصاد اسلامی در کشور به کار گرفته نشده است و پاسخ من این بوده است اگر هم اشتباه است دوستان راهنمایی کنند، گفتم هم در حوزه و هم در دانشگاه ما ظرفیت نهفته داریم و اندکی هم بالفعل شده و خودش را نشان داده است ولی تقاضا برای این عرضه وجود نداشته است و زبان اقتصادی و این تقاضا تقاضای افراد و اشخاص نمی‌تواند باشد. این تقاضا، تقاضای نظام جمهوری اسلامی باید باشد. این تقاضا، تقاضای آموزش عالی کشور باید باشد. اینطور نیست که بگوییم بنگاه خصوصی چنین تقاضایی را داشته باشد که آن را مشتری محور کنیم. چون تقاضا وجود نداشته، استادانی که حتی برای اقتصاد اسلامی پرورش یافته‌اند و حتی طرف دکترایش را در زمینه اقتصاد اسلامی گرفته، وقتی موضوع درسی انتخاب می‌کند غیر اقتصاد اسلامی انتخاب می‌کند زیرا مشتری ندارد. در دولت‌های قبل، من این را لازم می‌دانم که تکیه کنم انگیزه جدی برای دولت برای پیگیری چنین مسائلی مشاهده نمی‌کردیم. نه اینکه اصلاً نبود اگر بود جدی نبود و برای آن سرمایه‌گذاری نمی‌کردند من خاطر هست یکی دو جلد کتاب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه

که بعداً پژوهشگاه حوزه و دانشگاه شد یکی دو کتاب تهیه کرده بود ما نزد بعضی از بزرگان که مدیریت‌های اجرایی نظام را داشتند، تقدیم کردیم. آقایان هم خوششان آمد ولی یک قدم برای تقویت آن برنداشتند. اما امروز این دولت هم داعیه دارد و هم آمادگی دارد. ادعا می‌کند که می‌خواهد اسلامی عمل کند و در این راستا هزینه کند و هزینه هم می‌کند منتها ممکن است سوراخ دعا را گم کرده باشد این هزینه را جایی بکند که ظرفیتش وجود ندارد و به کسانی بدهد که توانش را ندارند و این از اشتباهاتی است که باید اصلاح شود. خود این که تحت عنوان رشته بانکداری اسلامی، رشته اقتصاد اسلامی، سرفصل‌هایی تدوین شد. حکایت از این تقاضا می‌کند و تقاضا در این دولت وجود دارد ولی حالا به جای مناسبی عرضه نکرده‌اند که بتواند پاسخ مناسبی را بگیرد، جای خودش. ما احساس وظیفه کردیم، دوستانی که با آنها آشنا هستیم، توانایی‌های آنها را هم می‌دانیم از اینها تقاضا می‌کنیم که کنار هم تشریف بیاورند، کنار هم و با هم صحبت بکنیم شاید بشود راهی پیدا کرد و با وجود تقاضا از سوی دولت پاسخ مناسب را بدهیم. از این جهت دعوت شده‌اید من هم خیر مقدم می‌گویم و سپاسگزارم که روز تعطیل خود را گذاشته‌اید و انتظارمان را هم خیلی بزرگ نگرفته‌ایم که قابلیت عمل نداشته باشد انتظار ما این است که مقدمات لازم را برای آنچه که مطرح می‌کنیم، یعنی تغییر و تحول در موضوعات و سرفصل‌ها فراهم کنیم و اساتید محترم اعلام آمادگی بکنند در پایان کار نشست که چگونه مشارکت بکنند در کنگره علوم انسانی، با ارائه مقالات در چه زمینه‌ای و حاصل کار را بیشتر از کنگره علوم انسانی انتظار داریم. البته به دنبال کنگره علوم انسانی، کار شش ماهه‌ای که جنابعالی پیشنهاد کردید قابلیت پی‌گیری را دارد. قصدم از این صحبت‌ها این بود که علت تشکیل این جلسه را بگویم، از همکاران خودم در گروه اقتصاد که زحمت کشیدند و مقدمات علمی این کار را فراهم کردند به نوبه خودم سپاسگزارم و استفاده می‌کنیم از دوستان و اظهارنظرانشان. آقای دکتر واعظ قرار است گزارشی را تحت عنوان مشکلات عام متون درسی اقتصاد ارائه نمایند.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: هر گزارشی که ارائه می‌شود همه اساتید به صورت طوفان فکری وارد بحث و گفت و گو شوند و در آخر جمع‌بندی کنیم.



□ آقای دکتر واعظ: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و العاقبه للمتقين. در ابتدا فرارسیدن عيد قربان را تبریک می‌گوییم و همینطور عيد سعيد غدیر را تبریک می‌گوییم و امیدوارم همه ما به درک معنوی این اعیاد نائل شویم و از معنویات این اعیاد مدد گیریم تا بتوانیم جلسه با خیر و برکتی را سامان دهیم. مطالبی را که خدمت سروران و اساتید ارجمند عرض می‌کنم، مطالب کمابیش شناخته شده‌ای است و سعی کرده‌ایم که این مطالب کم و بیش شناخته شده در قالب متن‌هایی دسته‌بندی شود و ان‌شاءالله با دریافت نظرات و تذکرات سروران تکمیل و ان‌شاءالله در گام بعدی در کنگره به صورت تخصصی‌تر با مشارکت خود عزیزان مجدداً مورد بررسی قرار بگیرد. ما در این متن کوتاه مروری بر مهمترین مشکلات متداول متون و کتب دانشگاهی رشته اقتصاد کردیم با این هدف که ضمن ارزیابی و تحلیل این مشکلات، بتوانیم به راه‌های مؤثری برای تأثیر مثبت گذاشتن بر جریان نشر متون درسی رشته اقتصاد در کشور برسیم، ان‌شاءالله بتوانیم در نهایت به استانداردهای یک متن الگو برسیم، و این را اشاعه بدهیم و همینطور تذکرات لازم را به ناشرین متن‌های موجود بدهیم. چرا که امروز متأسفانه، از یک سو به طور کلی نشر کتاب در حوزه اقتصاد مقرون به صرفه نیست و از سوی دیگر زمینه‌هایی که در این بازار کم رونق اثری منتشر می‌شود بیشتر این آثار متوجه تقاضاهایی است که کمابیش جنبه تجاری دارند. مثلاً برای قبول شدن در آزمون کارشناسی ارشد و از این دست، که ما ان‌شاءالله خواهیم توانست با

استخراج ویژگی‌های یک متن استاندارد و بر مبنای آن دادن تذکرات به ناشرین یکی از قدم‌های لازم برای تأثیر لازم گذاشتن برای نشر کتاب در کشور را ایفا کنیم. آنچه که در این مقاله آورده شده، درک فردی بنده به صورت کلی است یعنی فاقد روش‌مندی علمی متداول می‌باشد. البته در جلسه دیگری که ان‌شاءاله فردا برگزار خواهد شد ما سعی می‌کنیم با تکیه بر یک روش آماری ارزیابی تخصصی صورت بگیرد از مجموعه‌ای از کتب اقتصاد کلان منتشر شده، فعلاً این مقدمه‌ای کلی است. مشکلات متداول موجود در قالب دو دسته مشکلات شکلی و محتوایی به شرح ذیل طبقه‌بندی می‌شوند:

الف: مشکلات شکلی) منظور از مشکلات شکلی مسائلی است که به لحاظ صورت متن مانع ارتباط کارآمد و مؤثر خواننده نوعی با اثر می‌شود. مشکلات شکلی متعدد است اما به لحاظ اختصار این را در چند مشکل تلخیص کرده‌ام. اولین مشکل این است که ما مسائل را از چیزهای ابتدایی و ملموس شروع می‌کنیم و سعی می‌کنیم به جنبه‌های انتزاعی و تجریدی برسیم. اصلاً این مشکل، ضعف در رسایی و روان بودن متون است. توجه دارید که یک متن معیار آموزشی باشد دربرگیرنده اجزایی متناسب با حال موضوع و قابل فهم برای خواننده نوعی خود باشد. و این وقتی میسر است که متن در هر مقیاس، شامل فصول، بخش‌ها، زیربخش‌ها، پاراگراف‌ها، جمله‌ها و کلمات از رسایی و روانی برخوردار باشد. حال به عنوان مثال: شما اگر به یک پاراگراف استاندارد در یک متن علمی توجه بفرمایید ملاحظه خواهید کرد که در متن علمی اصولاً یک پاراگراف دارای پیام مستقلی است و خلاصه پیام در جمله اول آن آورده می‌شود و بقیه جملات توضیح دهنده اولین جمله هستند. هر پاراگراف باید دارای ارتباط منطقی با پاراگراف قبل و بعد خود باشد به طوری که مجموعه‌ای سازگار را به خواننده منتقل کند. این در حالی است که در متون منتشر شده، پاراگراف‌ها معمولاً فاقد تمام یا برخی خصوصیات ذکر شده هستند و لذا پیام روشن، سازگار و هموار را ارائه نمی‌کنند. دومین مشکل شکلی این است که عمده متون بررسی شده، توأمأً واجد ویراستاری عمومی و ویراستاری تخصصی بر مبنای دستورالعمل‌های فرهنگستان نیستند بر همین اساس مسائل شایع ویراستاری و نگارشی آثار عبارتند از:

۱ - لحاظ نشدن رسم‌النخط نگارش یکسان در کلمات ترکیبی

۲- استعمال شایع افعال اول شخص مفرد و اول شخص جمع که باعث ساختار شفاهی پیدا کردن متون می‌شود.

۳- استفاده نکردن از علایم نوشتاری، به طوری که در متون، نمی‌توانیم با استفاده از علائم موجود ارتباط دقیق و یکسانی را بین خواننده با نویسنده مشاهده کنیم.

۴- نپرداختن به فارسی نویسی کامل متن و قرار دادن واژگان و سایر عبارات لاتین در پانویس‌ها و ضمایم. و یکی از مشکلات شکلی موجود متون این است که تمام اجزای لازم متن در متن فارسی وجود ندارد برای توضیح بیشتر عرض می‌کنم که چنانچه در متن درسی وجود اجزای ذیل در محتوای متن مربوطه به ترتیب لازم باشد یعنی پیشگفتار، مقدمه هر فصل، فهرست مطالب، نتیجه‌گیری هر فصل، نتیجه‌گیری کلی، جدول و شکل و فهرست اعم از فهرست اعلام، موضوعی و منابع و بالاخره کتاب‌شناسی. اکثر متون درسی اقتصاد فاقد اکثر اجزاء ذکر شده هستند. حال این مشکلات شکلی باعث این می‌شود که با محتوای موجود که خود دربرگیرنده مسائلی می‌باشد متون نتواند به صورت مؤثر و کارآمد بخصوص به صورت کارآمد محتوای خود را به خواننده انتقال دهد. به عبارت دیگر، نارسایی‌های متداول شکلی، باعث می‌شود که همین محتوای موجود با زمان کمتر و صرف منابع کمتر نتواند به خواننده در مقایسه با آنچه اکنون روی می‌دهد انتقال یابد. و اما بررسی محتوایی. منظور از مشکلات محتوایی، مسائلی است که به لحاظ محتوای متن مانع ایجاد گستره و عمق دانش لازم مرتبط در مخاطب شده و قدرت خلق مخاطب را بدین خاطر تحریک نمی‌کند. اهم مشکلات متداول و معمول بسیاری از متون موجود عبارتند از:

۱- کیفیت معادل‌سازی و کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی. به طوری که اکنون با مطالعه متون معادل‌های دقیق و یکسانی در ذهن مخاطبان نقش نمی‌بندد. من مثالی زده‌ام و آن ترجمه‌ها و کاربردهای متفاوت واژه اکسترنالیتیست که در دو دهه اخیر در متون مختلف ملاحظه می‌فرمایید. اگر فرصت بود من به صورت تصادفی یک پاراگراف از یک متن درسی را بدون ذکر نام نویسنده محترم آن متن تحلیل می‌کردم، تا ببینید علی‌رغم ظاهر آراسته آن. چقدر نکات ریز و درشت شکلی و محتوایی

در یک پاراگراف وجود دارد. اگر اجازه بدهید من اینها را با مثال‌های محدود مرور می‌کنم و اگر فرصتی شد بیشتر در این باره صحبت می‌کنیم.

۲- در عمده متون از تمام یا غالب ابزارها شامل تمرین‌های طبقه‌بندی شده، نمودارها، جدول‌ها، نقشه‌ها، آمار و بخصوص آمار مقایسه‌ای، نکته‌ها و طنزها و پیوست‌های تکمیلی برای تفهیم موضوع و جهت‌دهی به خواننده‌های آینده استفاده نمی‌شود. حتی در یک متن درسی لازم است تکه‌ای یا طنزی برای تفهیم بهتر یک موضوع یا برای طرح مسأله برای روشن شدن مقدمه ذهنی آورده شود که متون ما معمولاً فاقد این جنبه‌هاست.

۳- عنوان اثر یا آثار دقیقاً گویای گستره و سطح محتوای اثر نیست. برای مثال در بسیاری از آثار تحت عنوان اقتصاد کلان معلوم نیست اثر به نظریه اقتصاد کلان می‌پردازد و یا برای چه سطحی از مخاطبین استفاده شده است.

۴- فقدان اطلاعات روزآمد. بسیار از آثار منتشر شده ترجمان محتوای نظری و آماری یک سه دهه قبل است. به عبارت دیگر، آثار نتوانسته‌اند نوین‌سازی را در بخش نظری و بخش آماری دربر گیرند.

۵- عدم انعکاس منظم و فراگیر واقعیات اقتصاد ایران. امروزه در بسیاری از متون نظری پیشرفته، برای معطوف کردن ذهن خوانندگان حرفه‌ای، به سئوالات و مسائلی که برای پاسخگویی به آنها لزوماً باید به نظریه مراجعه کرد، اولین فصل به حقایق آماری آشکار شده اختصاص می‌یابد. برای مثال دو متن پیشرفته اقتصاد کلان روز را ملاحظه کنید. کتاب ادونس مک ریکارامیکس از رومر یا کتاب نسبتاً جدید لکشرز ان مک رکانامیکز از فیشر و بلند شارت. اولین فصل کتاب مروری بر اقتصاد کلان آمریکاست که از طریق این مرور می‌خواهد سؤال در ذهن مخاطب ایجاد شود. آنگاه نظریه‌ها توضیح دهنده آن سئوالات باشد. اما در متون فارسی اقتصاد. نه تنها عمده متون نظری اقتصاد دارای آمار و شواهد منسجم آماری نیستند، به صورت جسته و گریخته آمارهایی آورده می‌شود، بلکه در متون کاربردی

اقتصاد هم چون پول و بانکداری آمار و شواهد آماری مربوط به اقتصاد ایران موجود نیست و معمولاً در متونی که آمار و شواهد آورده می‌شود، این کار حالت موردی و پراکنده دارد.

۶- ناقص و قدیمی بودن ابزارهای کمی. به این صورت که چون متون با مأموریت متن درسی تدوین نیافته‌اند، لذا فنون کمی به کار رفته در آنها به سلیقه و توانایی مؤلف بستگی داشته است. در این رابطه، فقدان روش‌های ریاضی پیشرفته در متون ریاضی محسوس است. یعنی روش‌های ریاضی که در متون نظری ما امروزه موجود است، حداقل ده سال عقب است.

۷- و بالاخره آخرین مشکل که به نظر من مهمترین مشکل محتوایی است، فقدان الگوی سرمشق یا پارادایم بومی است. عمده کتب پیرامون یک الگوی سرمشق یا مکتب فکری تصریح شده‌ای متأسفانه تدوین نیافته‌اند. یعنی یا متن دارای الگوی سرمشق می‌باشد اما در آن چه صریحاً و چه به صورت ضمنی اشاره نشده است. یا اصولاً متن به گونه‌ای است که متن در جریان تدوین و تشکیل پارادایم‌ها تولد طبیعی نداشته است که بعداً می‌شود این را با مثال توضیح بیشتری داد، بلکه قطعاتی از کتب مختلف هستند که در کنار آمار و شواهد بر مبنای سلیقه و فهم مؤلف سامان یافته‌اند و از طرفی دیگر در الگو یا الگوهای فکری معمولاً توجهی به مبانی فکری سازگار با نگرش‌ها و ارزش‌های دینی که آنها در مرتبه‌ای در متن جامعه ما صورت واقعیت تحقق یافته به خود گرفته است نمی‌شود. یعنی حتی اگر چارچوب روش‌شناختی نویسنده چارچوب پوزیویستی باشد باز هم در این چارچوب باید با نگرش‌های دینی به عنوان چیزی که در سطحی از جامعه ما تحقق یافته‌اند برخورد کشفی بکند، در حالی که با بی‌اعتنایی روبرو می‌شوند. در جمع‌بندی مشکلات متداول متون اقتصاد می‌توان گفت چون متون نگاشته شده حاصل در کنار هم گذاردن کتب محدود ترجمه شده بوده است و براین تعامل مؤثر و فعال سه عنصر دیدگاه بومی، فنون مناسب و پیشرفته و بالاخره شواهد بومی در بستر یک جامعه علمی نبوده‌اند. یعنی طوری نبوده که متون حاصل تعامل این سه عنصر در بستر جامعه علمی اقتصاددانان ایران تولید شده باشد لذا به خوبی نمی‌تواند عهده‌دار تبیین، پیش‌بینی و هدایت رفتارهای

اقتصادی و پدیده‌های برآمده از آنها برای اقتصاد ایران باشد. از این رو ضرورت توانمندسازی متون به شکل نوین‌سازی و بومی‌سازی آنها احساس می‌شود.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: پانزده دقیقه برای گفت و گو زمان گذاشته‌ایم اگر ضرورت پیدا کرد تمدید می‌کنیم. در خدمت شما هستیم.

□ -----: بسم‌الله الرحمن الرحیم. اگر این تحول بخواهد تحول با بصیرت، با الهام از بیانات مقام معظم رهبری باشد و تحول کور نباشد، ما باید مشکل اصلی و زیربنایی را از مشکلات صوری و روبنایی جدا کنیم. مشکل اصلی چیست؟ آیا در بیانات جناب حجت‌الاسلام مصباحی این بود که نوین‌سازی، جامعیت، عدم جامعیت و عدم نوین بودن نظریات و بومی‌سازی. علم اقتصاد تعریف، ماهیت، اهداف، وظایف، مسائل، نظریات، ساختار و روشی دارد. این علم در فرهنگ غرب تولید شده و ما از آن در کشورهای دیگر از آن علم استفاده کردیم در جهت اهدافی که آنها ترسیم کردند. آیا مشکل این است که ما به روز از این علم استفاده نکردیم؟ و نظریات سی سال پیش آنها را استفاده می‌کنیم و باید نظریات امروز آنها را استفاده کنیم؟ مشکل این است که ما به طور جامع برخورد نکردیم و همه مطالب آنها را نیاوردیم البته جامعیتی که حاج‌آقا نسبت به مبانی مطرح فرمودند بحث دیگری است من نسبت به مسائل بحث می‌کنم. آیا مشکل این است؟ و آیا مشکل این است که ما این نظریات را با شرایط و فرهنگ ایرانی بومی نکردیم که بخشی از آن فرهنگ ایرانی هم فرهنگ اسلامی است، در حدی که در جامعه ما به اسلام اعتقاد دارند و رفتارها بر اساس اسلام تنظیم می‌شود. مشکل این است یا مشکل این است که خود علمی که در دامان غرب متولد شده، دارای مبانی، روش‌ها و مسائلی است که بر اساس یکسری مبانی‌ها درست است و قبل از این که ما بخواهیم وارد این بحث شویم که دوستان فرمودند مسأله اصلی دیگری وجود دارد. مسأله اصلی این است که مبانی فلسفی و جهان‌بینی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی و معرفت‌شناسی ما این علم را از جهت تعریف، اهداف، مسائل و نظریات، روش‌ها باید مورد بازبینی و تجدیدنظر قرار دهد. ما باید از پایگاه این مبانی ابتدا تجدیدنظری در این مسائل بکنیم. به نظر من اگر ما به این مسأله اصلی توجه نکنیم که همان چیزی است که تحت عنوان

اسلامی‌سازی در کلام مقام معظم رهبری و تأکیدیاتی که ایشان داشتند وجود داشته است. اسلامی‌سازی علوم انسانی غیر از بومی‌سازی است. بومی‌سازی در حدی که در فرهنگ اسلامی است. در بومی‌سازی علم را با تعریف اهداف و روش و ... پذیرفته‌اید و قصد منطبق کردن آن با شرایط ایران را دارید. ولی در اسلامی‌سازی اصل این مسأله باید تجدید نظر در اصل تعریف و وظایف علم شود. بنابراین من فکر می‌کنم اگر ما درست مشکل را تشخیص ندهیم، و فرض را بر این بگذاریم که دانشی تولید شده منتها این دانش در ایران به روز نیست و در ایران بومی نیست، اگر اینگونه به قضیه نگاه کنیم در واقع خلاف جهت درست حرکت می‌کنیم و همان نظریات علمی را که قدیمی بوده جدید می‌کنیم. بومی نبوده، بومی می‌کنیم. من روی اسلامی‌سازی علوم انسانی سطوحی دارد، غیر از تطبیق علم بر فرهنگ موجود اسلامی در ایران است. این دو حرف است و نباید غفلت کرد. به نظر من اگر مشکلات را درست شناسایی نکنیم و ریشه‌یابی نکنیم، اگر چیزی که باید به دنبال آن باید باشیم اسلامی‌سازی علوم انسانی است. اسلامی‌سازی علوم انسانی باید در متون بیاید یعنی ابتدا باید بدانیم چه می‌خواهیم بکنیم و بعد متون را بر اساس آن تدوین و اصلاح کنیم نه اینکه بگوییم اقتصاد کلان. اقتصاد کلان دانشی است و علمی است که برای خودش روش، موضوع و مسائلی دارد اگر این را درست بپذیریم بعد اقتصاد کلان را می‌خواهیم در ایران به کار ببریم، حالا وضعیت چگونه است؟ چگونه آن را به کار می‌برند؟ می‌گوییم جامع نیست، نوین نیست و ... به نظر من عطف توجهی به آن مسأله به صورت مستقل شود نه در ضمن بومی‌سازی در حد فرهنگ موجود در ایران. بهتر است مسیر را از آنجا شروع کنیم و این منافاتی ندارد که آن کار کاری بلند مدت است ولی می‌شود آن را فزاینده کرد و بر اساس هدف‌گیری درست برنامه کوتاه‌مدت، میان مدت و بلند مدت را تعریف کنیم. در کوتاه مدت ممکن است تغییرات شکلی ولی جهت‌دار تعریف کنیم یعنی در جهت اسلامی‌سازی علوم. نه در جهت بومی‌سازی علم انسانی که در غرب تولید شده است. نه در جهت تصحیح بروز کردن نظریات علمی که در غرب تولید شده است. ما سرفصل‌ها و موضوعات را می‌خواهیم اصلاح کنیم. جهت اصلی آن اسلامی‌سازی است ولی اینها لایه‌ها و سطوحی دارد و ما باید به

تدریج برنامه‌ریزی کنیم اما جهت اصلی بومی‌سازی و بروز کردن نظریات است. این اگر جهت اصلی ما باشد با صرف نظر از اسلامی‌سازی به عنوان متن کار، در درس‌ها تحول کور ایجاد می‌کنیم.

□ آقای دکتر موسوی، عضو هیأت علمی دانشگاه مفید و فرهنگ و اندیشه و دانشیار و دانش‌آموخته حوزه و دانش‌آموخته دانشگاه:

آقای معصومی‌نیا عضو دانشکده علوم اقتصادی.

□ -----: مقام معظم رهبری در سفری که به قم داشتند، این بود که باید حواسمان باشد که از بیخ و بن در علوم تجدیدنظر کنیم. عین جمله ایشان خیلی زیبا بود که مبادا از وسط راه طوری که به مبانی اقتصاد غرب توجه نکرده تغییرات ایجاد کنیم. ما باید مشخص کنیم که آیا در دانشگاه می‌خواهیم سرفصل‌هایی برای اقتصاد اسلامی تدوین کنیم بعد یکسری سرفصل‌ها برای اقتصاد رایج. زمانی ما می‌گوییم اگر ما آمدیم و تجدیدنظر کردیم در مبانی علم اقتصاد و در همان پروژه بلندمدتی که فرمودند بخواهیم طراحی کنیم، اگر این پروژه بلندمدت طراحی شود و بتوانیم بر اساس تجدیدنظر در مبانی و اهداف، اصول و روش‌های اقتصاد غرب بخواهیم علم اقتصاد را سامان بدهیم اگر رویکرد اصلی ما این است که بر اساس مبانی اسلامی خودمان این کار را انجام دهیم دیگر معنا نخواهد داشت که بخواهیم رشته اقتصاد اسلامی داشته باشیم و یک رشته اقتصاد رایج داشته باشیم که سرفصل‌های آن جدا باشد به این معنا به متونی که تدوین می‌شود بر اساس مبانی خودمان است و همیشه اقتصاد اسلامی و مبانی فلسفی خودمان، مبانی، اهداف اقتصادی متناسب با اقتصاد اسلامی است و اقتصاد ایران هم به عنوان موردی که الان با آن درگیری مستقیم داریم باید لحاظ شود.

□ -----: پیشنهاد خودتان چیست و در این مباحثات ان‌شاء‌الله چیزی را مشخص کنید.

□ -----: اگر عنایت بفرمایید موضوعاتی را که مورد بحث ماست نوین‌سازی و بومی‌سازی در اقتصاد غرب، در اقتصاد خرد، در اقتصاد کلان و در اقتصاد آمار و ریاضیات و امثالهم. مقصود این است که شاید به صورت ضمنی نهفته باشد که حرف اصلی همان است که جناب آقای میرمعزی فرمودند ما به سمت یک تغییر و تحول اساسی و بنیادی می‌بایست حرکت کنیم، ولی برای اینکه به هدف برسیم باید بگوییم چگونه، حتماً

چنین کاری نیاز به زمان‌بندی و فازبندی است و قدم به قدم باید به پیش برویم و عجله هم نکنیم و طوری باشد که دانشگاه همراه رشته اقتصاد دانشگاه، استادان و محققان، صاحب‌نظران و دانشجویانش به صورت همراه در این راه حرکت کنند و بیایند و این فرهنگ اشاعه پیدا کند و دستاوردهایی که تاکنون در این زمینه بوده اشاعه پیدا کند و اگر دوستان در این زمینه نظری دارند من در خدمتشان هستم.

سکوت (حدود سی دقیقه)

□ آقای دکتر برادران هاشمی : این مسائلی که شما می‌فرمایید مشکل ما نیست ما مشکل سیستم داریم. من در کلاس توضیح دادم ایشان در کلاس قانع نشدند و بعد از کلاس همراه من به دفتر آمدند ایشان گفتند برای اینکه به شما بگویم ما مشکل سیستم داریم این است که من چند سال پیش برای کار به ژاپن رفتم. (چند سال پیش ایرانی‌ها به ژاپن می‌رفتند و درآمد خوبی کسب می‌کردند و بر می‌گشتند) ایشان گفتند همراه من چند نفر از لاش‌های جنوب شهری بودند که تابع هیچ قانونی نبودند. ایشان گفتند که در آنجا مشغول کار شدند و چون تجربه کار داشتند منظم بودند ولی آنها قرار بود ساعت هشت سر کار بیایند هشت و ربع یا هشت و نیم آیند آنها دیدند ساعت‌هایی که نیامدند مزدشان کم شد، همین فردی که از نظر ما بی‌تربیت و لابلالی و هرچه هست. سیستم چنان آن را ساخت که فردی منظم، مرتب و خوب از کار درآمد. وقتی دانشجو این را برای من گفت پذیرفتم و گفتم شما فکر می‌کنید این سیستم برای ژاپن از آسمان آمده است، قدم به قدم و ذره ذره، این روش را جا انداختند و سیستم به این شکل درآمد. نکته‌ای که در این مورد مطرح می‌کنم این است که ما دارای این آگاهی نیستیم که نهادسازی و نهادها چه نقشی دارند. برای اینکه نظر دوستان را در این مورد بخواهم، در این نوشته، من تمام عواملی که موجب خلق و پیشرفت جامعه می‌شود به سه دسته تقسیم کرده‌ام. این عوامل، دارایی‌ها، حالت‌ها من به زبان اقتصاد آن را ثروت ترجمه می‌کنم و معتقدم که ما اگر زبان اقتصاد و روش علم

اقتصاد را برای جامعه به کار ببریم خیلی از مسائل اجتماعی را بهتر مبادله فکری و انتقال فکری می کنیم. به هر حال ثروت های جامعه به سه دسته تقسیم می شوند. ثروت اقتصادی آن موضوع علم اقتصاد است، اما دو دسته از ثروت های دیگر هستند که خیلی مهم تر از ثروت اقتصادی هستند. یک دسته ثروت معرفتی - فضیلتی است که در درون جامعه وجود دارد. افراد اعم از من و شما و هر کس دیگر دو نوع ثروت هستیم. یکی ثروت جسمی که ثروت اقتصادی لقب دارد و ثروت دیگر که انسانیت است و بعضی ها ثروت معرفتی آن را نام گذاشته اند و یک دسته ثروت مهارتی است که بعضی ها آن را فضیلتی و معرفتی می نامند که این متفاوت است و نکته بسیار مهمی است. این ثروت را ابتدا پدر و مادر در کودک سرمایه گذاری می کنند و بعد جامعه و اطراف. ثروت معرفتی - فضیلتی خلق شدنی با سرمایه گذاری خلق شدنی است بعضی جوامع این را بیشتر می پذیرند و بعضی جوامع کمتر. دسته دوم از ثروت ها ثروت معرفتی فضیلتی است که در درون افراد است اما دسته سوم از ثروت ها که جامعه را می سازد، در کشور ما به تازگی در حال شناسایی است و در گذشته شناخته شده نبود. در ادبیات تاریخی ما این به این ثروت کم و یا اصلاً اشاره نشده است که به آن ثروت سیستمی لقب می دهیم که این ثروت، ثروت بین انسان هاست. بعد از آن روزهای اول انقلاب من در سازمان برنامه بودیم، برای اینکه چکار باید بکنیم جلسه تشکیل می دادیم. در آنجا متوجه شدم که ما مهارت تبادل افکار را به دست نیاورده ایم و یکی از مشکلاتی که بعد از انقلاب پیش آمد فقدان همین ثروت بود. ثروت سیستمی بعضی از کشورها زیاد دارند و از خیلی قدیم دارند، بعضی ها کمتر و بعضی ها هنوز ندارند. یکی از مشکلات افغانستان این است که این ثروت را خیلی کم دارند و روی آن سرمایه گذاری نشده است. در کشور ما نسبتاً خوب توجه می شود و من فکر می کنم که صحبتیم را تمام فرض کنم و منتظر نظر دوستان باشم.

□ آقای دکتر آیت اللهی: موضوع مشخص بود، بحث بومی سازی رشته اقتصاد که توسط آقای دکتر برادران هاشمی مطرح شد اگر دوستان دیدگاهی دارند استفاده کنیم و زمان بیشتری به این اختصاص بدهیم.

□ - - - - : بسم الله الرحمن الرحيم. من در راستای بحث بومی سازی و موضوع پیش همایش که بررسی سرفصل های دروس اقتصاد اسلامی از نظر بومی سازی است چند نکته را می خواستم عرض کنم شاید بهتر به

نتیجه برسیم. احتمالاً صحبت‌هایی شده من اشاره می‌کنم که باید ببینیم مسأله چیست و دنبال حل آن باشیم در شرایط فعلی چیزی که در رشته من وجود دارد این است که وقتی دانشجویان فارغ‌التحصیل می‌شوند مشکلاتی دارند که ما باید ببینیم که چگونه باید این را حل کنیم. خیلی هم این را پیچیده نکنیم شاید اصلاً حل نشود اگر بگوییم در بلند مدت، کتاب تولید کنید و ... ممکن است هیچ وقت هم حل نشود و نتیجه‌ای ندهد. بحث ما بحث اقتصاد اسلامی است که مشکل دارد که باید قطعاً در دروس اقتصاد باید وارد شود و یک نوع مسأله تولید متون و کار علمی است که باید حل شود تا کار سرفصل‌ها.

نکته دوم، بحث اقتصاد ایران است. ما دانشجوی اقتصاد تربیت می‌کنیم، اقتصاد کشور و صنعت کشور و تاریخ کشورش را نمی‌شناسند به طور مثال نمی‌دانند اقتصاد دوره صفویه چیست و گذشته کشورش را نمی‌شناسد در صورتی که دانستن اینها به حل مسأله کمک می‌کند و کمک می‌کند که هویت درستی این فرد فارغ‌التحصیل پیدا کند و علاقه به اسلام، ایران، ملت داشته باشد و وجدان کاری داشته باشد. یکی از دلایل مشکل در رفتار اجتماعی در کار و تلاش به درجه اهمیت و علاقه‌ای که نسبت به سیستم و جامعه و تاریخ خودمان قائل هستیم بر می‌گردد. تدریس درس اقتصاد ایران از لحاظ تاریخی جا دارد که چند درس باشد. معمولاً یک درس داده می‌شود و سرفصل‌ها کلی است بدون اینکه دانشجو حتی یک بار کارگاه، کارخانه و گذشته‌ای را دیده باشد. در این حوزه کتاب خوشبختانه زیاد است و ما مشکل تدوین متون نداریم، مشکل سوم که به نظر من مهم است بحث تکست و کانتکست درس‌هاست. اقتصاد علمی اجتماعی است و این تکست اقتصاد اسلامی و نصوص علم اقتصاد اسلامی در متن بزرگ‌تری گزاره‌هایش معنا دارد. و کانتکست زمینه‌ای است کانتکست‌توال است که این علوم در آن معنی پیدا می‌کند. علوم طبیعی همین‌طور است. قواعد فیزیک و شیمی در مقطعی کره زمین صادق است و جاهای دیگر صادق نباشد ولی در حوزه علوم اجتماعی که علم اقتصاد هم شامل آن می‌شود بدون توجه به زمینه و کانتکست فهم این علم معنا ندارد و بومی کردن یعنی همین. که ما قواعد و مقررات این علم را متناسب با کانتکست دوباره بازسازی کنیم و مجدداً بازسازی کنیم. و یا بازمهندسی متناسب با زمینه‌های خودمان کنیم که من اسم آن را بومی‌سازی می‌گذاریم ولی در دنیای غرب به این توجه به کانتکست‌ها می‌گویند

چون این علوم ماهیتاً کانتکتستوال و زمینه‌ای هستند. بحثی در این رابطه شده است که اصالت این علوم را گاهی اوقات زیر سؤال می‌برند چون این علوم زمینه‌ای است و بدون توجه به گزاره‌ها ممکن است در زمینه‌ای صادق و در جاهای دیگر غیر صادق باشد برای اینکه اینها به درجه صدق باید متناسب با زمینه‌هایش علوم را بازسازی کرد. این در کشور ما واقعاً انجام نشده و شما در نامه‌ای که مرقوم فرموده بودید اشاره شده است کمتر توجه شده، این علوم کلان با توجه به مشکلاتی که در دنیای غرب به وجود آمده تدوین شده و در کشور ما تدریس می‌شود بنابراین مثال‌های آن خودی نیست. اخیراً من چند کتاب در حوزه اقتصاد گردشگری و اقتصاد رسانه دیدم متوجه شدم که اقتصاد رسانه‌ای اقتصاد رسانه غربی است که تمام آمار و اطلاعات خودشان را کار کرده‌اند و تئوری‌ها را متناسب با آن تغییر داده‌اند که چگونه از آن استفاده کنند و اقتصاد گردشگری هم همین طور که امروزه این دو مقوله خیلی مهم شده است. حال ما باید چه کار کنیم؟ من فکر می‌کنم مشکل اصلی ما این است من در کنار این سه مشکل نکته دیگری عرض می‌کنم که بعضی از علومی که ما اینجا می‌خوانیم چون در آن کانتکتست ایجاد شده است به صورت صریح یا غیر صریح حامل یکسری جامعه‌پذیری خاصی است و ارزش اجتماعی خاصی دارد که آنها منتقل می‌شوند. ما اگر بتوانیم یکسری علوم را که معارض با اینهاست و این ارزش‌ها را تلطیف می‌کند در کنار اینها قرار دهیم مشکلات را کمتر می‌کند و آن جنبه اجتماعی اقتصاد است به این معنا که ما در کنار خرد و کلان که وقتی دانشجویان می‌خوانند و خود من در این زمینه کار پژوهشی انجام داده‌ام نتیجه آن روشن است. دانشجویان اقتصاد ما خیلی خودمحورتر و خودخواه‌تر هستند. این کار پایان نامه دانشجویست که من عرض می‌کنم. این به متون آموزشی بر می‌گردد. در کنار یکسری موضوعات اجتماعی‌تر اگر مطالعه شود قطعاً اثرگذار تر است و علم روی اخلاق اثر خواهد گذاشت و این بر می‌گردد که کانتکتستی که در علوم ایجاد شده که به طور ناخودآگاه روی افراد اثر می‌گذارد به طور مثال ما در خرد و کلان بنگاه‌هایی را مطالعه کنیم که هدفشان غیر اقتصادی است. اقتصاد اجتماعی تدریس می‌شود، عدالت به عنوان یک نظریه به درس‌های اقتصاد اضافه شود یا بحث تعاون یا سرمایه اجتماعی که در صحبت‌های آقای دکتر هم به صورت غیر مستقیم بود و اثر آن بر توسعه که سرمایه خیلی مهمی است اینها به دروس اقتصادی

اضافه شوند و یا بحث‌های اجتماعی‌تر مانند طراحی الگوهای مشارکت که در فرایند توسعه چگونه می‌توانیم مشارکت داشته باشیم. در ایران درس‌های توسعه همه اقتصادی است و تدریس می‌شود این ابتر ترین و بی‌معناترین شکل که در توسعه تدریس می‌شود اینها هستند در صورتی که توسعه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظریه‌هایی که در این حوزه باید این جنبه‌ها هم اضافه شود تا از نظر وارد کردن زمینه‌های خودمان تلطیف شود. اعم از وارد کردن زمینه‌های خودمان اعم از فیزیکی و جامعه ما کالبد فضایی خاصی دارد. جغرافیای خاص خودش را دارد همانطور که فرهنگ خاص خودش را دارد اینها باید وارد متون و مثال‌ها شود در ریاضیات هم باید مثال‌ها ایرانی باشد. مثال‌های اقتصاد گردشگری را می‌شود ایرانی کرد و الگوها را ایرانی آورد. من در این اشکالی نمی‌بینم نه اینکه اساسی که علم ایجاد کنیم. این بخشی از کار است که می‌تواند تا حدودی مشکل را حل کند و فارغ‌التحصیل به درد کشور بخورد و علم هم به معنای واقعی بومی شود ولی نباید افراط و تفریط کرد که همه اینها را به هم زد.



چون بخشی از علوم که جنبه طبیعی و روابط طبیعی بین متغیرها را دارد ممکن است خیلی ارتباط به کانتکتست و یا زمینه‌ها نداشته باشد. اینها طبیعی است و هر بخشی ممکن است خرد و کلان هم که درس می‌دهیم پایه اقتصاد محسوب می‌شود ممکن است اینگونه باشد ولی عمده‌اش که مربوط به رفتار انسان‌هاست نمی‌توانیم بدون توجه به زمینه‌ها باشیم. مشکل ما تغییر سرفصل نیست. صحبت من خارج از این‌هاست. سرفصل‌ها را اساتید تغییر داده‌اند ولی چیزی که اساسی‌تر است همین نکات است. یکسری دروس اقتصاد ایران باید وارد این حوزه شود و یکسری دروس اقتصاد اسلامی و دروس اجتماعی وارد شود که از نظر فهم تاریخی و فلسفی ایران باید اضافه شود. درسی را می‌خوانند که هیچ ارتباطی ندارد و به راحتی می‌شود اینها را جایگزین کرد. و مثال‌ها باید بومی شود. اقتصاد کلان با توجه به اقتصاد ایران باید نوشته شود. این مستلزم تولید یکسری متون قبل از سرفصل‌هاست. یعنی اگر اینجا جایی وجود دارد و به فکر آن هستید، شورای عالی انقلاب فرهنگی که این مسائل را مطرح می‌کند من برآوردی کرده‌ام که یک هزارم پول تحقیقاتی را که نه به افراد صالح بلکه به افراد ناصالح می‌دهند کسانی که نمی‌توانند کار کنند اگر یک هزارم از پول تحقیقاتی را که به مؤسسات خصوصی در بیرون داده می‌شود و اسامی ما را در تحقیقاتشان یدک می‌کشند اگر یک هزارم را برای تولید این متون بگذاریم مشکل حل می‌شود. اقتصاد ایران باید نوشته شود برای مقطع لیسانس اقتصاد خوب نداریم که باید نوشته شود اقتصاد اسلامی یک و دو احتیاج به سرمایه‌گذاری دارد که روی آن کار شود تا متن تدریس شود. اقتصاد اسلامی یک و دو احتیاج به سرمایه‌گذاری دارد تا نوشته شده و روی آن کار شود تا متن تدریس شود در مقطع فوق لیسانس موضوعات منتخب اقتصاد اسلامی در چند جلد نوشته شود که در هر ترمی نوعی از آن تدریس شود. یک ترم پول و بانک، یک ترم روش‌شناسی، یک ترم فلسفه اقتصاد، یک ترم متناسب با اقتصاد ایران، یک ترم مربوط به تحلیل پدیده‌های اقتصادی که مصرف، تولید، توزیع و مبادله است و روی اینها باید کار شود. اگر اینها تولید شود دست استاد هم باز می‌ماند و موانعی که در دانشگاه‌ها هست باید برطرف شود. چند وقت پیش جلسه‌ای بود که می‌گفتند اقتصاد اسلامی که تدریس می‌کنیم به ما پوزخند می‌زنند و می‌گویند اینها چیزی برای گفتن ندارد و ما توانستیم به سختی درسی را اضافه کنیم که تصویب کنند. من در آنجا گفتم

مشکل این است که کسانی باید تصویب کنند که نه این را خوانده‌اند یا اطلاعات و دانشی در این زمینه دارند شما باید مانع را برطرف کنید آنها نباید این درس‌ها را تصویب کنند. در هر دانشکده‌ای باید زیرگروه وجود داشته باشد که به این درس‌ها توجه شود. شما وقتی اقتصاد اسلامی می‌نویسند و اقتصاد ایرانی با همین رویکردهای اسلامی می‌نویسید و در گروه کسی می‌خواهد تصویب کند که نه اعتقاد دارد نه دانشش را. آنها با پوزخند جواب می‌دهند اینها را باید اصلاح کرد و شاید ربطی به موضوع بحث ما ندارد ولی تا اینها تغییر نکنند هیچ اتفاقی نمی‌افتد. هرچه را که تصویب کنیم با همین موانع مواجه خواهد شد.

□ دکتر آیت‌اللهی: قبل از اینکه دوستان اظهارنظر کنند. این عنوان سرفصل‌ها را که ما گذاشتیم مراد این نبود که سرفصل کتاب‌ها را اصلاح کنیم بلکه طریق وصول به متون را سرفصل قرار دادیم. اولاً بازنگری نسبت به موضوعاتی که تدریس می‌شود داشته باشیم و وزن هریک از این موضوعات را متناسب با ایده‌ای که جامع، کامل و فراگیر باشد باید وزن هریک از موضوعات را که خرد چه میزان، کلان چه میزان، پول و بانک و توسعه هرکدام به چه میزان چه عناوینی را باید حذف کرد و چه عناوینی را باید اضافه کرد. این جامع نگاه کردن به جامعه است و این موجب می‌شود که یکسری دروس را کم و یک سری دروس را اضافه کنیم وقتی که آن جامع‌نگری را داشتیم این است که جهت‌گیری کلان نسبت به جامعه داشته باشیم و آن جهت‌گیری نسبت به ارزش‌های اسلامی است و محصول آن دانش‌آموختگانی باشند که به درد جامعه امروز ما بخورند و موجب پیشرفت اقتصاد و یا حتی جامعه ما بشوند اگر این را در نظر بگیریم منجر به این می‌شود که مرحله اول ایده خودمان را به صورت موضوعات و در ذیل آن به صورت سرفصل‌ها ارایه کنیم ولی وقتی سرفصل‌ها ارایه شد باید کتاب تعیین کنیم اینکه اول کتاب تدوین کنیم بعد سرفصل تعریف کنیم به نظر من منطقی نیست. اول باید بنویسیم بعضی از اینها کتاب هست که می‌توانیم به عنوان منبع معرفی کنیم بعضی از سرفصل‌ها ممکن است در مقالات باشد که باید آنها را معرفی کرد و طریقی برای دست یافتن به خواسته قرار دهیم.

□ آقای دکتر نهایندیان: من خیلی خوشحالم که توفیق پیدا کردم در این جلسه شرکت کنم و تشکر می‌کنم از زحمات آقای دکتر مصباحی مقدم که صبورانه علی‌رغم شدائد، مشکلات و بالا و پایین‌ها این پرچم را کماکان

حفظ کرده‌اند. ان شاء‌الله که آینده روشنی پیش رو باشد. من همانطور که استفاده می‌کردم از فرمایشات دوستان، نکاتی به ذهنم رسید که قدری پراکنده است. ولی امیدوارم که به نتیجه عملی که می‌خواهیم از این کار بگیریم کمک کند.

نکته اول این است که برای خیلی از کسانی که دور این میز نشستند این بحث زندگی آنهاست. یعنی نه یک سال و دو سال و ده یا بیست سال از چهل سال قبل شاید به این فکر کرده‌اند. عمرشان را برای این کار گذاشته‌اند و شاید انتخاب رشته اقتصاد از طرف آنها برای خدمت به اسلام بوده است. از حاصل این تدبیر، تجربه، عبرت‌هایی که داشته‌ایم در این برهه جدید استفاده کنیم. نه اینکه به خاطر اینکه بعضی نوآموزان تازه رسیده‌اند به این مطلب یکباره احساس کردند که برای اقتصاد و اقتصاد اسلامی هم کاری باید کرد، عجله‌ای هم در این کار دارند و استفاده تبلیغاتی و سیاسی راه هم در نظر دارند، ما نباید از این فرصت غفلت کنیم، نباید هم به خاطر بی‌تجربگی‌های برخی افراد دیگر تجربه خودمان را در این کار کنار بگذاریم. این نکته بسیار مهمی است. خود این موضوعی را که ما در طول این چهل سال بارها برای آن جلسه و سمینار تشکیل داده‌ایم، آسیب‌شناسی کنیم. وضعیت ما در توجه به اقتصاد اسلامی و اسلامی کردن اقتصاد و اسلامی کردن علوم انسانی آیا در حال حاضر بهتر شده، یا بدتر. نکته‌ای که جنابعالی اشاره فرمودید که مسأله ما تقاضا بوده است. می‌خواهم از خودمان سؤال کنم که آیا تقاضا نه در دولت بلکه در جامعه نسبت به اقتصاد اسلامی بالاتر رفته یا پایین‌تر. یعنی در حال حاضر ما در دانشگاه‌ها اگر از اقتصاد اسلامی حرف بزنیم و یا در بازار و محافل فرهیخته، محافل عادی آیا این کلمه مقبولیت بیشتری یافته یا کمتر. این سؤال بسیار اساسی است که در این کار اثر دارد. یکی از آفات بسیار جدی که به نظر من متوجه اندیشه اسلامی در حیات اقتصادی جامعه ما شد این بود که ما عملکرد اقتصادی خودمان را در طول این سی سال اخیر توجیه اسلامی کردیم. ما اگر می‌گفتیم که اسلامی چیزی است که دارند در حوزه‌ها و دانشگاه‌های ما کارهایی می‌کنند که وقتی بیرون آمد به شما ارائه می‌کنیم. ما در حین اینکه کشور را اداره می‌کردیم که پدیده جدیدی که در این سی سال اتفاق افتاد بحث مدیریت کلان اقتصاد بود و گرنه مدیریت بنگاه که مردم و متدینین کار اقتصادی، تجارت و سایر کارهای خود را

انجام می‌دادند، چیزی که جدید بود و به دست ما افتاده بود این بود که سیاست پولی، مالی و مالیاتی را چه کنیم اینها سئوالات مردم نبود بلکه سئوالات حاکمیت بود که ما برای اینها پاسخ ندادیم و توجیه کردیم. الان برای مردم و دانشجوی اقتصاد اسلامی یعنی تورم متوسط پانزده درصد. اقتصاد اسلامی عبارت است از سود بانکی بالای هیجده درصد. اقتصاد اسلامی عبارت است از یک همزادی همیشگی تورم و بیکاری. من تلقی بیرون را عرض می‌کنم و به نظر من باید آسیب‌شناسی باید بکنیم که با اقتصاد اسلامی چه کردیم که حالا اگر می‌خواهیم مقبولیت بالا داشته باشد اگر می‌خواهیم آن را اسلامی‌تر کنیم آیا این می‌خواهد با مقبولیت همراه شود و راه مقبولیت آن این است که تعداد زیادی استاد را داخل پروژه کنیم یا ریشه‌یابی کنیم که کجای کار ما ایراد داشته است که هرگاه از اسلامی کردن اقتصاد کنیم همه به طعنه بگویند پس می‌خواهید گران‌تر کنید. به نظر من عملکرد ما در اقتصاد چون مثبت نبوده است و این حرف من نیست مقام معظم رهبری هم در جلسه‌ای که با مسئولان داشتند در گله از این که چرا سیاست‌های کلی اصل ۴۴ عملیاتی نشده است به صراحت گفتند که ما در حوزه‌های دیگر عملکردمان خوب بوده الا اقتصاد. از این آسیب اصلی غافل نباشیم که اثر جدی دارد در حرفی که به عنوان اقتصاد اسلامی یا نوآوری در علم اقتصاد می‌زنیم تابع این است که ما در صحنه واقعی اقتصاد چه کرده‌ایم. چرا اقتصادهای غربی را دیگران در جاهای دیگر دنیا بر سر گذاشته‌اند و برگ زر شناخته‌اند. چون در واقعیت اقتصادشان پیشرفت کرده بودند. اگر واقعیت اقتصاد ما مشکل نداشت حرف ما در حوزه اقتصاد اسلامی جذابیت بیشتری داشت.

نکته سوم، این است که من هم فکر می‌کنم که مسأله اصلی در نگاه جدید و بازسازی علم اقتصاد در این سرزمین مسأله اقتصاد اسلامی باشد. البته بحث به روز سازی و بومی‌سازی مسائل بسیار مهمی است به معنای نگاه به اقتصاد ایران. آنها مسائل بسیار درستی است و حتماً هم باید مورد توجه قرار بگیرد. اما معضل ما در بحث اسلامی‌سازی اقتصاد است. من فکر می‌کنم هنوز ما اجماع بین متخصصین و فرهیختگان هم نداریم که مقصود ما از اسلامی‌سازی اقتصاد چیست. آیا مقصود ما به همان بیانی که شد چون موضوع اقتصاد به عنوان یک علم رفتاری رفتار مردمان است چون ما رفتار مسلمانان را بررسی می‌کنیم پس اقتصاد اسلامی یعنی مطالعه

رفتار اقتصادی مسلمانان. یا اقتصاد اسلامی یعنی آموزش بایدهایی را که اسلام در حوزه اقتصاد ارائه کرده است. ما این را در سطح فرد و بنگاه داشتیم و چیزی که جدید بود و نداشتیم حکومت بود. مدل‌سازی رفتار اقتصادی حکومت بر مبنای آموزه‌های اقتصادی را نداشتیم. آیا قصد ایجاد این را داشتیم یعنی به اصطلاح پالیسی. موضوع اقتصاد نوین اسلامی است یا نه سوم این است که می‌خواهیم علم رفتارشناسی اقتصادی بر اساس جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی ایجاد کنیم. مقصود ما این است که علمی که با این خط‌کش من رفتار فلان کمپانی بلژیکی را در فلان حوزه اقتصادی، قوه تحلیل بهتری داشته باشم تا علم متعارف. به نظر من در یک طراحی اسلامی‌سازی اقتصاد همین سه بخش که می‌شود بخش‌هایی را بر آن افزود می‌تواند در یک اولویت برنامه‌ریزی بلند مدت قرار بگیرد. اگر همه اینها را بخواهیم با هم انجام بدهیم نمی‌شود.

نکته چهارم، حتی بر فرض کسب اقتصاد اسلامی در هر کدام از این سه سطح، ما از اشراف به علم اقتصاد متعارف بی‌نیاز نیستیم. همه ما اگر مسلمان باشیم و اسلامی عمل کنیم یک درصد جمعیت دنیا هستیم. نود و نه درصد دیگر که قرار است با آنها تعامل داشته باشیم باید بدانیم آنها چگونه رفتار می‌کنند. ما اقتصاد بین‌الملل را کماکان لازم داریم. ما کماکان رفتارها و سیاست‌های دیگران را که بر ما اثر می‌گذارد لازم داریم. بحرانی در گوشه‌ای از دنیا می‌شود به دلیل مسائلی خلاهایی که در علم اقتصادشان بوده است روی اقتصاد ما اثر می‌گذارد. نمی‌شود نسبت به آنها اشراف نداشته باشیم. لذا از افراط در این مطلب حتماً باید بپذیریم. نباید دوباره در یک هیجان سیاسی در حوزه‌های دانشگاهی و حوزوی بیاییم و بعضی از قسمت‌هایی را که مورد نیاز است حتی برای مقاومت و برای تقابل مردانه و غیرتمندانه نیاز داریم که رفتار حریف را شناسایی کنیم.

نکته پنجم، در بومی‌سازی هم کلمه احتیاط دیگری لازم است. بومی‌سازی در طرف کاربردی علم بسیار نکته درستی است و حتماً باید مورد توجه قرار بگیرد. اما در طرف شناختی موضوع، هرچه بیشتر به جوهر علم نزدیک می‌شود با مطلق‌بودن علوم، با آنچه که ما در شناخت انسان می‌خواهیم از آن یاد کنیم، می‌گوییم انسان چنین رفتاری دارد در آنجا بومی‌سازی معنای نامناسبی دارد یکی از اختلافات ما با علم اقتصاد متعارف جایی است که از حداکثر کردن مطلوبیت، حداکثر کردن نفع و سود را نتیجه می‌گیرد. ما در آنجا مچش را می‌گیریم و

می‌گوییم اینجا خطاست. حرف‌های ما در آن لایه بومی‌سازی ندارد. ما کلاً در مورد انسان نظر داریم. دقت کنیم که کلمه بومی‌سازی این معنا از آن مستفاد نشود که همچنین در شرایطی که دنیا به سمت جهانی شدن می‌رود و برای جهانی شدن تئوری می‌سازد از بومی‌سازی معنای انزوا حاصل نشود. این هم باز کلمه احتیاط دیگری است.

نکته ششم، در کانتکست واقعیت اقتصاد خودمان کلمه‌ای که در آغاز عرض کردم را به بیان دیگری می‌خواهم عرض کنم. آیا غیر از دولت در متن جامعه ما عمل به اقتصاد اسلامی باید بدانیم بالاتر رفته یا پایین‌تر. اول تقاضا را عرض کردم. ماه قبل بانک مرکزی آمار چک‌های برگشتی را در سی سال گذشته را منتشر کرد که در سی سال گذشته سابقه نداشته است. این یعنی سرمایه اجتماعی، این یعنی اعتماد متقابل در بازار. بد نیست دوستان حوزوی ما ببینند آیا پرداخت وجوهات، که به هر حال یکی از شاخص‌های تدین است در دروس اقتصادی آیا به نسبت رشد تولید ناخالص ما رشد کرده یا نکرده است؟ آیا الان حوزه ما مثل سابق عمده‌تر بر دوش مردم و با اراده و اختیار خود آنها اداره می‌شود و یا مرتباً میزان بودجه مؤسسات حوزوی ما به بودجه دولت افزایش پیدا می‌کند. آیا این شاخص خوبی است یا بد؟ آیا اجتناب از ربا در رفتار جامعه ما، که به نظر من جزو اولین چیزهایی است که اگر می‌خواهیم این کار در متن جامعه اثر کند و کار دولتی نباشد مطالعه داشته‌ایم که در مردم بیشتر شده یا نه.

نکته هفتم، چون بحث متون علم اقتصاد است حتماً به این سؤال باید پاسخ بدهیم که هدف ما از تربیت دانش‌آموختگان چیست؟ کاربردهای شغلی آنها کجاست؟ بچه‌هایی را که ما در دانشکده‌های اقتصادی تربیت می‌کنیم می‌خواهیم در کشور و جامعه چه کاره شوند؟ چند لازم داریم؟ به نظر من مهمتر از این اقتصاد برای اقتصاددانان، اقتصاد برای غیر اقتصاددانان است. الان اقتصاد کشور ما بیشتر در غیر اقتصاددانان است. مدیران ما رفتارهای اقتصادی توسط مهندسين، اطبا و خیلی‌های دیگر اجرا می‌شود. ما فکری برای آموزش اقتصاد برای غیر اقتصادخوان‌ها باید بکنیم در آنجا خیلی از بحث‌های نرماتیو ما می‌تواند جا داشته باشد اگر ما بتوانیم یک کتاب با عنوان اقتصاد برای غیر دانشجویان اقتصاد بنویسیم و حرف‌های مبنایی بزنییم. بحث رابطه اقتصاد و

اخلاق و این اصلی‌ترین نیازی است که باید به آن پردازیم که در دنیا هم بیش از هر زمان دیگری به مباحث اخلاق توجه می‌کنند.

نکته آخر، چون قرار است از این جلسه اقدامات عملی بیرون بیاید، من هم هم‌نظر با دوستان هستم که فرمودند که کار را مرحله‌بندی زمانی کنیم. بعضی کارها را کوتاه مدت می‌شود انجام داد. بعضی را میان مدت و بعضی را بلند مدت در کوتاه مدت می‌توانیم در لیست دروس بازنگری کنیم و بعضی دروس را کم‌اهمیت‌تر کنیم، بعضی دروس را پراهمیت‌تر کنیم بعضی دروس را که نبوده، در نخواستارهای خصوصی در جمعی که کاری دستشان نبوده در سال‌هایی که صحبت کردیم می‌توانیم مورد تأکید قرار دهیم. اولویت‌ها را در دروس می‌توانیم پایین و بالا کنیم. مشوق‌هایی را قرار بدهیم، آنچه که از بومی‌سازی می‌توانیم انجام بدهیم جزو اقداماتی است که فوری می‌تواند انجام شود. نوشتن کتاب اقتصاد کلان با اطلاعات اقتصاد ایران از واجبات کاملاً ممکن است. اگر امکاناتی گذاشته شود با تشویق تعدادی از اساتید، اینگونه کارها را می‌شود انجام داد. سخت‌ترین و اصلی‌ترین کار ما در حوزه اقتصاد اسلامی است که متأسفانه بعضی از مشکلات اساسی فلسفه و روش را در آن داریم.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: تشکر می‌کنم بحث‌های خوبی مطرح می‌شود که من را بیشتر از گذشته امیدوار کرده است که ان‌شاءاله نتایج خوبی به بار بیاورد.

□ آقای دکتر موسوی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. من هم سعی می‌کنم طبقه‌بندی شده و خلاصه عرض کنم. زمانی بحث بر سر مباحث علوم انسانی و جایگاه علوم انسانی از دیدگاه اسلام و نگاه ما به عنوان نگاه اسلامی به علوم انسانی است و بویژه در حوزه اقتصاد و اینکه اصلاً اقتصاد چه علمی است؟ پایگاه‌ها و مبانی آن چیست؟ دنبال چه اهدافی است؟ متدلوزی و فلسفه اقتصاد چیست و از منظر اسلام چگونه مطالعه می‌شود؟ جناب آقای میرمعزی مفصل صحبت کردند و در وقت خودشان هم اگر بیشتر باز کنند واقع مطالب آن است که باید هدف اصلی قرار بگیرد و بقیه تغییر و تحولات در راستای آن باشد. حال کوتاه مدت یا بلند مدت طبقه‌بندی می‌کنیم.

نکته دوم که خدمت شما می‌خواهم عرض کنم پدیده‌ای است که چند سال اخیر با آن مواجه هستیم، در کنار رشته اقتصاد، رشته اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود. این رشته اقتصاد اسلامی به دو معنا می‌تواند باشد. یک معنا اینکه در مرحله گذر اگر بخواهیم به یکسری متون و اساتید برسیم که بتوانند در آینده رشته اقتصاد را در ایران سامان بدهند چاره‌ای نداریم که ابتدائاً مرحله تقریباً کنترل شده را بتوانیم تأمین کنیم از جهت متون و استاد. این به یک معنا و به این معنا می‌تواند درست باشد. اما از جهت دیگر ممکن است در آینده آسیب جدی به وجود بیاورد که ما با دو گروه از تحصیل کرده‌های رشته اقتصاد مواجه خواهیم بود، یکی گروه رشته اقتصاد اسلامی با یک گروه و گروه دیگر اقتصاد متعارف با تلقی‌های متعارف که وارد پیکر مدیریت جامعه می‌شوند و در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها مباحث مختلف مواجه خواهیم بود با آسیب جدی. لذا از حالا من فکر می‌کنم که باید روی این تدبیر شود و نکته دیگر در این زمینه اینکه اگر بخواهیم تلقی روشن و درستی از اقتصاد اسلامی در فضای دانشگاهی ارائه ندهیم و این تلقی که اقتصاد اسلامی یکسری مباحث کلیات و ارزشی است که خیلی با اجرا و عملیات نه در سطح بنگاه‌ها و نه در سطح کلان کاری ندارد، این تلقی اگر به وجود بیاید به تدریج هم بازار کار و عرضه و تقاضای خودش را از دست می‌دهد. در حالی که این تلقی، تلقی درستی نیست ولی به نادرست متأسفانه القا شده است. این را هم فکر می‌کنم نیاز به برنامه‌ریزی و بررسی عمیق دارد و در این مواقع می‌تواند ساعت خاص یا جلسه خاصی را به این اختصاص داد. به نظر من مقداری جای نگرانی دارد در عین حال که جای خوشحالی دارد.

نکته سوم، در رابطه با بحث بومی‌سازی با زاویه کارکردی نگاه می‌کنم و از این زاویه بحث را می‌خواهم مطرح کنم و نه از زاویه علمی که جناب آقای دکتر نهاوندیان به زیبایی مطرح کردند. اما از زاویه کارکردی اگر نگاه کنیم واقع مطلب این است که به جهت‌های مختلف، دانشکده‌های مختلف می‌روم، یکی از سئوالاتی که نوعاً از دانشجویان مختلف مطرح می‌کنم همین بحث است که شما فکر می‌کنید شما در کجای این کشور می‌توانید کار کنید. به طور مثال دانشجوی کارشناسی اقتصاد و یا کارشناسی ارشد و یا حتی دکتری اقتصاد سؤال می‌کنم شما فکر می‌کنید که یک تحصیل کرده لیسانس اقتصاد در این کشور در چه جاهایی می‌تواند کار کند و ارشد

در کجا و دکتری در چه جایی. نوعاً جواب آنها این است که در دانشگاه استاد شوند و دوباره تدریس کنند اما جواب روشن کاری متأسفانه سراغ ندارند و علت آن هم در واقع به خود رشته و طراحی رشته بر می‌گردد.

رشته اقتصاد امروزه یک رشته نیست. شاخه‌ای از علوم انسانی است که در درون خودش می‌تواند ده‌ها و شاید بیشتر از ده رشته را جای بدهد. اگر ما به شکل کاربردی به آن نگاه کنیم. من به مناسبتی در سال گذشته از طرف وزارت نفت دعوت شدیم که به عسلویه برویم در رابطه با بحث انتشار سکوک برای وزارت نفت که از چه نوع ابزارهای مالی اسلامی می‌تواند وزارت نفت استفاده کند برای طرح‌ها و پروژه‌هایش. در آنجا با جمعی از مدیران ارشد وزارت نفت آشنا شدیم و فرصتی پیش آمد در حد دو سه ساعت جلسه خیلی جدی بود از فضای ابزارهای مالی - اسلامی بیرون آمدیم و مطرح کردم که شما چقدر با اقتصاد و اقتصاد نفت و اقتصاد انرژی در ارتباط هستید؟ جایگاه اقتصادی نفت در ایران کجا می‌تواند باشد؟ در حالی که ما اقتصادخوانده‌ها فکر می‌کنیم محوریت اقتصاد ما روی نفت، گاز و پتروشیمی باید بچرخد. من هرچه سؤال‌ها را دقیق‌تر می‌پرسیدم می‌دیدم که اینها اصلاً هیچ گونه آشنایی با بحث اقتصاد نفت در مدیریت‌های بالا آشنایی ندارند و آشنایی آنها در حد صفر بود. اینکه چه نوع سرمایه‌گذاری‌هایی می‌توانیم برای نفت داشته باشیم، کدام یک از صنایع خودمان را می‌توانیم همسو بکنیم در راستای کمک به بخش نفت؟ چه زمینه‌ای برای نسل دوم، سوم و چهارم نفت می‌توانیم در کشور طراحی کنیم. چیزهایی که به نظر ما که در اقتصاد خیلی ساده به عنوان مزیت نسبی به عنوان مزیت مطلق ما در بخش نفت است، حداقل برای یک مدت طولانی که می‌توانیم بحث صنعت نفت و بازرگانی، مباحث مختلف اقتصاد را پیوند بزنیم و بهترین بهره‌بردارها را بکنیم. گاهی پیشنهادهایی که به نظر من ساده می‌آمد و می‌پرسیدم که کشورهای همسایه ما نوعاً مطرح می‌کردند که غالب کشورهای همسایه ما وارد کننده بنزین و گازوئیل و فرآورده‌های نفتی هستند چه آنهایی که نفت دارند و چه آنهایی که نفت ندارند. من گفتم اگر بتوانیم ده پالایشگاه بزرگ در شهرهای استان‌های حاشیه کشور داشته باشیم و به آنها بنزین و گازوئیل پالایش کنیم و بدهیم گفتند همه آنها از ترکیه، آذربایجان و ... می‌توانست باشد. بحث سیاسی را مطرح می‌کردم و می‌گفتم الان به شدت به گاز و نفت ما احتیاج هست. اینها را من به عنوان مثال عرض کردم.

دیدم در آنجا خلاء فکری روی بحث اقتصاد وجود دارد اگر ما واقعاً در کشورمان اقتصاد انرژی از دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری راه می‌انداختیم، قطعاً دانشجوی ما بعد از مدتی خودش تبدیل می‌شد به نابغه از نظر بحث نظریه‌پردازی اقتصاد نفت تبدیل می‌شد یا در بحث برنامه پنجم توسعه که بزرگان وزارت نفت آمده بودند من از آنها می‌پرسیدم که باید از جهت سرمایه‌گذاری بخش نفت در اقتصاد ما باید پیشرو باشد یا پیرو؟ آنها نمی‌دانستند و می‌گفتند که ما فلان معدن مشترک داریم که اگر آن را استخراج نکنیم، دیگری را استخراج می‌کنیم. و روی بحث سرمایه‌گذاری، اینکه صنعت را چگونه به بخش نفت می‌توانیم سوق دهیم. الان بعضی از قطعه‌هایی را می‌گفتند که قطعه‌هایی که به جهت تحریم صنعت‌گران ما را دعوت کردند با یک دهم قیمت جهانی قطعه را ساخته و تحویل داده‌اند و افسوس می‌خورند که چرا در این مدت باید تحریم و فشار باید باشد تا پیشرفت کنیم، یا مسائل مختلفی که جا دارد روی آن کار شود. در واقع من اعتقاد دارم که بحث اقتصاد را باید باز کنیم به رشته‌های مختلف، حداقل من با اقتصاد ایران خودمان وقتی نگاه می‌کنم باید رشته پول و بانکداری قوی از جهت کارشناسی ارشد، دکتری با رویکرد بانکداری اسلامی داشته باشیم. همین حالا به جهت ارتباطی که با بانک‌های خصوصی و بانک‌ها دارم، متقاضی شدید تحصیل کرده‌های کاردانی، کارشناسی، ارشد و دکتری به صورت تخصصی در رشته پول و بانکداری هستند ولی نیست. نوعاً از رشته‌های حسابداری و اقتصاد جذب می‌کنند. از من می‌پرسیدند که یک برنامه هشت ساعته مطرح کرد که الفای مباحث بانکداری اسلامی را به اینها یاد داد. این فرد چگونه می‌تواند متقاضی تحصیل کرده اقتصاد باشد در صورتی که این فارغ‌التحصیل با بانکداری کشور خودش به اندازه هشت ساعت آشنایی ندارد. یا رشته مالی الان بازار سرمایه ما واقعاً به سرعت در حال گسترش است. همانطور که در دنیا بازار سرمایه‌ها در حال گسترش هستند، در کشور ما نیز به سرعت در حال گسترش است. ما باید اقتصاد مالی داشته باشیم، متأسفانه در ایران رشته مدیریت مالی مطرح شده و رشته مدیریت مالی در زیرشاخه دانشکده مدیریت طبقه‌بندی شده است، نوعاً به جهت ارتباطی که من با آنها دارم تحلیل اقتصادی ندارد ولی تکنیک مالی را به خوبی می‌دانند چون زیرشاخه رشته مدیریت قرار گرفته‌اند مباحث مدیریتی را خوب یاد گرفته‌اند اما تحلیل کلان اقتصادی که باید کسی که

مالی خواننده کاملاً باید مسلط باشد نداریم. نیاز هست که رشته اقتصاد مالی بحث اقتصاد انرژی را که عرض کردم، بحث اقتصاد بازرگانی به صورت تخصصی متناسب با اقتصاد ایران به جهت اینکه بازرگانی در ایران از قدیم محل به جهات مختلف مورد توجه بوده است هم محصولات و تنوع نیازهایی که وجود دارد. بحث اقتصاد صنایع اگر بتوانیم روی این کار کنیم، بحث اقتصاد منابع طبیعی در ایران، واقعاً در این زمینه خلاء فکری و برنامه‌ریزی و مدیریت انغال را داریم. بحث اقتصاد دولت همانگونه که اشاره شد ما الان واقعاً یک صاحب‌نظر اقتصاد دولت در ایران، حال اسلامی آن بماند که بتوانیم بگوییم در شرایط فعلی اقتصاد مصالح را در نظر بگیریم، مصالح ملی را در نظر بگیریم چه جایگاهی باید دولت در اقتصاد داشته باشد، نظریه‌پردازی قوی نداریم. من فکر می‌کنم همه اینها بر می‌گردد به اینکه همه این مباحث را ما در اقتصادی به نام اقتصاد نظری جا داده‌ایم، و نخواستیم این را تبدیل به شاخه‌های مختلف کنیم. اگر ما بخواهیم علم اقتصاد را در این کشور نهادینه کنیم البته با دو نکته‌ای که به عنوان هدف غایی عرض کردم باید باشد و از طرف دیگر باید به صورت شاخه‌های متنوع و متناسب با اقتصاد ایران طراحی کنیم. اگر هم این مسأله در کوتاه مدت میسر نباشد، حداقل بخش اقتصاد ایران رشته‌ها را باید بالا ببریم. مرحوم آقای دکتر قره باغیان وقتی که با ایشان کلاس داشتیم صحبت می‌کردند که در هند بین سی تا چهل واحد اقتصاد هند در رشته اقتصاد آنها خوانده می‌شود. ما باید اقتصاد ایران را در این سطح ببینیم یا پیشنهاد دیگر من این است که اگر نمی‌توانیم اقتصاد را در دوره کارشناسی رشته رشته کنیم، گرایش‌های مختلف طراحی کنیم، از درس‌های با اولویت‌های دوم و سوم بکاهیم و دانشجویها را متناسب با ویژگی‌ها و کارآمدی‌هایی که دارد، گرایش‌های مختلفی تعریف کند در سال یک، دو یا سه گرایش و دانشجوی را روی آن رشته متمرکز کند. فرض کنید دانشجویی بیاید با گرایش پول و بانکداری. وقتی این دانشجوی به عنوان لیسانس فارغ‌التحصیل می‌شود حداقل سی واحد دروس پول و بانکداری خوانده باشد به طوری که هر بانک خصوصی یا دولتی مشتاق به جذب این فرد باشد. نه اینکه فکر کند اگر جذب شود هیچ آشنایی با اقتصاد ایران، حسابداری، مدیریت نقدینگی، پوشش ریسک و ... هیچ فایده‌ای برای بانک نمی‌تواند داشته باشد و حداکثر استفاده‌ای که می‌تواند بکند این است که می‌تواند صندوق‌دار باشد.

در اولویت اول رشته‌های مختلف در شاخه علم اقتصاد را به عنوان علم اقتصاد بیاوریم و اگر این امکان نداشته باشد به صورت گرایش‌های جدی و واقعی نه در حد یک درس سه واحدی و یا دو درس سه واحدی گرایش تعریف کنیم. حجم قابل قبولی هم در دوره کارشناسی که به نظر من به عنوان پایه است و هم برای دوره‌های داغ‌تر و مقاطع پیشرفته‌تر.

سکوت (حدود یک ساعت) (نهار و نماز)

□ آقای -----: بسم الله الرحمن الرحيم. بنده پیشنهادی داشتم قبل از اینکه دوستان موافق باشند ارایه مقالات را خودشان چون مکتوب هست بخوانند و این بحث را ادامه بدهیم شاید به جواب مشخص‌تری برسیم تا دستاوردی داشته باشند.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: آقای دکتر ابریشمی خوش آمدید قبل از اینکه تشریف بیاورید مباحثی ارایه شد، یکی در مورد مشکلات دروس و متون فعلی رشته اقتصاد، که آقای دکتر واعظ مطرح کردند، یکی در مورد بومی‌سازی رشته اقتصاد که آقای دکتر برادران مطرح کردند و به دنبال آن گفت و گو بود که حالا همان گفت و گو ادامه دارد.

□ آقای دکتر ابریشمی: بسم الله الرحمن الرحيم. خوشبختانه بحث‌های صبح نشان داد که مسائل متنوع و متفاوتی مطرح است بنابراین، لزوم اینکه مشخص کنیم که جلسه یا جلسات مشابه دنبال چه موضوعی است خیلی ضروری به نظر می‌رسد که من هم در این راستا صحبت‌هایی می‌کنم که ضرورت‌ها بیشتر مشخص شود. اگر به صورت اقتصادی به مسأله نگاه کنیم و به اصولی که می‌دانیم برگردیم باید ببینیم محصولی که تولید می‌شود و اگر از محصول برگردیم، الان اگر بخواهیم در نهادهای تولید دست ببریم بدون اینکه به بازار و محصول توجه داشته باشیم، به بیرون باید برگردیم که بازار چه انتظاری از ما دارد که چه محصولی را باید تهیه کنیم و بازار چه محصولی را نیاز دارد و خودش هم نمی‌داند، در هر صورت این در بازاریابی وجود دارد. اگر از

آن طرف شروع کنیم به جواب‌های بهتری می‌رسیم. این محصول که ما به عنوان فارغ‌التحصیل به جامعه ارایه می‌کنیم باید چه کارآیی‌هایی داشته باشد و چه کاربردی دارد و چه نقصی در آن مشاهده می‌شود و بیاییم آن را درست کنیم. زیرا دوستان پیشنهادهایی داشتند که اقتصاد با این محتوا هرچه آن را دستکاری کنیم جوابگوی بازار نیست. دیدیم که حاج آقا موسویان پنج رشته را پیشنهاد دادند و دوستان دیگر چندین رشته را پیشنهاد دادند شاید اگر به سابقه تاریخی آن برگردیم. بنده چون از سال ۶۰-۶۱ ستاد انقلاب فرهنگی در کمیته اقتصاد بودم، قبل از انقلاب رشته‌های متنوعی بود که ما این رشته‌های متنوع را در حوزه اقتصاد ادغام کردیم. در آن زمان بازرگانی با چند گرایش، علوم بانکی، بیمه و سایر رشته‌های مالی بود که همه اینها در اقتصاد ادغام شد و نام آن را اقتصاد بازرگانی گذاشتند در واقع کلیات اقتصاد بود و از بازرگانی خیلی خبری نبود که تا چند سال قبل که خیلی بازار روی این محصول گلابه داشت، گرایش‌های پول و بانک و گرایش‌های کشاورزی پنج گرایش در مقطع لیسانس اضافه کردند تحت عنوان درس. بنابراین یکی از مشکلاتی که در بازار داریم این است که بازرگانی را با اقتصاد اشتباه می‌گیرند و انتظار دارند که فارغ‌التحصیل اقتصاد بازرگانی بلد باشد و این هیچ گونه حوزه بازرگانی به این فرد معرفی نشده است یا بخش‌های مالی دست‌هایی دارد ولی در مالی مهارت ندارد. این را عرض کردم برای اینکه بار دیگر نگاه کنیم به اینکه حالا در این محصول سه عنصر شکل دهنده وجود دارد و متونی که ما در محصول تولید می‌کنیم هم برنامه درسی است که آن برنامه شامل متون، کتاب و فهرست مطالب و برنامه و ترکیب دروس است و بخش دیگر استاد است و بخش دیگر آن دانشجو است و سه چهار عنصر کنار هم قرار می‌گیرد. بخش دیگر هم امکانات است که مجموعه اینها محصول را به وجود می‌آورد. ما در همه اینها در حوزه برنامه درسی از داخل این برنامه درسی فکر من این بود که شما روی فهرست مطالب تکیه دارید که جنابعالی می‌فرمایید اینطور نیست و ترکیب درس هم برای ما مهم است که اگر ترکیب درس مهم است ما داریم برنامه‌ریزی مجدد برای آن رشته می‌کنیم چون اگر فهرست مطالب را می‌خواهیم دست ببریم، درس‌ها وجود دارد در فهرست چیزهایی اضافه یا کم می‌کنیم ولی اگر بخواهیم ترکیب دروس را عوض کنیم این برنامه‌ریزی جدید است و لذا این مسأله وجود دارد. در اینجا چند نکته را می‌خواستم

عرض کنم که در دنیا چگونه اتفاق می افتد که این علم اگرچه ممکن است شاخه‌های مختلف داشته باشد ولی سیر تحولی برای ما دارد و آنها در بعضی از رشته‌های علوم جدید از ما جلوتر بودند. علوم جدید که عرض می‌کنم در مقابل علوم قدیم چون بحتم اینگونه است که آموزش و پژوهش کار استاد است و پژوهش به بخش آموزش کمک می‌کند. اینگونه نیست که ما بخواهیم بخش آموزش را جلو ببریم و بروز کنیم و مطالب جدید در آن بدمیم بدون آنکه در آن حوزه‌ها پژوهش درست و حسابی انجام شده باشد یعنی اساتید پژوهش‌ها و دستاوردهای خودشان را و نکات جدیدی را که به آن رسیده‌اند همینگونه تجدیدنظر می‌شود. اینها بعد از سه تا پنج سال در کتاب درسی می‌نشینند ممکن است هفت تا هشت سال بعد از بروز تئوری و بحث‌های مفصل اگر به نقطه پایدار و مقبولیت برسد در کتاب درسی می‌نشینند. بحث‌های موضوعات بسیار پرچدل در کتاب‌های درسی نمی‌نشینند و علت آن هم این است که دانشجو بچه‌ای است که از مدرسه به بیرون فرستاده شده با همه ضعف‌هایی که وجود دارد تمام تحلیل‌ها و چالش‌ها را ندارد. اگر بگویید سی نفر این را قبول دارد و بیست نفر قبول ندارد طرف نمی‌داند باید چکار کنند. باید به آنها یاد بدهیم که اینها درست است و فعلاً شک نکنید که در آن حوزه نیست.

عرض من این است که اگر بخواهیم به صورت درست و حسابی به تحول برنامه درسی نگاه کنیم باید ریشه را درست کنیم و این را واگذار کنیم تا خودش خودش را بسازد. چون اگر ما حتی بهترین مطلب‌ها و کتاب‌ها را بنویسیم دو سه یا چهار سال بعد ابدیت می‌شود و خارج از روز است و دوباره باید بنویسیم و ما دائم سه سال یک بار فهرست مطالب و سه سال یکبار مطالب جدید بنویسیم و باید تحول درونی در این ایجاد شود که حرکت کند. این فاکتوری است که اگرچه ممکن است حالا ما تغییر بدهیم ولی این باید نهادینه و درون ساختار جا بگیرد که خودش خودش را بسازد و برایش سازو کار پیش‌بینی کنیم اگر این ساز و کار را پیش‌بینی نکنیم ده سال بعد خود ما می‌گوییم این مطالب قدیمی است و موضوعات روز نیست باید اصلاح شود دوباره باید جلسه تشکیل بدهیم و فهرست مطالب و متون را تغییر دهیم. این در دنیا مرسوم نیست بلکه باید نهادینه شود که خودش خودش را اصلاح کند و خودش مطالب جدید را به وجود بیاورد. نکته دیگر که در این راستا

می‌خواستم بگویم این است که مطالب جدید، دروس جدید و رشته‌های جدید در دنیا در سطح آمریکا به تدریس نمی‌پردازد چیزی که بازارش شناخته شده نیست مطالبش مشخص نیست و هنوز روی آن بحث است ما از اول چه در حوزه اقتصاد اسلامی و چه سایر مسائل مکرر عرض کردم که ما در هشت نه سالی که در آمریکا بودیم وقتی رشته جدیدی به وجود می‌آید یک دانشگاه این را شروع می‌کرد و چندین سال تجربه می‌کرد و از درخت جدید که تازه شکل گرفته یک شاخه هم به دانشگاه بغلی می‌دادند اشکال ما این است که می‌گوییم این دروس را اگر بگذاریم، به محض انتشار، تمام دانشگاه‌ها اعم از آزاد و پیام نور و ... مجاز هستند که از این برنامه استفاده کنند و آن را اجرا نمایند و هیچ محدودیتی ندارند بدون هیچ‌گونه نظارت اینگونه نیست که سه سال یک دانشگاه روی آن کار کند و جمع‌بندی کند. باید دروس جدید اگر رشته‌جدید به طور خاص اگر ایجاد شود اگر به بازار نگاه نکنیم بعد از دو سال همه فارغ‌التحصیل می‌شوند و برای ما که بازار، عرضه و تقاضا را می‌دانیم بد است. بنابراین باید هر تغییری ایجاد می‌کنیم اگر در حد سرفصل و مطالب است که نه ولی اگر در حد ایجاد رشته است و ... ما مطمئن نیستیم که کتاب مشخصی دارد، استاد مشخصی دارد باید توجه داشته باشیم که فقط کتاب رفع اشکال نمی‌کند. اگر ما کتاب بدهیم و استاد بلد نباشد درس جدید نمی‌دهد دوباره درس‌های قدیم خودش را تکرار می‌کند. در این سی سال مشخص شد که وزارت علوم هیچ‌گونه کنترل و نظارتی ندارد. کما اینکه همان دو تا درس مبانی فقهی اقتصاد اسلامی و دو سه درسی که در برنامه بود گزارشاتی که به ما می‌رسید می‌گفتند در دانشگاه‌ها شما هرچه فکر کنید به جای این دو درس درس می‌دهند. در آن تاریخچه صدر اسلام، تاریخ اسلام را می‌گوید، جنگ‌های پیامبر را می‌گوید و تمام می‌شود و هیچ نظارتی نیست که سرفصل‌ها در کتاب رعایت شود. من عرضم را با این نکات که البته نکات زیادی نوشته‌ام و قصد گرفتن وقت دوستان را ندارم اما پیرو صحبت‌های شما بحث بومی‌سازی منحصر به اسلامی کردن می‌شود. چون اگر ما بخواهیم در فهرست مطالب بنویسیم مثال‌هایی در اقتصاد ایران زده شود و اینها را اضافه کنیم اساتیدی که بلد هستند خودشان این کار را می‌کنند اساتیدی که این را بلد هستند نمی‌توانند این را نگویند چون این را بلد هستند و جزو شیرینی درس است و کسانی هم که بلد نیستند در فهرست مطالب بنویسند که بلد نیستند که

چیزی بگویند باید خاطرمان باشد که گسترش رشته اقتصاد در سراسر کشور در سطوح مختلف چند دانشگاه در کشور دکترا می‌دهند معلوم است که چه کسی سر کلاس می‌رود دانش‌آموخته‌های خود ما چیزی اضافه‌تر از مطالبی که گفتیم بلد نیستند که بگویند. یعنی یکی از پایه‌های نوآوری در دانشگاه‌ها خارج از استادهاست. در دانشکده ما زمانی که درس می‌خواندیم می‌گفتند ببینید این استاد جوان مطالب جدید می‌آورد وقتی ما به استادها قدیمی می‌گفتیم می‌گفتند ما دیگر چیزی جدید نداریم صبر کنید دو استاد جدید سال آینده با اطلاعات جدید می‌آیند، بنابراین با آنها درس بگیرید. ما مانند ماشین قدیمی برخورد می‌کنیم که همیشه به دنبال استفاده از همان ماشین قدیمی هستیم و می‌گوییم تعمیرش می‌کنیم و تا جایی که می‌شود از آن استفاده می‌کنیم. تا بازم بتواند سربالایی‌ها را با همه مسافران ببرد. نیروی جدید تزریق نمی‌شود و کسی هم که به عنوان نیرو می‌آید دانش‌آموخته‌های خود ما هستند. چند روز پیش یکی از دانشجویان به من می‌گفت که فلان استاد سواد ندارد، گفتم شما یک دهم اطلاعات او را دارید گفت نه. گفتم پس شما خودتان را به او برسانید و به سطح بالاتر از او برسانید و به سراغ کسی برو که از او باسوادتر است تا بتوانی خودت را بالا بکشی. دانشگاه‌های ما تقریباً از ورود نیروی جوان با دانش جدید و روز محروم است. اگر خیلی باشد خوراکی‌های خودش را یک بار دیگر می‌خورد. این چیزی است که در فرایند پژوهش و نوآوری و مطالب جدید وجود دارد. اینکه ما مطلب جدید بنویسیم و به استاد قدیمی بدهیم و بگوییم یک بار دیگر برو بگو. خب شما بروز کنید. باید اساتید جدیدتر و جوان‌تر و اطلاعات جدیدتر بیایند و خون تازه باید در رگ‌ها جریان پیدا کند و با انگیزه باشند. اساتید قدیمی دیگر انگیزه‌های ندارند نه به دنبال ارتقاء هستند و نه هیچ چیز دیگر. گاهی اوقات به من می‌گویند نمی‌خواهید استاد بشوید می‌گفتم خب من حالا حقوق استادتمامی را می‌گیرم بنابراین نیازی نیست. عرض من این است. اسلامی سازی را در هر سطحی که هست بومی سازی را به آن منحصر کنیم و این بحث مفصل و مختص خودش را می‌طلبد و سابقه سی ساله من می‌گوید که این خیلی بحث ساده‌ای نیست. جلساتی را که با جناب‌عالی و جاهای دیگر داشته‌ایم و تجربه‌ای که دارم می‌گوید که این امری ساده نیست مگر اینکه درس جدیدی اضافه کنیم که اگر این کار را بکنیم دروس اسلامی در کتاب‌ها و کلاس خاصی می‌رود و دروس

دیگر هم در کلاس خاص دیگر که هم بین اساتید اختلاف هست و اساتید به دانشجو می‌گویند همه اینها را من خوانده‌ام چیزی برای گفتن ندارم. تلفیق اقتصاد اسلامی می‌طلبد که یک عده بنشینند و بگویند با قبول این مسائل چه کار باید کرد؟ من به شما عرض می‌کنم دوستان دانشکده ما که خیلی‌ها هم نماز و روزه را قبول ندارند می‌گویند که بحث اقتصاد اسلامی بحث انحرافی است. اقتصاد هم مثل فیزیک است و اسلامی و غیر اسلامی ندارد. اینها می‌گویند اینها کارهای غیر علمی است. شما دنبال این هستید که ما را به این کارها وادار کنید و خودتان را هم سر کار بگذارید. ما باید ببینیم چگونه می‌توانیم اسلامی سازی کنیم چون بومی‌سازی به معنای مثال‌های داخلی و بخش‌های داخلی مثال‌هایی برای اقتصاد ایران بزینم خیلی کار شاقی نیست و به دو سه درس محدود می‌شود و اساتیدی که بلد هستند این کار را می‌کنند و کسانی هم که بلد نیستند باید منابع در اختیارشان قرار دهیم یکی از مشکلات این است که کتاب کمک درسی نداریم. حتی کتاب درسی هم نداریم من از کسانی که در جلسه حضور دارند می‌پرسم که نه یک کتاب اقتصاد کلان سرمایه‌داری خوب برای لیسانس هست و اگر کسی غیر از ترجمه‌هایی که دم دست هست کتابی که برای سطح لیسانس حتی ترجمه‌ای شده باشد که ترجمه تألیف خوبی باشد شسته و رفته کنار هم چیده شده باشد. بنابراین کتاب کمک درسی، مجلات و ... نیست. الان هم دو سه سری از کتاب‌هایی که اساتید بر اساس علاقه خودشان و نه بر اساس نیاز کلاس علاقه‌ای به کتاب داشته و بعضی از دانشجویها کتاب را بر اساس علاقه استاد ترجمه کرده‌اند، هدف این نبوده که جای خالی علم را پر کند از کتابی خوششان آمده و آن را ترجمه کرده‌اند. عرض من بیشتر در حوزه اقتصاد است. وضعیت کتاب خیلی بدتر از وضعیت فهرست مطالب است. بومی‌سازی را جلسه‌ای مختص به خود قرار دهیم و افرادی بیایند و بگویند که چه باید کرد؟ راه‌حل‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت چیست؟ با برنامه‌ریزی جلو برویم. در حوزه بومی‌سازی اما نوین‌سازی مطالب را باید گروه‌هایی برای هر درس باید تشکیل شود و در جمع نمی‌شود به جمع‌بندی رسید. گروه‌هایی برای خرد، برای کلان یک گروه، برای درس‌های مختلف گروه‌های مختلف همه منابع را ببینند و با یک یا دو سرفصل مشخص بیایند و بگویند چه فرقی با گذشته دارد و کجاها نوین‌سازی شده منابع چه بوده و کاملاً مثل پروژه باشد نه برنامه‌ای در حد سه

برگ کاغذ بیاورند در جلسه مورد بحث قرار دهیم ببینیم چقدر نوین شده و چه پیشرفت‌هایی در آن اتفاق افتاده است. پیشنهاد من برای قسمت دوم است و اگر نوین‌سازی را داخلی نکنیم. اینترنت‌لایز نکنیم مشکل را، هر سه سال باید نوین‌سازی کنیم. مگر اینکه فرایند داخلی را ایجاد کنیم و دیگر اینکه باید هرچه زودتر برای اینکه اقتصاد را از این بدتر نکنیم باید رشته‌های مختلف را از آن تفکیک کنیم. بانکداری، بازرگانی، بازرگانی داخلی، بازرگانی خارجی، رشته‌های مختلفی که لازم است از دل آن بیرون بیاید که اقتصاد ماهیتاً به این موضوعات نمی‌پردازد و چیزی در نظر بگیریم که بچه لیسانس کسانی که برنامه را می‌نویسند که سطح پذیرش مطالب لیسانس چقدر است نود درصد فارغ‌التحصیلان ما لیسانس هستند. سطح لیسانس چه مطالب و چه مبانی را می‌توانند یاد بگیرند. چون شما می‌فرمایید فلسفه اقتصاد. آیا باید فلسفه اقتصاد را واقعاً یاد بگیرد. چون دوستان گفتند فلسفه را به آنها یاد نمی‌دهند، درست است برای لیسانس چون آنها به لیسانس به عنوان یک مقطع کاربردی نگاه می‌کنند و می‌خواهند چند روش و ابزار به او یاد بدهند و برود در بانک یا یک اداره مالیاتی کار کند و چند فرم بتواند پر کنند در اداره‌ها از این بیشتر از او انتظار نیست. اگر شما انتظار یک آدم اقتصاددان را از لیسانس دارید اشتباه می‌کنید. زمانی می‌گفتند دوستان شما در دانشگاه علامه می‌گفتند شما اینها را بمباران تئوری می‌کنید، یعنی مخصوصاً نسل جدید که می‌آیند بچه‌های خود ما هستند. اینها آدم‌های سطحی‌نگر هستند و اصلاً حوصله وارد شدن به بحث‌های فلسفی را ندارند آنها فقط می‌خواهند چند ابزار یادگیری کار را یاد بگیرند. اصل حرف و فکر را برای دوره‌های بالاتر کارشناسی ارشد و دکترا بگذارید. دوستان را من گفتم اگر کسی می‌خواهد در اقتصاد اسلامی کار کند می‌تواند دو سه درس بگذارد ولی برنامه را روی کارشناسی ارشد بگذارد که اگر فکر می‌کنیم که کسی علاقه‌مند است و مانده و نه از سر سربازی و ناچاری ازدواج مانده است کسانی که در لیسانس موفق نشده‌اند گفتند یک دوره دیگر برویم شاید ازدواج کنیم یا پسرانی که از سربازی در رفته‌اند نه. اینها در کلاس من زیاد هستند آنها اصلاً حوصله این را که از آن منحنی پایین‌تر بروند ندارد. بلکه روی گروهی کار باید کرد که علاقه‌مند هستند در خارج هم همینطور است و مباحث اصولی روی این افراد کار می‌کنند.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: جناب آقای دکتر میرمعزی مطرح کردند ما باید به طور عمده مسأله اصلیمان مسأله اسلامی‌سازی باشد و بومی‌سازی به معنای اینکه مثال‌ها از اقتصاد ایران باشد مسأله اصلی نیست. و نوین‌سازی هم در قیاس با این مسأله اصلی نیست. احساس کردم جنابعالی هم این مبنا را پذیرفته‌اید و حالا پیشنهادهاتی برای مشخص شدن رشته اقتصاد به عنوان اقتصاد محض داشته باشیم اقتصاد پول و بانکداری و امثال اینها دارید و در این حال این کار را یک را نیازمند به برنامه‌ریزی جدید می‌دانید که حرفی در آن نیست و برای این باید ساز و کار در نظر گرفت و برای این کار باید ظرفیت یادگیری مخاطبان را هم مدنظر قرار داد. ما قصد جهت دادن به بحث را داریم که جهت اصلی کدام است و ابعاد فرعی کدام هستند. ما این جلسه را به این منظور گذاشتیم و مقداری احتیاط کردیم و گفتیم نوین‌سازی هم به خاطر این است که حتی دانش‌آموختگان ما لاقلاً همان اقتصاد سرمایه‌داری می‌خوانند به روز بکنند و نظریات جدید را داشته باشند همانطور که یکی دیگر از دوستان اشاره کردند ما مستغنی نیستیم از توجه آقای دکتر نه‌اوندیان که تشریف دارند از آموزش آموختن آنچه را که غربی‌ها در این رشته به کفایت کار کرده‌اند. ما باید آن را هم داشته باشیم و حرف جدید هم داشته باشیم. آقای دکتر درخشان را هم با اینکه دعوت کردیم و ایشان هم پذیرفتند متأسفانه توفیق اینکه در محضر ایشان باشیم را نداریم. من کلاسی در دانشگاه امام صادق دارم و ایشان به جد گفتند که باید بیایند و بنشینند و گوش کنند. ایشان در حواشی که روی عرایض بنده داشت به دانشجویانی که درس او را شرکت می‌کنند تأکید کرد که شماها باید دو برابر باید وقت بگذارید و کار کنید. یک برابر مثل همه دانشجویان، درس‌های آنها را بخوانید و یک برابر هم باید کار اضافه کنید و آثار اندیشه‌های سکولار آنها را در این مطالعات و تحقیقات و درس‌ها در بیاورید و جایگزین اسلامی‌اش را بگذارید. قبول کنیم که چنین کار سنگینی در برابر ما وجود دارد. پیش از اینکه تنفس اعلام شود برای ناهار و نماز آقای دکتر دلالی هم وقت گرفته بودند و یکی دو نفر از دوستان دیگر هم وقت گرفته‌اند که از محضر آقای دکتر استفاده می‌کنیم.

□ آقای دکتر موسایی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. من از دعوتی که شده تشکر می‌کنم و ذی‌قیمت می‌دانم این فرصت و استفاده کرده از بیانات عزیزان ما در مضیقه هستیم از نظر زمان و ما باید در خدمت آقای دکتر

اسفندیاری هم باشیم و مقداری هم زبانم گویا نیست و همیشه مطالبی را که مایلیم بگویم می‌بینم مطالبی که گفتم مطالبی نبود که قصد گفتنش را داشتم و این نقیصه عرایض بنده است. باید تشکر کنم از نگرانی‌هایی که موجود بوده و تلاش‌های ذی‌قیمتی که در این راستا متحمل می‌شوید. من نکات مثبتی را با آقای دکتر واعظ از دورادور شاهد هستم. نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم در تغایر با کاری که انجام می‌گیرد نیست. منتهی نگرانی موجود است و به خاطر همین نگرانی عرض می‌کنم که ترمزی باشد روی بعضی از مسائل و کار نوین‌سازی بومی‌سازی مقداری با احتیاط بیشتر انجام بگیرد. نه اینکه در اصل مغایرتی داشته باشد. مطالب هم در ارتباط با مطالبی بود که سروران ارجمند اشاره کردند و من برای اینکه مطلب روشن شود یعنی هم عرضم را گفته باشم و هم با ذکر مثالی مقداری مطلب را روشن‌تر کنم. من از اقتصاد کلان می‌گویم که ممکن است کمتر مورد سؤال باشد برای اسلامی کردن و ... تاریخچه را اگر نگاه کنیم در مورد اقتصاد کلان، تاریخ طولانی دارد اما از زمانی که عقاید مارکسیستی در شرق شکل گرفت و جنبه علمی اقتصاد در سطح کلان شد و بافت‌ها و ساختارهای اجتماعی به خودش گرفت و نگرانی‌هایی را که غرب در این ارتباط پیدا کرد و به طور خاص دو فرد در این زمینه خیلی کار کردند و این هم با گروه‌های متخصص خیلی زیاد. مثلاً برای اقتصاد کلان جان منارکنز پشت قضیه ده نفر از جمله جون رابینسون و رابینسون هستند و اندیشه‌ای که کالکسی کشیش معروف گفته یعنی نگرانی که غرب پیدا کرد برای اینکه ممکن است مکتبی که اصالتاً در یک راستا هستند ولی در هر صورت رقیب هستند در حال شکل‌گیری و توسعه است. چاره‌اندیشی کردند و تئوری ساختند و کتاب نوشتند تحت عنوان جنرال تئوریشن و بعد این را با توصیه‌هایی که شد در سراسر دنیا بعد از بیست سال که به آمریکا رفت و به صورت کتاب‌های درسی درآمد پشتوانه دولتی و پشتوانه‌های مراکز علمی در داشتن چنین درسی کاملاً مشهود است و سندهای زیادی هم در این زمینه وجود دارد منتها همین اقتصاد کلان را به دو مورد از آن اشاره می‌کنم در اقتصاد جان مینارکینز که می‌رویم و روی سوشال فیلازوپي که بررسی می‌کنید و معیارهای اخلاقی را می‌بینید و معیارهای ارزشی را در اصطلاح و بقیه خیلی روشن است و به صراحت اصراف‌گری و ماکزیمم کردن مصرف و اشعاری که مربوط به ماندویل در آخر کتاب هست کاملاً مشخص هست. یعنی

اصراف بودن برای رشد و توسعه اصراف‌گری و مصرف بیشتر برای توسعه فضیلت است در حالی که در دین اسلام رذیلت است. یعنی به اندازه کافی باید مصرف شود نه بیش از حد. یا نگاه می‌کنیم حاکمیت شکل‌های دیگر سرمایه است که من فعلاً وارد آن نمی‌شوم یا نگاه می‌کنیم که آمدند اگر بگید کردن را روی کالا برده‌اند چون روی هدف ماکزیمم کردن کالا و مصرف هست اگر بگیش هم روی این انجام می‌شود حال اگر فرض بگیریم که اگر بنده بناست مسائل اقتصاد اسلام اسلامی شود اولین شرطش تولید انسان است از لحاظ کمی و کیفی. در آنجا اگر بخواهیم اقتصاد کلان بگوییم بر فرض اینکه این عقیده درست باشد در آن زمان اقتصاد کلان تغایر کامل با مکتب اسلام دارد. هم از نظر ارزش، هم از نظر روشی که به کار گرفته می‌شود، من فقط جان میناکنز را مطرح می‌کنم و در باقی موارد هم همین‌طور است و شاکله اصلی اقتصاد سرمایه‌داری را اگر بخواهیم بگیریم من اشاره می‌کنم و این نیاز به بازکردن دارد و دو محور بیشتر ندارد یکی محوری تحت عنوان کامپاند ری‌تای‌تیننس نه به معنای نرخ بهره پولی شاکله اصلی آن را آر استفاده می‌کنند و یکی هم پمپ‌ریفرنس است این دو شاکله اصلی برای اقتصاد است یعنی تمام مطالب بسیار تخصصی که بعضی‌ها هم رمزی گفته می‌شود روی همین دو شاکله است. حال این دو شاکله یکی در تغایر کامل با اسلام است یعنی کامپوند اینترنس در تغایر کامل با عقاید اسلام است از نظر من و دیگری تمپرفرنس کاملاً از نظر منطق مورد پذیرش واقع شده است. حال اگر ما در درس‌های مختلفی که اشاره شد و حتماً باید نوین‌سازی شود و حتماً باید بومی‌سازی شود را عرض می‌کنم که احتیاط لازم در این کاری که قرار است انجام گیرد مواردی که خیلی کامل و روشن در تغایر با عقاید اسلامی است اینها را شناسایی کنند و حال که می‌خواهد بومی‌سازی شود اینها لازماست. من فکر می‌کنم که نابغه و استعداد عجیبی باید بیاید و گروه‌هایی بنشینند و از شاخه‌های مختلف با هم بررسی کنند اصولی را فعلاً مورد اتفاق نظر قرار دهند و اسلامی کردن را که نیاز به زمان طولانی دارد معتقدم در کوتاه مدت هم می‌شود شاکله اصلی را با داشتن معیارها با این معیارها نوین‌سازی و بومی‌سازی شود تا متخصصین امر در فرصت کافی بنشینند و به نظر من اولین چیزی که لازم است اصل موضوع است که ما در اقتصاد می‌خواهیم استفاده کنیم. هر جای نظام سرمایه‌داری را که من مشاهده کردم تمام تئوری‌های آن اصل حاکمیت سرمایه را

پذیرفته است. اصل موضوع در اقتصاد اکملیشن (انباشت کن) تمام معادله‌های حرکت و تئوری‌ها روی این اصل ریخته شده است و حال با توجه به زمان وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که به روشنی خودشان هم تعدیل می‌کنند مثلاً به چه گونه زمانی کپیتال تئوری داریم، زمانی ماناتال تئوری داریم یا چگونه تعدیل می‌کنند زمانی سرمایه فیزیکی را معادل حرکت قرار می‌دهند و بعد آن هم کفایت نمی‌کند و سرمایه انسانی را اضافه می‌کنند و بعد می‌بینند کفایت نمی‌کند سرمایه اجتماعی را اضافه می‌کنند اخیراً خیلی جالب توجه است که فهمیده‌اند که دانش باید باشد و حالا متوجه شده‌اند که دانش جدا از نیروی انسانی نمی‌تواند باشد و تازه گفته‌اند از نظر تکنولوژی عقیده هارولد درست است و سولو و سوان و ایکس اشتباه است یعنی حالا شرایط برای آنجا موجود شده و من می‌بینیم که باید تحولات تکنولوژی که شکل می‌گیرد دانش موجود در انسان باشد و ضریب تحولات تکنولوژی کل را به نیروی کار می‌چسباند و اثبات می‌کند که اگر این نباشد استیبل نیست و این یک قدم به جلوتر می‌رود و من نظر خودم را عرض می‌کنم ما موتور محرکه‌ای را که برای اقتصادی خواهیم تشکیل بدهیم آیا غیر از این است که انسانی باشد و صاحب دانش باشد آیا انسانی هست که دارای این مشخصات باشد. حالا می‌بینیم که در غرب هر تحولی در هر کجای عالم اگر اتفاق بیفتد آن را لحاظ می‌کنند و تغییراتی را به روز می‌کنند. صحبت ما این است که احتیاط کنیم، روی پول، روی بانک هم همینطور است اگر فرض بگیریم من کاری به مسائل ربوی و غیر ربوی که تخصص خودم هست ندارم ولی اگر ببینیم خلق پول می‌کند و خلق پول آثار منفی بر اقتصاد می‌گذارد وقتی بررسی می‌کنیم می‌بینیم که واقعاً درست است و توزیع درآمد ناعادلانه می‌کند و ظالمانه است و بانک‌داری اسلامی گفتن آن مقداری مشکل است بر اساس اصول متعارف آن. من مطالبم را در این نکته خلاصه می‌کنم که اگر می‌خواهیم نوین‌سازی و بومی‌سازی کنیم با محک‌هایی که با احتیاط محک‌هایی را که در این شاخه از علوم در تغایر کامل با اسلام هستند یا نه؟ اگر ما بیایم این را تنوع ببخشیم و هم اینکه به اصطلاح روکاری و روبنایی کنیم فکر می‌کنم مقداری در جهت معکوس حرکت می‌کنیم ولی این کار را می‌شود انجام داد که ما توافقاتی داشته باشیم و من پیشنهادم این است که در اقتصاد کلان مسائل مربوط به جمعیت بیاید. مسائل مربوط به انباشت انسان هم که در زمان کلاسیک‌ها بوده از زمانی که

آقای جان مینار کینز آمدند و کارهایی که کردند این است که از جنبه ثروت به جنبه درآمد آوردند و مسائلی را حذف کردند و در درآمد کارهای دیگری کردند اگر به عقب برگردیم عقایدی که سازگارتر با اسلام است در ثروت خود انسان هم ثروت تلقی شود نه اینکه کالا ثروت تلقی شود ولی خود انسان را ثروت تلقی نکنیم. انسان پدیده‌ای است که میمون است برای جامعه محک‌ها را اگر اصول کلی که برای اقتصادی خواهیم بگیریم باید بدانیم چیست که این چندین جلسه نیاز به بررسی دارد ولی این کمک را به ما می‌کند که تا آتیه صبر کنیم نوابغی پیدا شوند که بخواهند آن شرایط را فراهم کنند الان می‌توانیم هماهنگی‌هایی داشته باشیم بر فرض اینکه اشتباه هم داشته باشیم این محک‌ها را به کار بگیریم این محک‌ها کمک می‌کند به متنوع‌ساختن و هم کمک می‌کند به بومی‌سازی و هم کمک می‌کند به اینکه زمانی خدای ناکرده می‌خواهیم کارهایی بکنیم و این کارها ممکن است ما را در فرورفتن در گرداب یاری کند.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: تشکر می‌کنیم از آقای دکتر موسایی در جلسه اقتصاد اسلامی انجمن اقتصاد اسلامی مشهد یا شاید هم تبریز برگزار کرده بود من گفتم اگر بخواهید سرفصل‌هایی را بنویسید ضرورت ندارد که پسوند اسلامی دنبال آن باشد پسوند خرد یا کلان بنویسیم و بگوییم این کلان بومی یا کلان مدنظر من است. اگر کسی خودش نوشته باشد خودبخود بومی است.

□ آقای دکتر معصوم‌نیا: در مورد صحبت‌های آقای دکتر عرب‌مازار که فرمودند دانشجویان دوره لیسانس مسائل فلسفی برایشان سنگین است و حال شنیدنش را ندارند، من می‌خواهم دو مطلب را بگویم یکی اینکه چیزی که در غرب اتفاق افتاده این است که اقتصاد خرد و کلانی را متناسب با مبانی فلسفی خودشان تنظیم کرده و به خورد دانشجویهای لیسانس می‌دهند. دانشجوی لیسانس دارد خرد یا کلان می‌خواند ولی در واقع فلسفه را هم می‌خواند یعنی خرد و کلانی را که مبتنی بر مبانی فلسفی آنهاست می‌خواند شما نگاه کنید اگر ما در اقتصاد کلان هدف را رشد تعریف کنیم همین چیزهایی است که در مدل‌ها موجود است و مسأله اصلی که محول بحث است تعادل است. IS چیست؟ تعادل در بازار است. LM چیست؟ تعادل در بازار پول. تقاضای کل چیست؟ نقاط تعادلی است. عرضه کل چیست؟ تعادل در بازار کار. هدف چیست؟ هدف این است که ما

ببینیم که اکثر سیاست‌ها چیست؟ چرا؟ چون هدف رشد است و باید ببینیم که چگونه این رشد حاصل می‌شود ما کاری به عدالت و مبانی دین نداریم این بدون اینکه خودش متوجه باشد چیزی که مبتنی بر مبانی دقیق فلسفی است می‌خواند و اهدافی که در این مدل‌ها تبیین شده می‌خواند خودش هم نمی‌داند چه می‌خواند و ما یک مرحله بحثمان این است که باید این کار را بکنیم. کلانی همانطور که فرمودند و خردی که نظریه مصرف کننده، نظریه تقاضا کننده دقیقاً مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که لیارد در کتاب فروز نظریه مصرف کننده می‌گوید اینها فروز ساده‌ای است ولی من نتایج حیرت‌انگیزی از آن می‌خواهم بگیرم. این عین تعبیرش است. و واقعاً هم حیرت‌انگیز است زیرا که الگویی متناسب با مبانی که در ذهنش وجود دارد به خورد طرف می‌دهد و او هم متوجه نیست که از کجا می‌خورد. بنابراین اگر ما بیاییم یک خرده کلان متناسب با مبانی خودمان تنظیم بکنیم و به دانش‌آموز ارائه کنیم آنها همین ثمره را مترتب می‌شوند و بچه‌ها هم می‌فهمند. مسأله دوم این است که اگر ما همین روش‌شناسی و فلسفه اقتصاد را سطح‌بندی کنیم و متناسب با هر مرحله‌ای هشدارهای لازم را به بچه‌ها بدهیم و مبانی خودمان را با زبان ساده تر برای لیسانس و با زمان پیچیده‌تر برای مقاطع بالاتر ارائه کنیم آنها متوجه می‌شوند خود من به عنوان مثال تئوری‌های رایج را در هر ترم یک درس کلان هم در کنار درس‌های دیگر دارم و مبانی فلسفی را برای بچه‌ها در پشت این مدل‌ها می‌گویم آنها کاملاً متوجه می‌شوند و تعدادی هم تشکر می‌کنند و جهت پیدا می‌کنند و می‌گویند ما جهت مطالعاتی خودمان را به راحتی پیدا می‌کنیم با وجود اینکه بچه‌های ما حال ندارند و همانطور که فرمودند واقعاً در دوره لیسانس دقت در مسائل علمی ندارند ولی با سطح‌بندی می‌شود مبانی فلسفی و روش‌شناسی درست را به آنها یاد داد. بستگی دارد که ما چگونه ارائه دهیم و نحوه ارائه مهم است. اگر اجازه بدهید آقای دکتر نه‌اوندیان فرمودند که تلقی عموم از اقتصاد اسلامی چیست و مرتب هم تکرار می‌شود اگر اجازه بفرمایید من تجربه‌ای در حد دو سه دقیقه در دو سالی که رشته اقتصاد اسلامی برگزار شده است خدمتتان عرض کنم سال اول که آمدند سر کلاس یکی می‌گفت من ناکجا آباد آمده بودم کارشناسی ارشد یکی دیگر می‌گفت آمدم در بیابانی یکی دیگر می‌گفت دوستم اشتباهی انتخاب کرده است و وانفسایی شده بود در جلسه اول که بچه‌ها سر کلاس آمده بودند و حالت

بدی وجود داشت. خلاصه علت هم این بود که اینها شنیده بودند اقتصاد اسلامی، بعد رشته‌های دیگر چون رتبه بالایی نداشتند به تهران نمی‌آوردند گفته بودند که می‌آییم انتخاب می‌کنیم و از این به عنوان پله استفاده می‌کنیم و از روز اول هم بازی درآوردند می‌گفتند این چیست؟ مگر اقتصاد اسلامی و غیر اسلامی دارد؟ به هر نحوی متلک می‌گفتند و در اثر زحماتی که کشیده شد، آخر ترم من یک روز سر کلاس رفتم بچه‌ها گفتند امروز قبل از اینکه درس را شروع کنید می‌خواهیم چیزی به شما بگوییم. گفتند ما روز اول که سر کلاس آمدیم نه تنها انگیزه نداشتیم بلکه انگیزه منفی هم داشتیم و حالت بدی داشتیم ولی حالا بالاتفاق تصمیم گرفته‌ایم که عمرمان را در این راه صرف کنیم یعنی محتوا در همین حدی که هست عرضه شد همه بچه‌ها راغب شدند الان دانشجویها موجود هستند و امسال که ورودی‌های جدید آمدند کیفیت خیلی بالا رفت و دانشجویها وقتی آمدند قابل مقایسه با آنها نیستند. ما دو روز اینها را به قم بردیم و دو تا از اساتید حاضر آقای دکتر میرمعزی و آقای دکتر موسویان به صورت کارگاه دوجلسه برگزار شد، چند روز قبل بچه‌ها تابلویی تهیه کرده بودند و گز آورده بودند و می‌گفتند ما روز اول که آمدیم با ناراحتی آمدیم و حالا به این نتیجه رسیدیم که عمرمان را باید روی این کار بگذاریم. بچه‌های ما متدین هستند اگر مقداری محتوا درست عرضه شوند یکسری از این بچه‌ها محیرالعقول هستند و جذب می‌شوند و در دانشکده‌ای که ما هستیم الان این جلسات مستمر شده است و بچه‌ها اگر برایشان درست برنامه‌ریزی کنیم زمینه‌های خوبی دارند و اینها برای اینکه امیدوار کننده باشد و بگوییم زمینه‌ها خیلی خوب است خدمت شما عرض کردم و عذرخواهی می‌کنم.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: ما سرفصل‌های پیام نور را قبول نداریم، ما درس‌هایی را که خودمان تشخیص می‌دهیم به عنوان پیش‌نیاز و درس‌هایی که لازم می‌دانیم آورده‌ایم چون سرفصل‌های پیام نور خوب نیست البته جای تشکر دارد از کسانی که تدوین کرده‌اند درس‌هایی که به ذهن ما می‌رسد درست است در قالب پیش‌نیاز آورده‌ایم و لطایف الحیلی داریم و چیزی که در ذهن خودمان هست در حال عرضه شدن است. در درس نقش اول را استاد دارند و متن نقش ثانوی دارد.

□ آقای دکتر ضرغام‌نژاد: من سعی می‌کنم مختصر بگویم هم تشکر می‌کنم و هم خسته‌نباشید می‌گویم به حضرت‌عالی و سایر دوستان که هم زحمت می‌کشند و هم این حرکت را استمرار بخشیده‌اند. من یکی دو تکیه دارم و یکی دو جمع‌بندی از فرمایش دوستان دارم. چیزی که به نظر من رسید این است که به هر حال دوستان همه تقریباً متفق هستند در این که بنا نیست تغییر و تحولات خیلی وسیع و عمیقی ایجاد کنیم و بحث را بر کوتاه مدت بگذاریم. ولی اعمال یکسری تغییرات در کوتاه مدت لازم است. حال بعضی از این تغییرات را دوستان صریحاً بیان کرده‌اند و بعضی از تغییرات را به نظر من وقتی مطرح کردند نیاز به تأمل دارد و احتیاج هست که در جلسات کارشناسی‌تر مورد توجه و دقت قرار گیرد ولی در هر صورت به نظر من این تغییرات پیشنهادی اگر مقداری جمع‌بندی شود و روی آن کار شود اگر لازم شود جلسات تخصصی‌تر روی بعضی از این محورها که دوستان فرمودند انجام شود و یک متولی برای اینکه این تغییرات را از چه کانالی و به چه صورت می‌خواهد اعمال کند آیا داوطلبانه است یا طی دستورالعملی این به نظر من می‌رسد که حاصل این بخش که شاید نسبت به بخشی از فرمایشات دوستان واضح‌تر است قابل پی‌گیری است و ان‌شاءالله اگر متولی شیوه پی‌گیری و اعمالش مشخص شود شاید زودتر بتوانیم نتیجه‌گیری کنیم. نکته دوم هم این است که در بحث بومی‌سازی هم به نظر من دوستان مطالب خیلی خوبی فرمودند و از اینکه بومی‌سازی را در واقع در چارچوب تغییر در این حد که یکسری مسائل و توجه به زمینه‌ها و چارچوب آمار مرتبط را از این دست بومی‌سازی کنیم به نظر من خیلی متین است و هم عملی است. اگر فرض کنید که در هر درسی ما اگر بخواهیم بومی‌سازی کنیم این بخش از بومی‌سازی به نظر من هم معقول است و هم در کوتاه مدت امکان‌پذیر است و چیزی که من بیشتر می‌خواهم در این زمینه بومی‌سازی تأکید کنم و شاید بیشتر به اقتصاد ایران بر می‌گردد این است که ما پیوندی بین تئوری‌هایی که بچه‌ها در دوره لیسانس یا مقاطع دیگر می‌خوانند و این آمار و تحلیل‌ها برقرار کنیم. در اینجا شاید واقعاً سخت هم باشد هم برای مدرس و هم اینکه خیلی ما این لینک و پیوند را نداریم و یا خیلی روی آن کار نشده است. مشخصاً فرض کنید که اگر در ارتباط با بحث بیکاری در اقتصاد ایران مدرس مطلبی را مطرح می‌کند به نظر من باید این تغییر را نشود در کوتاه مدت انتظار داشت اما در جهت

آن حرکت کنیم تا پیوندش با تئوری‌های بیکاری که درس داده شده چگونه است؟ بحث تورمی چگونه است؟ ناشی از چه مسائلی است؟ این به نظر من هم به فهم مطالب کمک می‌کند و هم به تعمیق مطالب کمک می‌کند و هم اینکه به نکات بعدی که من می‌خواهم عرض کنم کمک خواهد کرد.

محور سوم من از دید خود من خیلی مهم است و در فرمایشات دوستان بعضاً اشاره و یکی دو مورد تأکید شد و آن هم این است که در تدریس رویه‌ای را پیش بگیریم که در تدریس تئوری‌ها و مدل‌های اقتصادی رایج پیش‌فرض‌ها و مبانی که این تئوری‌ها و مدل‌ها بر مبنای آنها متکی هستند را بگوئیم. من صلباً و اجاباً نمی‌گویم که تئوری فلان مبتنی بر مبانی غلط یا مبتنی بر یکسری که با مبانی اسلام سازگاری ندارد. من صلباً و اجاباً بحث نمی‌کنم ولی می‌گویم که بسیار مهم است که وقتی ما تئوری‌ها و مدل‌ها را می‌گوئیم این تغییر را ایجاد کنیم و این رویه را دنبال کنیم که مبانی مدل‌ها و پیش‌فرض‌ها الزامات و مقتضاتش را گفته باشیم. به نظر من این خیلی کمک می‌کند بدون اینکه وارد حوزه فلسفه شده باشیم و وارد حوزه اقتصاد اسلامی شده باشیم بسیار می‌توانیم کمک کنیم به این حوزه. و خصوصاً در اینجا پیشنهاد می‌کنم که دوستان فاضل توجه داشته باشند که به بعضی از کارهای مقایسه‌ای که فرض کنیم اگر در کلان یا در درس‌های دیگر بعضی از تئوری‌های رایج و مسلط را می‌گویند برخی از تئوری‌های دیگر که قطعاً وجود دارد و خصوصاً بسیاری از این تئوری‌ها در مخالفت ممکن است باشد حال من عرض نمی‌کنم که آنها ممکن است بهتر از این تئوری‌ها باشند اما تقابل بین این تئوری‌ها می‌تواند خیلی مفید باشد و ذهن دانشجوی ما فقط معطوف به این نباشد که وحی منزلی است و حرف دیگری نمی‌شود زد. اگر فرض کنیم که اگر این تئوری‌ها اصالت داشته باشد که من در زمینه مصرف تدریس می‌کنم در کنار این چهار تئوری دیگر هم هست که از دید اقتصاد اسلامی و جاهای دیگر وارد نشده که این تعرضی که دوستان فرمودند به آن وارد شود و مال خود پایگاه و به همان سبک و سیاقی است که در تکست‌های ماست. نکته دیگر هم این است که به نظر من باز نکته کاربردی است که اگر ما همین اندازه اندک برای گام اول پذیرفتیم که یکسری تغییرات امکان‌پذیر است و توافق کردیم روی برخی از اینها. یا اجماع داشتیم یا به شکلی که این تغییرات قابل اعمال است. به نظر من یکی از راهکارهایش می‌تواند باشد که گروه

کار تشکیل بدهیم و بعضی از اساتید که این تغییرات را در درس خرد می خواهند اعمال کنند با هم همفکری کنند و به شکلی باشد که فرض کنید اگر توافق شد بر اعمال یکسری تغییرات یک رویه وحدت را داشته باشند و این را به تدریج وقتی اعمال کنند به نظر من می شود تا حدودی نهادینه کرد و باز متفرق و متشتت نشویم از این جهت که نشستیم و به حداقل هایی برای تغییرات رسیده ایم اگر بنده در اهواز و آقای دکتر مکیان در یزد و دوستان دیگر در جاهای دیگر این توافق را که در بخشی از آن اجماع داریم بتوانیم عملیاتی کنیم خیلی مهم است و نکته آخر من هم این است که همه اینها چه حتی من اعتقاد این است که در اعمال این تغییرات کوچک و حتی به طریق اولی بحث اقتصاد اسلامی که دوستان عزیز هم فرمودند که جای بحث خودش را دارد و نباید با این مسأله چیزی جایگزین این مسأله شود و این مسأله آن مطالب را فراموش کند بحث میان مدت و بلند مدت است و به طریق اولی عرض بنده شامل آن هم می شود و ما نباید غفلت کنیم از نظریه پردازی باید بستری فراهم کنیم که حتی دانشجویان فوق لیسانس ما و دانشجویان دوره دکترای ما به این وادی بیایند و ما تا نتوانیم بسترسازی کنیم برای نظریه پردازی همیشه دنباله رو در ارتباط با نظریه ها هستیم، گاهی تألیف و گاهی ترویج می کنیم و گاهی اوقات هم خوب تألیف و ترویج نمی کنیم به نظر من خیلی غافل مانده و خودم شخصاً اعتقاد دارم که وقتی کسی نتواند اقتصادپردازی کند خصوصاً در بحث اقتصاد اسلامی هیچ محلی از اعراب ندارد. مگر اینکه مسلط باشد و اینکه واقعاً مسلط باشد به تئوری های موجود ولو قبول نداشته باشد باید استاد فن باشد و مبانی لازم برای نظریه پردازی را هم بلد باشد تا ان شاء الله بتوانیم مقداری در حوزه اقتصاد اسلامی ذی اثر باشیم.

- آقای دکتر آیت الهی: تشکر می کنم. آقای دکتر میرمعزی هم می خواستند اظهار نظر کنند.
- آقای دکتر میرمعزی: اگر مقام معظم رهبری به صراحت وارد این بحث نشده بودند جای یک سری احتیاطها بود ولی وقتی که ما می بینیم که ایشان با صراحت تمام و چندین بار می فرمایند که علوم انسانی که ما در دانشگاهها می خوانیم و تدریس می کنیم مبتنی بر مبانی الحاد و کفر است و با صراحت می فرمایند که این علوم مضر است و ما باید ابزار جنگ نرم در تهاجم فرهنگی و در تمدن سازی اسلامی نیازمند علوم انسانی

اسلامی هستیم. اگر مقام معظم رهبری اینگونه وارد میدان نشده بودند ما یکسری احتیاطها می‌کردیم و یک سری مصلحت‌سنجی می‌کردیم. ولی وقتی ایشان با این صراحت وارد می‌شوند و ما هم قبول داریم موضع را در قبال علوم انسانی اولاً مشخص می‌کنیم آیا این علوم انسانی مبتنی بر مبانی کفر و غیر اسلامی هست یا نیست؟ بله هست و این جمع هم قبول دارند و با این عقیده هم اینجا جمع شده‌اند آیا مفید است برای جامعه ما یا مضر است؟ موضع را باید مشخص کرد. بر اساس موضعی که مشخص می‌کنیم به نظر من باید یک چشم‌اندازی برای علوم انسانی اسلامی مفید منطبق بر شرایط ایران چشم‌اندازی بنویسیم و تعریف کنیم. بر اساس آن چشم‌انداز وضعیت موجود را آسیب‌شناسی کنیم یعنی اول وضعیت مطلوبمان را تعریف کنیم وضعیت موجودمان را بر اساس آن آسیب‌شناسی کنیم و بعد برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت. تغییرات گیج بر اساس یکسری مصلحت‌سنجی‌های دم دست فعلی چیزی نیست که رسالت ما در اسلامی سازی علوم انسانی است. ما باید عمیق‌تر از این بحث به این مسأله بپردازیم. چشم‌انداز ما علوم انسانی هستند که مشکلات بشر را بر اساس مبانی بینشی و ارزشی اسلام حل می‌کنند. به طوری که مشکلات مادی او را همراه با تکامل معنوی او این دو را با هم دارند ما چنین علوم انسانی را می‌خواهیم تولید کنیم و در کشور در حد آموزش برسانیم و این را بگوییم چشم‌انداز ده ساله یا بیست ساله. حالا بر اساس این چشم‌انداز علوم انسانی موجود را آسیب‌شناسی کنیم. ببینیم ما چه چیزی را داریم به جوانان خودمان تدریس می‌کنیم و عمرمان را روی آن می‌گذاریم. از بابی که آقای دکتر نهاوندیان فرمودند یا در کلمات بعضی از اساتید بود ما باید استاد این فن باشیم، ولی چون می‌خواهیم آن را نقد کنیم و خراب کنیم می‌خواهیم استادش باشیم یعنی از باب این که اولاً علوم انسانی هستند که ما می‌خواهیم زیربناهای اینها را وقتی ریختیم بسازیم و بر اساس زیربناهای خودمان بنایی را بسازیم. بنابراین باید در فن بناسازی هم ماهر باشیم. یکی از مسائل و مشکلات ما در اقتصاد اسلامی این است که حرکت از مبانی بینشی و ارزشی به سمت الگوهای راهبردی و کاربردی را بلند نیستیم. این فن و تکنیک را بلد نیستیم. هم برای خودمان خوب است و هم به قول آقای دکتر نهاوندیان رقیب را بشناسیم که چگونه رفتار می‌کند. ما در میدان جنگ نرم هستیم. جنگ نرم علوم انسانی در حقیقت ابزار اصلی این جنگ نرم

هستند و ما در این فضا قرار داریم و باید بر اساس بصیرتی که نسبت به این فضا داریم اینجا می‌خواهیم تصمیم بگیریم. به نظر ما باید این بحث را بدون تعارف تحت عنوان بومی‌سازی و اسلامی‌سازی. ما پنجه در پنجه رقیب انداخته‌ایم و باید پای آن هم بایستیم شما درست می‌فرمایید در رابطه با اقتصاد اسلامی یا جامعه‌شناسی اسلامی یا رشته‌های علوم انسانی اسلامی کار کارستانی نکرده‌ایم که حالا بیاییم چیزی را برداریم و چیز دیگری را جایگزین آن کنیم این اقتضا می‌کند که ما با یک تدبیر و تفکر عمیق پله به پله دو کار را با هم انجام بدهیم. هم این علوم انسانی اسلامی در تولید و به تدریج تقویت و برنامه‌ریزی کنیم و هم به مقداری که تولید می‌کنیم به تدریج جایگزین کنیم. یعنی برنامه‌ای داشته باشیم هم از یک جهت تولید علوم انسانی و اسلامی کنیم و در ضمن آن هم همین چیزهایی را که تولید می‌کنیم وارد کنیم بر همین اساس پیشنهاد من یک برنامه کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت است. برنامه کوتاه مدت ما عبارت از این است که ما بر اساس موجودی فعلی، موجودی فعلی هم من از صحبت‌های بعضی از اساتید احساس می‌کنم در جریان تولیدات اقتصاد اسلامی در سطح دنیا بعضی از دوستان نیستند. خیلی تولیدات عظیمی انجام می‌شود همین الان من پایین به آقای دکتر نشان دادم اسم کتابش را هم نوشته‌ام در مصر یک نفر کتابی نوشته تحت عنوان اکونومیکس آواند اسلامیک اکونومی. علم اقتصاد در یک اقتصاد اسلامی. کتابی نوشته‌اند سیصد صفحه که به هر حال دارد مطالعاتی در این زمینه‌ها صورت می‌گیرد. ما در رابطه با نظام اقتصادی اسلام مطالعات بسیار مفصل و متعددی داریم و در رابطه با توسعه اسلامی، مطالعات خوبی داریم. در رابطه با علم اقتصاد به صورت تک نظریات متعدد وارد شده است و اینها را داریم. در حدی که مطالعات اقتصاد اسلامی در دنیا بالا آمده و ما اینها را درست جمع‌آوری کنیم و مسلط شویم و در کتاب‌ها وارد کنیم. لازم هم نیست که فریاد بزنیم که این اقتصاد اسلامی است. مثلاً فرض کنید آقای دکتر دادگر کتابی نوشته بودند در رابطه با نقش دولت در اقتصاد که من عنوان دقیق آن را نمی‌دانم اسلامی هم ننوشته‌اند. مطالب آنها را هم گفته و در نهایت مطالب اسلامی را هم آورده‌اند. چه اشکالی دارد ما با این روش در کوتاه مدت مطالب اسلامی را مانند خرد اسلامی ما داریم ضعیف است، قسمت‌های قوی آن را بیاوریم. راجع به کلان اسلامی تا حالا حدود پنج کتاب داریم. حداقل به دانشجو بگوییم این ادبیات هست و



قسمتی از کتاب مروری بر اقتصاد کلان بر اساس اندیشه‌های اسلامی است. یعنی در کوتاه مدت می‌توانیم بدون اینکه من هم با این بحث مخالفم که بیاییم در بلند مدت به ضرر ماست که بگوییم یکسری رشته‌های اقتصاد، یکسری اقتصاد اسلامی. اینها یعنی اینکه ما دو فرقه را تربیت می‌کنیم که بعداً به جان یکدیگر بیفتند یعنی ما به جای اینکه حالا به نظر من جو آماده می‌شود برای این فکر. قبل از این جریان جو آماده نبود که مثلاً ما دنبال این بودیم که رشته اقتصاد اسلامی ایجاد کنیم ولی حالا جو آماده می‌شود و متولیان امور متوجه هستند و عازم هستند بر این که این علوم انسانی علوم انسانی چنین هستند و ما باید به تدریج این را تبدیل به علوم انسانی اسلامی کنیم. در کوتاه مدت این است و ما باید با این جهت‌گیری وارد موضوعات و سرفصل‌ها بشویم که البته نیازمند گروه‌های کارشناسی اسلامی - دانشگاهی است در هر رشته. در موضوع خرد دو استاد خرد دانشگاه بیایند و بنشینند و با هم سرفصل‌های اقتصاد خرد یک و دو را بچینند و تزریق کنند مطالعات اسلامی را داخل این سرفصل‌ها و همینطور در بحث‌های دیگری که وجود دارد. در میان مدت ما بر اساس تراکم در کنار این کار باید رشته‌های پژوهشی دکترای پژوهشی یا فوق دکترای پژوهشی در موضوعات اقتصاد اسلامی قرار دهیم. و جاهایی که می‌بینیم اقتصاد اسلامی در آنجاها حجم مطالعات در آنها کم است یا مطالعاتی صورت نگرفته است خلاءها را پر کنیم و از طریق پایان‌نامه‌های پژوهشی که صورت می‌گیرد در ورودی اینها یا فوق لیسانس‌هایی هستند که می‌خواهند دکترا بگیرند یا دکترهایی هستند که فوق دکترا به آنها داده می‌شود در یک جریان پژوهشی همانطور که جناب آقای دکتر عرب مازار فرمودند که بحث علمی زوری و صوری نیست و ما باید تولید علمی

داشته باشیم و باید فرایند برای تولید علمی تعریف کنیم. در میان مدت فرایندی تعریف کنیم که مطالعات اقتصاد اسلامی در بخش خلاءها و ضعفها تراکم و برهم افزا شود و هر مقداری که تولید می‌شود به قول آقای دکرت عرب مازار باید روی فرایندی تعریف کنیم که تولید شود بیاید و چکش کاری شود و آماده شود که در متن‌های آموزشی به تدریج تزریق شود و در بلند مدت هم آنچه را که الان داریم روی آن فکر می‌کنیم اسلامی سازی علوم انسانی است که دقتی دارد. اسلامی سازی علوم انسانی یعنی اینکه ما علم انسانی را در غرب با چارچوب و روش خاصی تعریف کرده ما این را تجزیه و تحلیل می‌کنیم و عوامل غیر اسلامی را ارزش‌ها و بینش‌های غیر اسلامی را در این تشخیص می‌دهیم و آنها را بر می‌داریم و جایگزین اسلامی آن را داخل این علم می‌گذاریم و این می‌شود اسلامی سازی علوم انسانی موجود. یعنی علوم انسانی که غرب تولید کرده است ما اسلامی می‌کنیم. یعنی ارزش‌ها و بینش‌ها و احکام و حقوق غیر اسلامی را بر می‌داریم و جایگزین برای آن می‌گذاریم. این اسلامی سازی علوم انسانی خیلی خوب است. یک مرحله از حرکت است ولی باید متوجه باشیم که در این حرکت زمین بازی را آنها تعیین کردند و ما حاشیه می‌زنیم. و پاورقی به آنها می‌زنیم. به تدریج نوع مطالعات ما هم افزا بشود ما به مرحله خالی رسیده‌ایم که تأسیس علوم انسانی اسلامی می‌کنیم بر اساس مبانی بینشی و ارزشی خودمان و من فکر می‌کنم که اسلام مطالبی به ما داده که قابلیت تأسیس چنین علوم اسلامی را داریم اصلاً معلوم نیست که علم اسلامی ما آیا به این روش کمی ریاضی تزریق شده در اقتصاد می‌خواهد تحلیل وضعیت موجود بکند یا بر اساس سنت‌های الهی تحلیل وضعیت موجود بکند. من برای از اینکه خیلی طولانی شد یک نکته کوتاه را در آخر می‌گویم و رد می‌شوم. مرحوم امام در رابطه با شوروی سابق پیش‌بینی کردند و در رابطه با نظام سرمایه‌داری هم پیش‌بینی کردند. من از شما می‌پرسم شما فکر می‌کنیم که این پیش‌بینی‌ها غیب یا وحی بوده یا امام خواب دیده‌اند یا امامی معصوم در خواب به ایشان فرمودند که شوروی به زودی سرنگون می‌شوند و یا اینکه تحلیل امام این بوده است. این تحلیل علمی امام بوده است منتهی علمای ما که تحلیل می‌کنند تحلیل با سنت‌ها می‌کنند. سنت‌هایی که خداوند مانند قانون علمی آنگاه که بیان فرموده مسلط به سنت‌های الهی هستند، شرایط را وقتی منطبق می‌کنند و سنت‌ها را بر شرایط

منطبق می‌کنند به نتیجه می‌رسند. من این حرف را به عنوان مثال می‌زنم ممکن است روزی ما به اینجا برسیم که علم انسانی یعنی علمی که حل مشکلات بشر می‌کند و بر اساس تحلیل وضعیت موجود و پیش‌بینی در رابطه با آینده و علل این وضعیت نه از راه تجربی به این نحوی که به ما آموخته‌اند و با این متغیرهایی که به ما داده‌اند بلکه یک روش، ساختار و داستان دیگری است. این وقتی است که در بلند مدت رخ خواهد داد و وقتی که مطالعات اسلامی سازی تراکم پیدا کند ما به یک بلوغ علمی در این زمینه برسیم قطعاً به تأسیس هم خواهیم رسید. نتیجتاً تعارف نکنیم و اسلامی سازی جهت اصلی است و ما با خودمان تعارف نکنیم.

□ آقای دکتر آیت‌الهی: اجازه بدهید نسبت به مباحثی که داشتیم جمع‌بندی داشته باشم و بعد مبحث بعدی را آقای دکتر اسفندیاری مطرح خواهند کرد.

جهت‌گیری عمده و اصلی کار ما همان اسلامی سازی این علم است، نه به معنای اقدامی روبنایی و شکلی بلکه به معنای یک اقدام بنیادی و زیربنایی. اما این جهت‌گیری اصلی و اساسی را تحت پوشش نوین‌سازی و بومی‌سازی دنبال می‌کنیم. برای اینکه ما در خلاء زندگی نمی‌کنیم و این کار و فعالیت علمی را در خلاء دنبال نمی‌کنیم بلکه در کنار ما کسانی هستند که چون آگاه نیستند مقاومت می‌کنند و مقاومت آنها هر پروژه موفق را با شکست روبرو خواهد کرد. یعنی هر پروژه‌ای که طبیعتاً باید موفق باشد دچار شکست می‌کنند. از این جهت پوشش خوبی است و به معنای دست برداشتن از آن کار اصلی نیست. بلکه عنوان پوششی است که باید این عنوان پوششی را هم در عناوین موضوعات و هم در عنوان رشته و هم در سرفصل‌ها دنبال کنیم و این را همانطور که دوستان اشاره کردند اساتید مکرم مکرر تأکید کردند که این کار چند لازمه دارد یک لازمه‌اش فازبندی این کار است. پیشنهاد جناب آقای دکتر میرمعزی مبنی بر سه فاز شدن کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت را دوستان دیگر هم تأکید کردند ایشان اشاره کردند که ما موجودی کمی نداریم اوایل انقلاب اگر سخن از اقتصاد اسلامی می‌گفتیم چیزی نداشتیم دستمان خالی بود حالا که نگاه می‌کنیم می‌بینیم که گنجینه بزرگی از اقتصادی اسلامی را داریم پس می‌توانیم در هر عرصه‌ای از عرصه‌های دروس اقتصاد محتوای قابل توجهی را هر مقدار که آماده شده است و هر مقدار که چکش خورده شده، و هر مقدار که پذیرفته شده در کوتاه مدت



انجام دهیم. جناب آقای دکتر عرب مازار در بلند مدت اشاره کردند که کار پژوهشی باید بشود که منجر به محصول آموزشی بشود و این حرف بسیار منطقی است و در صحبت آقای میرمعزی هم همین مسأله بود. پس نیازمند تعریف دوره‌های پژوهشی هستیم که در آن دوره‌ها به سمت این هدف متعالی مطالعات را جهت بدهیم و از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری استفاده کنیم و ذخایر قبلی هم در همین زمینه داریم و بالفعل هم جریانی در دانشگاه‌های ما وجود دارد که این حرکت را دنبال می‌کند من از سال ۱۳۷۸ که وارد دانشگاه امام صادق (ع) شدم خدا را شکر کردم که چنین بستر مناسبی فراهم شده، دانشجویان هم در آنجا هم معارف اسلامی به صورت گسترده، فقه، کلام، تفسیر می‌خوانند و با مبانی آشنا هستند. این دو دیسپلین را که می‌خوانند ذهن آنها در هم آمیخته می‌شود حال پایان نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری را ملاحظه کنید که چه جهتی است تماماً در جهت اقتصاد اسلامی است اگر بتوانیم این را توسعه بدهیم که در همه دانشگاه‌ها چنین باشد در همه دانشگاه‌ها هست ولی مقدار آن متغیر است دانشگاه تربیت مدرس که من سال ۶۵ - ۶۶ ورود کردم، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبایی مشاهده کردم و از نزدیک بودم ظرفیت وجود دارد خصوصاً کسانی که درس طلبگی خوانده‌اند و به دانشگاه آمده‌اند و درس اقتصاد هم بخوانند. آقای دکتر ضرغام‌نژاد سابقه طلبگی دارند آقای دکتر موسایی هم همینطور و سایرین اینها مستعدتر و آماده‌تر هستند بنابراین می‌توانید در میان مدت همین راه را دنبال کنید و قطعاً در بلند مدت معنایش این است که بدون اینکه بخواهیم آموزه‌های علم اقتصاد متعارف را بشوریم و کنار بگذاریم. حساسیت‌های اینچنینی وجود دارد بالاخره تعبیر و بیان من این است که استفاده می‌کنم از نظریه هگل. که هگل به منطق دیالکتیک رسید منطق ارسطویی را مقابلش گذاشت و

گفت این منطق را وارونه می‌کنیم و در این صورت است که منطق روی پایه و قاعده خودش نشسته است و منطق دیالکتیک را بنا کرد. در این منطق دیالکتیک محصول منطق گذشته به کلی ویران نشد بلکه عناصر آن جابجا شد. اقتصاد متعارف هم همینطور است. این علم و دستاوردهایش را اگر ما مبانی آن را برگردانیم به مبانی اسلامی. روی اصول و قواعد منطقی خودش قرار می‌گیرد. همه آموزه‌ها در شکل جدید جای خودشان را پیدا می‌کنند نه اینکه شسته شده و کنار ریخته شوند طبعاً معنایش این است که محصول و برون‌دادش متفاوت باشد. اینها تجربیات بشر است و این تجربیات را بر اساس مبانی به کار گرفته‌اند و یک سری برون‌داد داشته است اگر همین مبانی را اگر کار کنیم و منقه کنیم و بگوییم این تجربیات بر اساس مبانی جدید قابل استفاده است ولی جای این مجموعه قطعاتی را که به همدیگر وصل شده و پازلی شکل می‌گیرد که همان قطعات جایگاه خودش را پیدا می‌کند. پس باید علم اقتصاد متعارف را به قوت و در حد عالی خواند و دنبال کرد و بدون آن طرح موضوع و طرح مسأله برای اقتصاد اسلامی بی‌معناست. اگر نباشد ما سؤال نداریم و اگر نباشد مسأله‌ای نداریم که بخواهیم آن مسأله را با رویکرد معارف اسلامی پاسخ بدهیم آموزه‌ها و نوین‌سازی به معنای اینکه آخرین نظریه‌ها در هر یک از مسائل رشته اقتصاد را دانشجوی ما باید بداند اما معنای آن ترمز کردن و توقف کردن در اینجا نیست بلکه معنایش این است که آخرین نظریاتی که به دست آوردیم قدم مهمی برای راه یافتن به سمت نظریات اقتصاد اسلامی است که کار بلند مدتی است. نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی هم لزوماً آقای دکتر دلالی‌نیا نیازمند وجود نابغه نیست نوابغ کارها را به سرعت پیش می‌برند و استعدادها متوسط به بالای جامعه ما ولو به حد نبوغ نرسیده باشد قدرت نظریه‌پردازی را دارد. مهم تجمیع اینهاست. یکی از اساتید دانشگاه شهید بهشتی که معروف هم هستند جناب آقای دکتر ایشان به اصطلاح مسائل را نقل می‌کردند که یکی از استادان دانشگاه چین با ما ملاقاتی داشت گفت IQ ایرانی‌ها بالاتر از متوسط جهانی است و IQ چینی‌ها زیر متوسط جهانی است ولی ما موفق‌تر عمل کردیم زیرا شما ایرانی‌ها فردی فکر می‌کنید ولی ما جمعی فکر می‌کنیم هرکس مقاله‌ای داشت مقاله را در آکادمی می‌چرخاند چهل نفر می‌خواندند و اشکالات خودشان را می‌گویند، بر می‌گردد اشکالاتش رفع می‌شود و تبدیل به یک محصول متعالی می‌شود گفتند شما هرکدام برای

خودتان جزیره‌ای هستید و دیدم که حرف بسیار درستی است من در جلسه امروز خیلی خوشحال هستم و صحبت‌هایی که شنیدم برای جالب است مهم این است که وقتی گفته می‌شود برآیند آن رشد هرکدام از ماست من خودم این احساس را دارم و حلقه مفقوده ما نبود چنین ساختارهایی است. انجمن علمی واقعی است که الحمدلله انجمن‌های علمی هم تحت عنوان انجمن اسلامی اقتصاد اسلامی، اقتصاد و توسعه انجمن اسلامی اقتصاد در قم همه ظرفیت‌های خوبی است که افکار را به هم نزدیک کند و دانشمندان به هم نزدیک شوند و حرفه‌ایشان را در مجامع مشترکی بزنند و رشد می‌کنند و پخته می‌شوند و چکش‌خوری‌ها هم در چنین مجامعی سریع‌تر جواب می‌دهد من اعتقاد دارم که جمع‌بندی این حرکت این باشد که این حرکت را اولاً چشم‌انداز را ترسیم کنیم در قالب آن چشم‌انداز به صورت روش‌مند خواسته‌های خودمان را دنبال کنیم، کوتاه مدت بعضی‌ها بیان کرده‌اند و ما باید گروه گروه برای هر درس درست کنیم و برای هر درس گروهی درست کنیم، خرد یک گروه، کلان یک گروه، پول و بانک یکر گروه، توسعه هم یک گروه باشد وقتی گروه گروه درست کردیم این گروه‌ها به سراغ تدوین سرفصل‌ها بروند و متون ابتدایی بروند. خلاءهای علمی و مطالعاتی که داریم شناسایی کنیم و بتوانیم گروه تشکیل دهیم. ساز و کار بروز شدن و نو به نو شدن آن وجود همین به اصطلاح اجتماعات و وجود همین مجموعه‌هاست که می‌تواند این مسائل را دائماً بروز کند زیرا اینها متوقف نمی‌شوند و رو به رشد هستند و استمرار پیدا می‌کنند البته معتقدم که یک قدم اگر کار خوب نشان بدهیم حمایت هم می‌شویم. آقای دکتر عرب‌مازار مطرح فرمودند که ما جایزه اقتصاد اسلامی می‌خواهیم قرار بدهیم. انجمن اقتصاد اسلامی دنبال این کار است این جایزه اقتصاد اسلامی می‌تواند پشتوانه چنین حرکتی باشد بنده هم حرفی ندارم و دنبال می‌کنم گفتم گزارشی بدهید به آقای رئیس جمهور می‌دهیم به عنوان جایزه اقتصاد اسلامی سالانه مبلغی قرار می‌دهند هم برای برگزاری کنگره دوسالانه و هم دادن یک جایزه به بهترین اثر که با قوت تهیه شده باشد. اگر یک گروه این کار را بکنند این جایزه به آن گروه تعلق پیدا می‌کند شناسایی افرادی که بتوانند این گروه را تشکیل بدهند به ما کمک می‌کند که نوین سازی و بومی سازی که در واقع مراد ما اسلامی سازی است تعقیب و دنبال کند.

□ آقای دکتر اسفندیاری: بسم الله الرحمن الرحيم. من چند مطلب را می‌خواستم در مورد بخش نوین‌سازی سرفصل‌های دروس اقتصاد را در تقسیم‌بندی در گروه به عهده من گذاشته شده است البته این مسأله مقداری می‌خواستم نکاتی را عرض کنم اولاً دستور جلسه مقداری به این صورت بود که بعضی از دوستان تلقی‌شان این بود که ساعت چهار بعدازظهر بحث تمام است در حالی که این بسم الله اول است. این شروعی بود که بعداً آقای دکتر ضرغام نژاد و حاج آقا میرمعزی تأسیس کردند که به بحث بیان‌دازیم نوین‌سازی و بومی‌سازی در تأیید فرمایشات آقای دکتر نهایندیان باید عرض کنم که ایشان درست فرمودند که بومی‌سازی به منزله دور شدن ما از دنیا نیست ضمن اینکه نوین‌سازی هم در بحث وابستگی ما به دنیایی که در اقتصاد خارج بوده نیست، ما باید بپذیریم که اقتصادکلان برانسون را که ایشان نوشته‌اند و ما بدون اجازه ترجمه کرده و در اختیار دانشجو قرار داده‌ایم. اصلاً ایشان این را برای ما ننوشته است شاید راضی هم نباشد که ما این کار را می‌کنیم در مورد حاج آقا میرمعزی هم که فرمودند دروس اقتصاد انرژی درست می‌فرمایند من این عنوان‌ها را از پنج دانشگاه بزرگ دنیا که رنکینگ بالای چهل دارند و همه را هم قبول داریم همه در پایه‌های اقتصاد غربی است و بعضی از آنها با مشکلات ما ست است. یکی از آنها مسأله وزارت نفت، گازهای گلخانه‌ای، فروش انرژی و ... است که عنوان مهمی در دنیاست که کارشناسی ارشد آوردم و عنوان کردم که مبنای ایجاد بازار بورسی در دنیا شده به عنوان بازار بورس گازهای گلخانه‌ای. این هیچ ضرری برای جامعه ما ندارد. البته من نمی‌خواهم خیلی مصدع اوقات شوم. من این پنج رنکینگ دانشگاه‌های دنیا را و درس‌های آنها را آوردم و مصوبه ستاد انقلاب فرهنگی را که سی سال پیش بوده بررسی کردم با بعضی از دانشگاه‌ها ظرف یک هفته که وقت کمی داشتیم امیدواریم بعد از پنج شش ماه که به نتایج خوبی برسیم. تمام هیأت علمی‌های دانشگاه‌ها که در گروه‌هایشان درس‌ها را تغییر داده‌اند آوردم و مقایسه کردم و در مورد یکسری از درس‌ها که مورد علاقه اغلب دوستان است مانند نوین‌سازی در درس اقتصاد ایران و نوین‌سازی در ابزارها و نوین‌سازی در برنامه‌ریزی مطالبی آورده‌ام و در قسمت دوم محور نوین‌سازی عنوانی را مطرح کردم که عنوان‌هایی در دنیاست که ما نداریم حال اینها را نگاه می‌کنیم، من فکر می‌کنم که اینها هیچ منافاتی با اقتصاد اسلامی ندارد. چون اگر شما آقای ساموئل سون را

نگاه کنید می‌بینید که ایشان مارکسیست را به نوعی نقد کرده که شما فکر می‌کنید ایشان پنجاه سال مارکسیست بوده به قدری به ریز کارها رفته و نقد انجام داده که شما فکر می‌کند سی سال مارکسیست بوده و بعد دنباله‌رو اقتصاد متعارف و رایج شده است. در حالی که چنین چیزی نیست.

ما از اینکه اقتصاد متعارف را بخوانیم، بی‌نیاز نیستیم و در مورد روش‌شناسی که این قضیه را آقای دکتر شریف آذر استاد ما هستند و آقای دکتر دادگر که بنده خیلی قبولشان دارم و بسیار با سواد است در آن کتاب روش‌شناسی به این نتیجه رسید که اقتصاد اسلامی می‌تواند زیرمجموعه‌ای از اقتصاد متعارف در روش‌شناسی باشد و نه در خود اصل آن. همانطور که حاج آقا مصباحی فرمودند می‌توانیم مفاهیم کلی اقتصاد اسلامی را در چارچوب مدل‌هایی که در اقتصاد متعارف داریم جا بدهیم. البته این پله به پله است این ممکن است در مرحله دوم باشد و بعد در مراحل دیگر در درازمدت خروجی داشته باشد من زیاد در فلسفه و روش‌شناسی نیستم من نوین‌سازی را هم محتوایی و هم عنوانی آورده‌ام در عنوانی ساده است یکسری مثال را عنوان کرده‌ام بعضی از سرفصل‌ها را که حالا هست و دوستان باید نظر بدهند و در نوین‌سازی ابزارها درسی داریم به نام زبان تخصصی. ریاضیات، اقتصادسنجی، آمار و روش تحقیق. ما در زمینه متون خارجی واقعاً این درس در دانشگاه‌ها سمبل می‌شود. من هفده سال مدیر گروه بودم و بعد هم شاید مدتی معاون دانشجویی بودم، این درس بر حسب سلیقه استاد هرگونه که دلش می‌خواست متنی به دانشجوی می‌داد. در حالی که ما انتظار داریم که در زبان تخصصی که حتی برای اسلامی هم خوب است چون کتاب‌های اقتصاد اسلامی اغلب به زبان انگلیسی هم نوشته شده است به دانشجوی پنجاه صفحه می‌دهند و می‌گویند این را سر کلاس بخوان این انتقاد به خودم هست از دوستان دانشگاهی انتقاد نمی‌کنم که این باید بررسی شود. البته ما نمی‌توانیم با دانشگاه‌ها با زور و دستور عمل کنیم ما باید بدانیم اخلاق خود هیأت علمی خودمان را طوری با اینها برخورد کنیم که این مسأله رفع شود.

دوم ریاضیات است. در زمینه ریاضیات تا به حال به دو کتاب جیم وبرت اکتفا کردیم حساب دیفرانسیل و انتگرال آورده‌ایم و هیچ. من در دانشگاه‌های دنیا نگاه کردم دیدم که در این دانشگاه‌ها که نمی‌خواهم اسم ببرم،

شش درس ریاضی به صورت روش‌های کمی یک و دو، روش‌های کمی پیشرفته یک و دو، مدل‌سازی ریاضی ما باید دقت کنیم که اقتصاد اسلامی هم اگر بخواهیم درست کنیم مدل‌سازی ریاضی لازم داریم نمی‌توانیم بگوییم مستقل از مدل‌سازی ریاضی هستیم. در اینجا ما به این مسأله زیاد اهمیت نمی‌دهیم. البته من نمی‌خواهم بگویم ما در ریاضی غرق شویم که کسی بگوید ریاضیات مانند چتر نیست که روی سرمان بگیریم که خودمان را گم کنیم. ولی ما در ایران در یادگیری علم اقتصاد در نوین‌سازی خودمان مقداری کم می‌فروشیم در واقع کم‌فروشی می‌کنیم و یکی از علت‌های آن این است که ریاضیات در اقتصاد نمی‌آید. هفت نفر از دانشجویان ما فنی قبول شدند نرفتند و آمدند رشته اقتصاد و گفتند این رشته مهم‌تر است. پسر من رفته رشته مکانیک می‌گوید اصلاً اقتصاد هم رشته است این نقص ماست و به قول یکی از آقایان که گفتند هر کار غلطی که انجام شده درست است مهندسین بوده‌اند وزیر علوم هیچ وقت رشته اقتصاد نبوده ولی مشاور داشته خود ما نباید طوری برخورد کنیم که بگوییم ما نبودیم و دیگری بود البته من دیگر پیر شده‌ام و جوان‌ترها باید بدانند این مسأله وجود دارد.

سومین مسأله در مورد درس اقتصادسنجی است که بعضی‌ها ایراداتی دارند که پیش‌بینی‌ها و ضرایب و غیره درست نیست ولی من دیدم در زمینه اقتصادسنجی شش عنوان جدید درآمده است. اقتصادسنجی با کاربردهای مالی، تجاری، توسعه و ارزیابی و محیط زیست و ... و این حتی در دوره کارشناسی هم وجود دارد بنابراین ما از دنیا در مورد دروس نوین‌سازی عقب هستیم. ولی این قسمت به درد اقتصاد اسلامی ما می‌خورد ما می‌توانیم درسی داشته باشیم به نام اقتصاد اسلامی با کاربرد اقتصاد اسلامی و متغیرهایی که خودمان داریم کما آن که مجله‌ای که در عربستان و پاکستان در زمینه اقتصاد اسلامی چاپ می‌شود استفاده کنیم. من زیاد تخصص درسی ندارم.

در مورد درس آمار هم درس‌ها را خلاصه می‌کنیم و همان چند تا پارسون و توزیع نرمال و ... چیز جدیدی در نیاوردم در حالی که من در دنیا نگاه کردم شیوه‌های جدیدتری هست و چیزی که جالب بود در روش تحقیق رفتم ببینم چکار کنم مورد جالب این بود که نرم‌افزاری اخیراً در روش تحقیق درآمده و ما هنوز در بیست سی

ساله اول انقلاب هستیم که این نرم افزار می‌تواند در عرض دو دقیقه هر کتابی را با هر عنوانی که نوشته‌اید در فرانس‌ها را زیر صفحه بیاورد، آخر کتاب هم بیاورد با همان فرمتی که شما می‌خواهید. ما حالا کتاب چاپ می‌کنیم می‌بینیم که الفبای آن درست نیست چون حوصله نداشته به آن نگاه کند. زیرعنوان آورده ولی عنوانش نیست. ما هدفمان خدمت به جامعه است در درس علم اقتصاد.

نوبت‌سازی در درس خرد و کلان که دوستان صحبت کردند که ان‌شاء‌الله انجام می‌دهند و صحبت می‌شود. درس اقتصاد ایران و درس برنامه‌ریزی اقتصادی در درس اقتصاد ایران چهارده سرعنوان داریم که این سرعنوان‌ها اولی نوشته شده تاریخ اقتصاد ایران از سال‌های دور تا انقلاب مشروطه بحث کلی و مابقی سیزده سرفصلش همین سالنامه‌های آماری مرکز آماری را پشت سر هم آورده است. ما آنچه را که در درس اقتصاد ایران نیاز داریم تجزیه و تحلیل تاریخ اقتصاد ایران چه در پنجاه سال قبل از انقلاب، چه در سی سال بعد از انقلاب است. ما ساختار اقتصادمان بعد از انقلاب و قبل از انقلاب ساختار اقتصاد ما از لحاظ درصد اشتغال و تولید ناخالص ملی بین بخش‌ها دقیقاً مانند قبل از انقلاب بخش خدمات غالب است. این ممکن است دورنمای خوبی به ما بدهد و بگوییم جالب است. ژاپن هم بخش خدماتش غالب است و فراصنعتی است تئوری فیشر کراک هم می‌گوید اگر اقتصاد شما به معنایی رسید که بخش خدمات غالب بود باید خوشحال باشید که به فراصنعتی رسیده‌اید. کماینکه ژاپن امروزه در خدمات دیزاین می‌کند و خودش ماشین و تلویزیون تولید نمی‌کند طراحی می‌کند و به اندونزی و مالزی و ... می‌دهد ما این را در اقتصاد ایران تجزیه و تحلیل نمی‌کنیم ما در هیچ دانشگاهی نداریم. دانشجو می‌گوید ۲۳ درصد بخش کشاورزی، ۲۵ درصد صنعت، ۴۵ درصد خدمات است و ژاپن هم همین است پس ما در حد ژاپن صنعتی شده‌ایم. اینطور نیست استاد اقتصاد ما ماهیت را بررسی نکرده است. من نگاه کرده‌ام هفت درصد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در ایران در بخش صنایع روستایی است و ۶۰ درصد اشتغال ایجاد می‌کنند. در فرش‌بافی و کارهای کوچک صنعتی. این درس اقتصاد ایران برای دانشجو باید باب شود که جامعه‌اش را بشناسد.

در درس برنامه‌ریزی اقتصادی هم ده عنوان آورده شده و کلی گفته شده که سیستم‌های لئون تیرز بدون کاربرد به برنامه‌ریزی شوربی سابق اشاره کرده که هرکس این درس را می‌دهد خود من هم که درس می‌دهم می‌گویم که شوربی سابق نیست که حتی روی سرفصل‌ها هست کسی نیامده بگوید این را بردارید. اینها به اصطلاح به دانشجو در برنامه‌ریزی اقتصادی نگفته‌اند که ما برای تجزیه و تحلیل اقتصاد دو روش کوانتومی داریم مانند فیزیک نیوتونی و کوانتومی که کوانتومی ما یا مدل اقتصاد کلان هستند یا داده ستانده هستند. و اینها را برای اینها خوب باز کنند در مورد این مسأله نوین‌سازی در دنیا مبحث جدیدی با آقای دکتر مطرح کردم که از دانشگاه بیگلی هم رنگینکش پایین‌تر بود در رشته سیستم‌های انرژی سه مطلب مهم همواره کار اصلی است. ساستین بلیتو یعنی تداوم. کارآیی که روی این کار کنند که عسلویه و ساختن پشت سر هم پتروشیمی که ما گاز و نفت را مجانی تزریق می‌کنیم و آنها هشت نه میلیارد در سال صادرات غیر نفتی دارند آیا این با سیستم ما می‌خواند ما هم این را یاد بگیریم. اگر یاد بگیریم اصلاً مشکلی ایجاد نمی‌شود هدف ما نوین‌سازی است. در ژاپن بازاری درست کرده‌اند به عنوان بازار بورس گازهای گلخانه‌ای. کارخانه سونی را ظرفیت داده‌اند و گفته‌اند که هفت هزار و پانصد مگابایت گازهای گلخانه‌ای را می‌توانی مصرف کنی. مازاد را می‌توانی در بازار بورس بخری و کمتر اگر شد در بازار بورس بفروشی. حالا رئیس اپک ایرانی است برای اولین بار وزیر نفت رئیس اپک شده ما باید در این موضوع خیلی حرف برای گفتن باید داشته باشیم. نوین‌سازی باید انجام شود و هیچ منافاتی با اسلامی کردن این مسائل نخواهد داشت.

محور دوم، نوین‌سازی عنوانی است بعضی از درس‌ها در دنیا هست در ایران هم هست که خیلی جدی گرفته نمی‌شود مانند اقتصاد سلامت، اقتصاد انرژی و اقتصاد محیط زیست در اقتصاد انرژی من دیدم هیچ دانشگاهی مبحث ساستین بلیتو را به آن صورتی که آنها مطرح کردند نبود. اقتصاد دفاع، اقتصاد کارآفرینی که ما اصلاً نداریم. کارگاه آموزشی برای دانشجوی فوق لیسانس اقتصاد نداریم که شما در بازار می‌توانی بروی و ببینی سیتیر باز کنی یا بسیاری از افراد را می‌شناسم که مهندس هستند و با همسرشان رفته‌اند برای شیرینی‌پزی‌ها شیرینی تولید می‌کنند و ماهی یکی دو میلیون هم درآمد دارند. ما کارآفرینی نداریم. اقتصاد آموزش و پرورش، اقتصاد

کار، اقتصاد حقوق، اقتصاد جهانگردی، اقتصاد ارتباطات و IT، اقتصاد کالبدی، آمایشی، منطقه‌ای که یکسری دوستان در اختیار دارند من امیدوارم با این بضاعت ناچیزی که گفتم خوب عنوان کرده باشم. هدف ما در شرح درس و در دستور جلسه مطرح فرمودند که می‌خواهیم این بحث را باز کنیم. حال این ممکن است شش ماه تا یک سال طول بکشد که ما بر این مبنا قرار بگیریم.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: تشکر می‌کنم از آقای دکتر اسفندیاری، اگر دوستان اظهارنظری دارند استفاده می‌کنیم از نظراتشان.

□ آقای -----: بحث نوین‌سازی سرفصل‌ها که مورد توافق است جمعی بروند و سرفصل‌های دروس را در دانشگاه‌های دنیا در بیاورند و ببینند در دانشگاه‌های دنیا چه درسی داده می‌شود سرفصل‌ها چگونه است چون معمولاً در سایت دانشگاه‌ها هست و کار زیادی ندارد.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: این کار را آقای دکتر میرجلیلی انجام داده‌اند ایشان عضو گروه ما هستند ولی حالا یادشان به خیر ایشان واشنگتن هستند در صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی. ایشان انجام داده‌اند و مقاله‌ای تهیه کرده‌اند ولی در عین حال اگر بخواهیم این کار را تکمیل کنیم خیلی خوب است و من معتقدم که این کار را انجام بدهیم بسیار عالی است. پیشنهاد خوبی است.

□ آقای دکتر ابریشمی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. اولاً عذرخواهی می‌کنم که دیر حضور پیدا کردم و در قسمت صبح نبودم و مطمئناً ضرری جدی نصیبم شد.

فرمایش همه برادران درست است و بخشی از حقیقت است و من می‌خواهم با گفتن خاطره‌ای احساسم را بیان کنم و فرمایش آقای دکتر من را به سال ۱۳۵۳ برد یعنی سی و شش سال قبل. فوق لیسانس ترم آخر بودم قرار شد وارد دوره دکترا شوم و قبول شده بودم. درسی بود به خاطر فعالیت‌هایی که در آنجا بود و عشق و علاقه داشتم و به استاد کلاس گفتم می‌خواهم در مورد مصرف در اسلام بنویسم. ایشان خیلی تشویق کردند و ما هم هرچه کار کردیم چیزی نگفتیم فقط یک رساله دو جلدی در دانشگاه جرج داون بود با عنوان مصرف در اسلام و نویسنده آن خانم بود و مطالب را هرچه گشتم پیدا نکردم و چون تعیین کرده بودم و خیلی هم علاقه داشتم و

تعصب داشتیم که کم نیاورم بالاخره مطالب مختلف را زیر و رو کردیم و گزارشی تهیه کردیم و در کلاس ارائه شد. در کلاس همه می‌خندیدند و من خیس عرق می‌شدم و احساس می‌کردم که چگونه بحث اعتقادی را در ارائه دچار تردید شده است و فقط استاد با سر تشویق می‌کردند و آخر کلاس هم استاد مسیحا گفتند که وقتی وارد دوره دکترا شدی روی همین موضوع کار کن. خودم دچار تردید شده بودم که مطلب من رسا نیست. در آن زمان احساس غربت می‌کردم و فرمایشی که برادر ما گفتند واقعیت دارد حالا هم احساس غربت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بعد از سی و یک سال آن احساس به من دست داد که ما نمی‌توانیم دور بزیم و چراغ خاموش حرکت کنیم و همه اینها واقعیت است و به هر حال با اقتصاد اسلامی بیاییم از طریق بومی‌سازی و نوین‌سازی وارد شویم و بعد به هدف برسیم باید دید که دلیل این چیست؟ یعنی حلقه‌های مفقوده کجاست که ما این احساس غربت را سی و شش هفت سال پیش هم خود بنده می‌کردم و الان هم کمابیش دارم. بد نیست خدمت شما بگویم اواخر دهه هفتاد همان احساس نسبت به سال ۱۳۵۳ دست داد و من در درس اقتصادسنجی به دوستان گفتم بیاید جلسه بگذاریم و دیدم که آن جلسه هم دو تا بیشتر طول نداشت و دوستان در بینشان آنقدر نظرات مختلف بود که تعطیل شد بارها به دوستان گفتم که چهار پنج سال بیشتر از این دوران خدمت ما باقی نمانده است بیاییم کاری کنیم ولی هیچ وقت آن جلسات محیا نشد. من با جلسه پاره وقت نه و گاه وقت از جلسه قبل تا به این جلسه چند سالی گذشت حدود چهار سال گذشته است.

..... ما بررسی کردیم که درس‌های اعتقادی چرا بیشتر از اقتصاد اسلامی و است. استاد که دیر می‌آید. کلاس هم که بحث جدی ندارد و با سواد است و از چندین کار کنار می‌آید و می‌خواهد درسی ارایه کند و بیاید مقابل درسی و با آن همه پشتوانه و وجهه بسیار جذاب. من هنوز هم پس ذهنم را برای دوستان می‌گویم من مجذوب یکسری چیزها نشده‌ام که بگویم می‌خواهم از چیز دیگری دفاع کنم به نظر من خیلی هم مطلب دارد ولی بحث محتوایی دارد. این بحثی که امروز در رابطه با اقتصاد اسلامی شده است را تشکیل و جذاب کنیم و به کلاس‌ها ببریم. اینها طرفداران زیادی دارد. بعضی از دوستان می‌گویند نیست مطلب ندارد چرا این را یک و دو کرده‌اید؟ ولی برای کار به این مهمی باید انرژی و وقت گذاشت باید افراد اطمینان حاصل کنند که اگر

سرمایه‌گذاری می‌کنند می‌شود مورد استفاده جدی قرار بگیرد. اتفاقاً وجوه مشترک هم دارد و بحث فلسفی آن درست است که من خدمت شما می‌گویم درسی به عنوان کلیات علم اقتصاد که در دنیا این همه روی آن کار می‌شود ما در بعضی دانشگاه‌ها ترم اول آن را برداشته و از ترم اول با همان مبانی موردنظر شما می‌گویم و ذهن دانشجو را چنان می‌سازند که از این ذهن شکل نگرفته و شکل گرفته بخواهید چیزی درک کنید سخت است. من از این بحث‌ها می‌خواهم یک مطلب را بگویم که هم مصمم هستیم ولی باید باور داشته باشیم برای کاری که باور دارد خیلی کارها می‌کند برای چیزی که باور دارد جلسه‌های متعدد می‌گذارد بعضی از درس‌ها را کمیته‌هایش را تشکیل بدهیم. دیدیم که برای مسائل ابتدایی آنها در یک طرح چند صد میلیون می‌گیرد و یک جلسه کمیته که پانصد تومان هزینه دارد را باور نداریم. خیلی هم کار بزرگ نمی‌خواهیم بکنیم چون کار بزرگ یعنی شروع نکردن ابتدا با کمیته‌های درس‌های مختلف که در رأس آنها درس‌های اعتقادی است ببینید چه تحولی ایجاد می‌شود. این مطلبی که می‌فرمایید بعضی از دوستان ما کرده‌اند و بعد از جلسه بیایند تا آدرس بدهم. بعضی از درس‌ها را چنان متحول کرده‌ام. هم نوین‌سازی کرده‌ام و هم بومی‌سازی و خیلی دانشجویها هم که سر کلاس می‌نشینند جذب می‌شوند و ساختار ذهنی آنها تغییر کرده ولی ببینید این چگونه توسعه پیدا می‌کند این که گاهی نفری از جایی رد شود و جلسه بگذارد که می‌شود فلانی این درس را بدهی یا می‌شود فایلش را بفرستید. البته که می‌شود سیستمی نیست ناامید نشوید این کارها دارد انجام می‌شود. بعضی از دوستان ما باور دارند که می‌توانند در کشور باز کنند و با تمام تنگناهایی که وجود دارد باور دارند و با تمام بی‌توجهی‌ها حاضرند کار کنند. اصلاً آنها فایل خودشان را دارند، ما هم فایل خودمان را داریم تکلیف من این است که این کاری که به عهده من گذاشته شده است را به نحو احسن انجام دهم. استاد بودن و هیأت علمی بودن یک کار نه تنها تمام وقت بلکه بیش از تمام وقت است. این برنامه‌ها نه می‌شود تحلیل محتوایی بشود و نه می‌تواند به کلاس برود و باید از همان انباشته‌ای که ایجاد شده است همانجا استفاده کنند تا بالاخره تمام شود. من فکر می‌کنم مطالبی که جنابعالی فرمودید و گفته شد همه ساخت و سازهای اولیه دارد که باید انجام شود و آنها اولین دلیلشان این است که افرادی داشته باشیم که به طور تمام وقت به این مسائل بپردازند و گنجینه آن هم

هست که چند درس اقتصاد اسلامی انجام شده به نظر من بیش از پانصد یا هزارتا. همه اینها را یک تیم شش ماهه یا یک ساله بگذارید که خدمت شما بدهند و ببینید چه مطالبی در می‌آید و کلاس‌ها را چقدر جذاب می‌کند در سی و شش سال پیش من احساس غربت کردم چون چیزی نبود بعد از سه چهار سال که ترجمه اقتصاد ما آمد با بعضی از دوستان می‌نشستیم خط به خط می‌خواندیم و فیش‌برداری می‌کردیم و بعد کتاب دیگری آمد که پایگاه فلسفی التقاطی داشت و دومین کتاب بود نواری هم آمد به عنوان ارزش افزوده بعدها کتاب‌ها آمدند الان در دریاچه‌ای از مطالب هستیم و دانشجوی ما خوشحال است که به مالزی می‌رود و می‌گوید عجب درس اقتصاد اسلامی بود من به غیرتم بر می‌خوردم ما در اینجا باید برای آنها مطلب داشته باشیم و اینها می‌گویند در آنجا مطلب است که من این قبول ندارم فضای فرهنگی آنجا انسان را می‌گیرد و یک سری مسائل را به آن منتسب می‌کند اگر بخواهیم کار محتوایی کنیم باید بگوییم کار شروع شده است و می‌گوییم دوستان جدی هستند و خیلی هم موفق هستند این چیزی نیست که بخواهیم از صفر شروع کنیم. از بحث بومی‌سازی هم شروع کرده‌اند. امروز اگر کلاسی به روز نباشد دانشجویها از دانشگاه می‌روند و شرح درس را دانلود می‌کنند و آن را در میل باکس استاد می‌گذارند و استاد را به حرکت وادار می‌کنند و دانشجویهای ما کار می‌کنند. دانشجوی در کلاس تاب نمی‌آورد یکی از عزیزان نکته خوبی گفتند که دانشجویها خیلی از مسائل را جدی تلقی می‌کنند و مطلب می‌خواهند. اتفاقاً رشته اقتصاد بر خلاف بعضی رشته‌های دیگر خیلی جذاب است و می‌تواند دانشجوی ترم اول که می‌آید چند درصد با هدف آمده‌اند و چند درصد خشی هستند و چند درصد علیه درس هستند بعضی از کلاس‌ها را بررسی کردند و در همان ترم اول درصدها به طور جدی تغییر پیدا می‌کند و مربوط به کلاسی است که ذهن دانشجوی در حال شکل‌گیری است و دانشجوی به رشته می‌گوید که دنیایی از مطلب هستی چرا باید مهندسی برق قبول می‌شدی؟ یا رشته پزشکی قبول می‌شدی؟ در یک پرسشنامه‌ای می‌گوید که من از این رشته به قدری راضی هستم که با هیچ رشته‌ای آن را معاوضه نمی‌کنم. شما فایل JAL را به دانشجوی معرفی کنید ببینید چقدر جذاب است. یک نگرش در اسلام آمده که یکسری مسائل را برایش باید بگوییم که من باید وارد مسابقه‌ای بشوم که نگرش دیگری هم هست. فقط نگرش خاص به اقتصاد

متعارف نیست و چیزهای دیگری هم هست. ما در سال سه به دانشجو که ذهنش ساخته و پرداخته شده و همه چیز ارائه شده است و به آن زیبایی‌ها بعضی از اساتید ما پاورپوینت‌های زیبایی تهیه می‌کنند و در کنارش با یک درس می‌گویم اقتصاد اسلامی هم هست این اشکال دارد باید این را در ترم اول ایجاد کرد و باید در دانشجو باور ایجاد کرد که اقتصاد اسلامی مطلب دارد و واقعاً مطلب دارد. من بعضی از کلاس‌ها را رصد کردم دیدم که چقدر دانشجویها راضی هستند. خودمان را دست کم نگیریم و این احتیاج به جلسه‌های بسیار مستمری دارد و جلسه‌های مستمر از طریق کمیته‌ها چون شما اولین کاری که در کمیته‌ها می‌کنید تبادل نظریات است بین افرادی که در کشور این درس‌ها را ارایه می‌کنند و مطمئن باید که در ترم بعد شرح درسی که در کلاس می‌رود در هر کجای کشور با ترم قبل بسیار متفاوت است.

□ آقای دکتر آیت‌اللهی: تشکر می‌کنم آقای دکتر جنابعالی اگر صبح تشریف داشتید این بحث‌ها را دوستان غالباً داشتند و غالباً به عنوان پیش‌فرض پذیرفته بودند که ما وارد مباحث بعدی شدیم و اینکه حالا این مشکل را تقاضا کنم در عین حال از اظهار نظر جنابعالی استفاده کردیم.

□ آقای دکتر شریف آزاده: با توجه به مطالعاتی که من کردم باید کمی به عقب برویم تا وجوه مشترک را پیدا کنیم. آقای دکتر صحبتی فرمودند که طبیعتاً هیچ تردیدی نیست که فلسفه و جهان بینی که پشت تئوری‌های موجود اقتصادی است مبتنی بر اصالت تربیت اسلامی است که در همان چارچوب تعریف می‌شود ما در اسلام نمی‌گوییم این انسان اسلامی نیست بنابراین تا جایی که انسان را تعریف کرده‌اند و تئوری‌ها قابل استفاده است منتها از آن بالاتر انسانی که اسلام تعریف می‌کند که عقل حاکم بر نفس است در آنجاست که ما در جهت تکامل حرکت می‌کنیم نه اینها را رد کنیم اسلام نمی‌گوید مطلوبیت چیز بدی است. سود را اسلام نمی‌گوید که نباید باشد اسلام نمی‌گوید حداکثر نباید باشد وقتی به بالاتر می‌آییم و انسان اسلام را تعریف می‌کنیم به جای عقل ابزاری عقل ذاتی را می‌گذاریم. عقل ابزاری در خدمت نفس است و هرچیزی آزاد می‌شود ولی در اسلام که می‌خواهیم مسأله عقل را مطرح کنیم امر و نهی را مطرح می‌کنیم آن چیزی که در شأن انسان نیست را نفی می‌کند بنابراین ما این تئوری‌ها را کنار نمی‌گذاریم بلکه آن را تکمیل می‌کنیم گاهی اوقات آدم فکر می‌کند که

این تئوری‌ها به درد نمی‌خورد که چنین نیست بلکه آنها هست در اسلام بر اساس تعریفی که از انسان و عقل می‌شود اینها تکمیل می‌شود و طبیعتاً پالایش می‌شود و می‌شود اسلام که اسلام هیچ کدام از آنها را رد نکرده است اسلام گفته نباید تظاهر کرد و نباید محدودیت کسب کرد ولی محدودیتی که در شأن انسان است انسانی که اسلام تعریف می‌کند من تصور می‌کنم باید مفصل مورد بحث قرار گیرد و روی این اصل است که شبهاتی ایجاد می‌شود که این تئوری‌ها به درد می‌خورد یا نه تا حدی که از انسان تعریف می‌کنند به درد می‌خورد و از آن حد که بالاتر می‌رود که انسان مسلمان می‌شود باید تابعش باشیم.

□ آقای دکتر آیت‌الهی: تشکر می‌کنیم از اظهار نظر آقای دکتر شریف آزاده. موضوع بعدی ما گزارش فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد است که قرار شد استفاده کنیم از جناب آقای دکتر میرمعزی.

□ آقای دکتر میرمعزی: بسم الله الرحمن الرحيم. من چون از قبل به من نفرموده بودند که چنین صحبتی بکنم ممکن است مباحثی که تحویل می‌دهم زیاد دسته‌بندی شده و علمی به نحوی که سزاوار این جمع است نباشد. به هر حال برای اینکه باب این بحث‌ها باز شود شروع می‌کنم وقتی کلمه فلسفه را به کار می‌بریم دو بحث از ویژگی‌های لاینفک که از فلسفه است یکی روش عقلی و دیگری موضوعات کلی است فلسفه راجع به جزئیات بحث نمی‌کند. کلیات را بحث می‌کند به روش عقلی. وقتی فلسفه مضاف به علم می‌شود فلسفه‌های مضاف را به دو دسته تقسیم می‌کنند فلسفه‌های مضاف به علوم و امور. فلسفه‌های مضاف به علوم که منظور از فلسفه اقتصاد هم فلسفه علم اقتصاد است در تعریفی که کرده‌اند دو نوع برداشت از این کلمه بوده است یک برداشت این بوده که هرچیزی که جزو مسائل علم نیست ولی برای مسائل علم نیازمند بحث از آنهاست به صورت کلی. یعنی پیش‌علمی است در واقع این را به عنوان فلسفه علم مطرح کرده‌اند حال اعم از مباحثی مثل تعریف خود علم تا مباحثی مثل روش و مبانی و اصول ارزشی و ... که اینها را داخل فلسفه بحث کرده‌اند. تلقی دیگر که تقریباً همین است ولی مقداری توسعه یافته‌تر است مسائلی را فلسفه علم با نگاه دانش درجه دو به علم اقتصاد به عنوان دانش درجه یک نگاه می‌کند و چند محور را راجع به این مطالعه می‌کند از قبیل ماهیت و اهدا و وظایف و روش و مبانی و قلمرو و جایگاه این علم در بین علوم دیگر چیست؟ فرض کنید رابطه علم اقتصاد

با علم سیاست. رابطه علم اقتصاد با علم تربیت. اینگونه بحث‌ها را داخل فلسفه علم درس پس می‌دهم و می‌خواهم وارد بحث شوم. می‌گویند وقتی که اقتصاد کلاسیک در مرحله تولد بود می‌گفتند روش این علم عقلی است وقتی متولد شد و از آن مدتی گذشت گفتند روش علم تاریخی است. روش فلسفه علم یعنی شما وقتی می‌توانید از فلسفه علمی صحبت کنید که آن علم قبل از این حادث شده است. تطوراتی داشته، تحولاتی داشته و به نقطای رسیده است. حال فلسفه علم می‌آید این موجود متولد می‌شود که چندسالی از عمرش گذشته را مطالعه می‌کند. یک مطالعه اثباتی است در رابطه با موجود پیشین. این تغییر موضع تغییر بوده از وضعیتی که در حالی که زمانی که می‌خواستند این را متولد کنند بحث فلسفه علم را که علم چه باید باشد بحث می‌کردند نه اینکه علم چیست و علم موجود چه باید باشد حال ما در مرحله دانش اسلامی هستیم برای علوم اگر به نگاه پوزیتیویستی نگاه کنیم یک وظیفه را برای علم بیشتر طرح نمی‌کنند و آن هم تحلیل وضعیت موجود است که اثباتی نگاه می‌کند. اما بخش هنجاری قضیه را می‌گویند کار علم نیست اما این نگاه تقریباً نگاهی است که امروزه ابطال شده و برای علم سه وظیفه مهم را نام می‌برند. یکی بحث تبیین یا تفسیر وضعیت مطلوب است. تبیین وضعیت موجود است و راهبردهای تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب یعنی یک دانش سه وظیفه دارد. برای اینکه در اینجا بحث بر سر این است که مبانی کجا ارزش‌ها و ارزش‌ها و بینش‌ها در این سه وظیفه کجا ارایه می‌شوند یعنی در ترسیم وضعیت مطلوب بینش‌ها و ارزش‌ها دخیل هستند هیچ شکی نیست و این محل توافق است. اما آیا تحلیل وضعیت موجود مبتنی بر بینش‌ها و ارزش‌ها هست یا نیست که در اینجا ما بحثمان با جناب دکتر و ... را همه قبول دارند که مبتنی است. دوستان هم قبول دارند. تحلیل وضعیت موجود هم مبتنی بر بینش‌ها و ارزش‌هاست اما آیا بینش‌ها و ارزش‌های ما که تباین رابطه تولید دو علم منفک و متباین بکند یا این بینش‌ها و ارزش‌ها رابطه تکاملی دارند و تولید دو علم متکامل را بکنند. این بحث هست که من نمی‌خواهم وارد آن شوم ولی در اینکه ترسیم وضعیت مطلوب بر بینش‌ها و ارزش‌ها هست و ارائه راهبردها در این شکی نیست و حداقل برای ما شکی وجود ندارد به دنبال اقتصاد اسلامی دنبال دانشی هستیم که بر اساس

مبانی بینشی و ارزشی اسلام وضعیت مطلوب را بر اساس آن تبیین کند. وضعیت موجود را تحلیل کند و راهبردهای تغییر را پیشنهاد بدهد. ما دنبال چنین دانشی هستیم.

الآن در ادبایات اقتصاد اسلامی این سه بحث تحت سه عنوان در حال تثبیت شدن است. وضعیت مطلوب را تحت عنوان نظام اقتصادی اسلام بحث می‌کنند. نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از رفتارها در حوزه تولید و توزیع و مصرف است که مبتنی بر مبانی بینشی است که بر اساس ارزش‌ها به سمت اهداف سامان پیدا کرده‌اند. این وضعیت مطلوب است و وضعیت آرمانی است البته وضعیت مطلوب را ما باید تعریف کنیم می‌تواند جامعه امام زمان باشد و می‌تواند جامعه بینابین باشد بستگی دارد تعریف ما از این جامعه چیست. این را تحت عنوان نظام اقتصادی اسلام بحث می‌کنند. تحلیل وضعیت موجود بر اساس بینش اسلام از اسلام، خدا، جامعه و جهان و مبانی معرفت‌شناختی. این تحلیل علم است. نه جامعه اسلامی را می‌گوییم بلکه جامعه آمریکا. اگر خواستیم اقتصادشان را تحلیل کنیم ما از انسان تصویری داریم و انسان آمریکایی را هم انسان می‌بینیم و از جهان هم تصویری داریم و حتی در جامعه آمریکا هم معتقد به انحصار علل و معلول در ماده‌ها نیستیم و یکی از منابع شناخت را وحی می‌دانیم و منحصر در تجربه نیستیم بنابراین در جایی که به تحلیل وضعیت موجود می‌پردازیم برای تحلیل علم اقتصاد اسلامی به تحلیل وضعیت موجود بر اساس بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی می‌پردازد. و راهبردها تحت عنوان توسعه اسلامی الان در این ادبیات دارد طرح می‌شود. همانطور که فرمودند من برای اینکه این بحث مقداری از این دسته‌بندی‌ها و تعاریف برای یک نمونه وارد متن بشویم من معمولاً این مثال را می‌زنم. فقر یک مشکل اجتماعی است و یک مشکل اقتصادی است. یکی از وظایف اقتصاد این است که فقر را از جهان ریشه‌کن کند. برای اینکه این کار را بکنیم باید فقر را علت‌یابی کنیم که علت چیست؟ به نگاه در فضای نظام علت و معلول مادی. می‌خواهیم علل مادی فقر را پیدا کنیم. در اینجا کسانی که چنین نگاهی داشتند یعنی دانش اقتصاد امروز را داشتند علل مادی فقر را شمرده‌اند. شما دیگر در اینجا استاد من هستید و من اینجا را باز نمی‌کنم ولی فقر یک علل غیر مادی دارد ما در قرآن کریم دو آیه داریم یک آیه فقر را به صورت خرد در زندگی فرد بیان می‌کند و یک آیه در حقیقت بحث فقر و ثروت را در جامعه بیان می‌کند. یک آیه این است که

من يتق الله يجعل له مخرجاً و يرزقه من حيث لا يحتسب. یعنی اگر کسی تقوا داشته باشد خداوند از مشکلات برای او راه خروج ایجاد می‌کند و روزی‌اش را من حيث لا يحتسب می‌رساند. این یک آیه است و آیه دیگری می‌گوید: «ولو ان الاهل القرى آمنوا واتقوا و لفتحنا برکات من السماء والارض». رابطه بین تقوا در فرد و تقوا در جامعه و ریزش برکات و رابطه گناه در زندگی فرد و حاکمیت یا شیوع گناه در جامعه رابطه این دو با فقر. این در آیات و روایات ما پر است. وقتی کسی پیش علمای ما می‌رفت و می‌گفت فقیر هستم می‌گفتند بین چه گناهی کرده‌ای؟ من وقتی همیشه به اینجا می‌رسم داستانی نقل می‌کنم بهترین مورد هست برای مواردی که عرض کردم. رجبعلی خیاط یکی از عرفا بوده که راجع به آن می‌گویند که عرفا تحلیل امور نمی‌کردند و بر اساس سنت‌های الهی یعنی بخشی از قوانین که به وسیله وحی به ما رسیده است. می‌گویند در کتابی که از ایشان هست نوشته بود که انسانی چلوکبابی در بازار داشته و این چلوکبابی رونق داشته به یکباره روزی‌اش قطع می‌شود هرچه فکر می‌کند که چه شد علت آن را پیدا نمی‌کند. عده‌ای که او را می‌شناختند گفتند برو پیش رجبعلی خیاط مشکلت را بگو. ایشان رفتند و رجبعلی خیاط گفتند برو بین چه گناهی کرده‌ای که خدا روزی شما را کم کرده است. ایشان بررسی کردند و دریافتند که یک فقیری روزی به مغازه آمد و گفت پول ندارم و گرسنه هستم به من غذا بده و او گفته برو خدا روزی‌ات را جای دیگر بدهد و به خاطر همین مطلب روزی‌اش قطع شده است حال این مسأله داستان نیست بلکه بحث دارد که او می‌رود و طرف را پیدا می‌کند و او را راضی می‌کند و روزی‌اش راه می‌افتد این بر اساس مبانی بینشی از هستی و نقش خداوند در جهان هستی و از قوانینی که خداوند حاکم کرده بر جهان هستی که اعم از طبیعت و جامعه انسانی است اینها ابعاد است که در اقتصاد غرب دیده نشده است راجع به انسان و نقش خداوند در جهان هم همین طور. ما می‌گوییم خداوند قیوم است یکی از مبانی بینشی غرب و نه سرمایه‌داری و کلاً مکاتبی که در دنیا وجود دارد چه کمونیستی و چه مختلط و انواع این نظام‌های مختلط، زیربنایشان این است که خداوند در این جهان طبیعت دخالت نمی‌کند حال یا منکر خدا هستند مثل مارکس یا لادری هستند مثل هگل، یا دئیسم هستند و اصل خداوند را در حدوث می‌پذیرند ولی در بقا می‌گویند خدا لاهوتی است و ... ما می‌گوییم خداوند قیوم است. این قیوم است چگونه ظاهر

می‌شود و تفاوت ما با اینها در چنین اصل اساسی چیست؟ این مشخصاً عرض می‌کنم که در فلسفه این بحث‌ها تفاوت ایجاد می‌کند در تحلیل وضعیت موجود مانند تحلیل فقر. اگر شما با نگاه اسلامی نگاه کنید ممکن است یکی از دلایل فقر را حاکمیت گناه در جامعه ببینید و یکی از راه‌های فقر عدم تدبیر است ممکن است در تحلیل علمی و ارائه راهبرد برای حل مسائل کشور باید با این نگاه ببینیم. یکی از مسائل مهم مبانی معرفت‌شناختی در تحلیل وضعیت موجود است که این مبانی معرفت‌شناختی ما کاملاً با آنها متفاوت است. ما می‌گوییم تجربه را قبول داریم و آنها هم تجربه را قبول دارند پس ما می‌توانیم از روش‌های آنها استفاده کنیم ولی متوجه این نکته نیستیم که آنها می‌گویند تجربه منحصرراً راه شناخت است و تمام کاخ علم را بر اساس این چیده‌اند. ولی ما این بحث را نه تنها از بحث تجربه به عقل بلکه از عقل به وحی آوردیم و این تفاوت اساسی را شما نمی‌توانید به عنوان تنها راه شناخت به کار ببرید یعنی اینکه بقیه قوانین علم نیست و ما نمی‌پذیریم و آنها را رد می‌کنیم ولی اگر تجربه را به عنوان یکی از راه‌های ضعیف (چراغ موشی در شناخت حقیقت) در کنار عقل و وحی آن هم تجربه جایگاه خاصی در معرفت‌شناسی اسلامی دارد و موارد خاصی را می‌شود با تجربه شناخت. در کنار وحی این تفاوت بسیار اساسی است که در روش علم ایجاد تباین می‌کند. ما بر اساس وحی نظام سنت‌های الهی داریم. نظام سنت‌های الهی چیزی که جناب دکتر فرمودند علل و معلول طبیعی در عالم ماده را هم علل تکوینی را خداوند بنا نهاده است و به این لحاظ سنت الهی هستند ولی آنچه که در ادبیات روایی و قرآنی ما سنت الهی گفته می‌شود مربوط به قوانین حاکم بر جوامع انسانی است یعنی قوانینی که خداوند برای قوانین علمی مثل همین مواردی که من خواندم ولو ان اهل القرى آمنوا لفتحنا این یک قانون علمی است ولی شما می‌گویید این باید با تجربه اثبات شود ما این را قبول نداریم می‌گوییم این با وحی اثبات شده است. عرض من این است که ما تحلیل را بر اساس اینها می‌کنیم سنت‌های الهی قانون علمی است در رابطه با جوامع. البته می‌گوییم این تعریف خاصی است که اگر به عنوان علت آ و ب به صورت تکوینی بخواهید به نوعی قانونی است که خداوند در جهان حاکم کرده است ولی اصطلاح سنت الهی را در ادبیات قرآنی و روایی اینجا دیدیم. این سنت‌ها قوانین علمی هستند و حاکم بر جوامع. (استنباط از وحی، آیات و روایات)

دو بحث وجود دارد یکی اینکه این قانون علمی را که اگر به زندگی جوامع موجود برود از کجا به دست آورده‌ایم؟ ما می‌گوییم وحی. خداوند اعلام کرده و گفته من این قوانین را در جوامع شما حاکم کرده‌ام و ما از طریق وحی این را کشف کرده‌ایم ولی اگر با معرفت‌شناختی تجربی وارد قضیه شویم می‌گوییم تا وحی تجربه نشود و اثبات نشود قابل قبول نیست. پس این هیچ ولی اگر بر اساس مبانی معرفت‌شناختی خودمان یعنی وحی را یکی از مبانی معرفت قرار دادیم وحی یکی از قوانین علمی در جامعه را بیان کرده و ما استنباط کردیم بالعدل تتضاعف البرکات. اگر عدل در جامعه حاکم شود برکت افزایش پیدا می‌کند. این یک قانون علمی است که امیرالمؤمنین فرموده است. اذا ظهرت الجنایات ارتفع البرکات که این هم یک قانون علمی است.

ما نظام سنت‌های الهی داریم یعنی مجموعه منظم و سامان‌مند و تامی از سنت‌های الهی حاکم بر زندگی افراد جامعه که اگر کسی این نظام سنتی را مسلط شود یک علمی به عنوان علم تحلیل حوادث پدیده‌ها در جوامع را بر اساس سنت‌های الهی بتوانیم اختراع و ایجاد کنیم و این جایی است که تأسیس علم انسانی بر اساس مبانی انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی خودمان است.



□ دکتر آیت‌اللهی: وقتی که فلسفه اقتصاد اسلامی را می‌گوییم مقایسه‌ای می‌توانیم با فلسفه غرب بکنیم حال بحثی را من دوشنبه شب‌ها در شبکه قرآن دارم ارائه می‌کنم که کتابی را قبلاً تدوین کرده‌ام و خدمت بعضی از دوستان تقدیم کرده‌ام. کتابی است تحت عنوان کلیات اقتصاد اسلامی این حاصل سخنرانی‌هایی است که در نماز جمعه تهران داشته‌ام و بعداً آن را مدون کرده‌ام و این را در بحث تلویزیونی باز کرده‌ام. اولش مبانی فلسفی، کلامی، شناخت‌شناسی و انسان‌شناسی اقتصاد است (چهار محور) مبانی فلسفی را با مبانی فلسفی اقتصاد غرب مطالعه و مقایسه کرده‌ایم مسأله اختیار انسان هست. مسائل مربوط به این که جهان چه تفسیری دارد؟ تفسیری که از جهان هست، تفسیری که از اهداف آفرینش انسان هست. مبانی کلامی یکی از بحث‌هایی که مطرح کردیم تئیسیم و دئیسیم است به این معنی که خداوند نقش دارد یا ندارد در مدیریت زندگی انسان‌ها. مبانی انسان‌شناسی این است که آیا انسان آفریده شده و رها شده است و یا اینکه این انسان آفریده شده و مدیریت می‌شود. اهداف دارد و خداوند این انسان را مدیریت می‌کند. این که نظام تشریح از اینجا به وجود بیاید و در اندیشه غرب انسان است که برای خودش ترسیم می‌کند که کجا برود و چگونه برود. در همین مباحث کلامی نقش وحی را در ساماندهی زندگی انسان اشاره می‌کنیم و در مبانی معرفت‌شناسی اشاره فرمودند به تفاوت شناخت‌ها که

شناخت غرب حسی تجربی است و اسلام شناختش عقلی، حسی تجربی و وحی و شهود است. یکی از نکاتی که در اینجا اشاره‌ای به آن شد می‌خواهم به آن پردازم این است که مجموعه‌ای از ابزارهای شناخت را انسان دارد و در اندیشه معرفت‌شناسی غرب و همان‌ها را با تفاوت‌هایی اسلام پذیرفته است. و ابزارهای شناختی دارد که وحی یکی از آنهاست.

یکی از نکاتی که در آنجا وجود دارد این است که با استفاده از آیات قرآن آدم به این نتیجه می‌رسد که خداوند دو دستگاه و نظام در هستی دارد. یک دستگاه عالم مشهود است و یک دستگاه هم عالم غیب است. الذین یؤمنون بالغیب این یعنی ایمان به غیب و ساختار دیگری که خداوند آن ساختار را برای ما عرضه نکرده است و تعبیر علمی درست نیست تعبیر علی هست ولی علمی نیست قابل فهم ما انسان‌ها نیست خود رابطه را نمی‌توانیم استنباط و استخراج کنیم و باید آن را به ما بدهند. و آیه‌ای را که اشاره کردید «ولو ان الاهل القرى امنوا واتقوا و فتحنا علیهم برکات من السماء والارض» چند جا در قرآن شبیه به این آمده و رابطه را بیان می‌کند اینکه علم موضوعش مطالعه رابطه‌هاست. این رابطه‌ها نیست که این رابطه‌ها غیر مشاهده است «ولو کثر الزنا کثر الموت فجعه». اگر زنا زیاد شود مرگ مفاجات زیاد می‌شود. اگر زنا در جامعه‌ای زیاد شود سخته در آن جامعه زیاد می‌شود این به آن معنا نیست که که زانی مبتلا به سخته می‌شود اتفاقاً دیگران مبتلا به سخته می‌شوند. این یک رابطه است این را می‌شود مطالعه کرد جوامعی که در آن مقدار زنا بیشتر است سخته بیشتر است. اما خود کشف اینکه این رابطه چگونه است مربوط به ما نیست و مربوط به عالم غیب است که خداوند می‌داند خداوند دستش را به آنچه ما می‌فهمیم نبسته است. عالمی است که برای ما بازگذاشته است و تمام خلقت راز و رمز است و آن راز و رمز بخشی از آن قابل فهم است. راز و رمزی که در عالم مشهود است روابط علی که می‌گوید آب صد درجه جوش می‌آید و تبدیل به بخار می‌شود این راز و رمز را در فیزیک درک می‌کنیم. و قابل تجربه است.

روایتی می‌خوانم: ما ضاء مال فی بر ولا بحر الا بتضییع الزکات. هیچ مالی در دریا و خشکی ضایع نشده مگر اینکه زکاتش داده نشده باشد. حتی اگر پرنده‌ای تسبیح خودش را قطع کند سقوط خواهد کرد. این در روایت

آمده است. ما چگونه می‌توانیم بفهمیم مالی که زکاتش داده نشده، ضایع شده است. می‌شود طرف را به دست آورد که فلانی زکات داده مالش از بین نرفته و فلانی زکات نداده، مالش از بین رفته است. این را می‌شود کشف کرد.

اگر این رابطه را وحی نمی‌گفت خود ما نمی‌توانستیم به این رابطه برسیم بنابراین جزو مطالعات اجتماعی اقتصادی غربی‌ها چنین چیزی نیست که فلان جا فلان اقدام معنوی شد و فلان اثر معنوی را گذاشت و چنین روابطی را خداوند درست کرده است. یهودیان گفتند دست خدا بسته است. خداوند نفرین کرد و گفت دستان خودشان بسته باد. خداوند دستانش باز است و قدرتش را در فهم بشر منحصر نکرده است. بشر رابطه را نمی‌فهمد مگر اینکه خدا از طریق وحی به ما رسانده باشد. ایمان به وجود این رابطه چه تأثیری در رفتارهای ما می‌گذارد. ایمان به این رابطه چه تأثیری در اقتصاد ما می‌گذارد و نکته‌ای که آقای دکتر میرمعزی می‌خواهند بفرمایند این نکته است. سی سال است غربی‌ها دنبال این هستند که راهی پیدا کنند به ما ضربه بزنند و هر ضربه‌ای که می‌خواهند بزنند به خودشان بر می‌گردد. آیا این غیر از این است که و مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین. بیاییم ببینیم خودمان به این رابطه می‌رسیم اصلاً به این رابطه نخواهیم رسید. این نکاتی است که باید به آن عنایت کرد. درست است که اقتصادی نیست ولی اثرش در اقتصاد ظاهر می‌شود اگر جامعه ما مؤمن به این مسائل باشد رفتار اقتصادی به گونه‌ای شکل می‌گیرد که اگر مؤمن به آن شکل شکل نخواهد گرفت. من می‌خواستم فرمایشات جناب آقای دکتر میرمعزی را از زاویه‌ای دیگر کمی تکمیل کنم و این رابطه می‌تواند مورد مطالعات تجربی هم قرار بگیرد.

..... حالا ایشان می‌فرمایند عالم غیب من می‌گویم عالم ملکوت و عالم ملک داریم و ما این را سر کلاس بحث می‌کنیم حال اینها قوانین دارد که می‌شود اینها را کشف کرد. عالم ملک را به واسطه عقل می‌شود کشف کرد و قوانین قوانین الهی است به نظر من عالم ملک در یک عالم بزرگتر است و این را جدا نمی‌بینیم که هرکدام قانون جدا دارد بلکه برعکس همین قانون که من کشف می‌کنم حضور خدا را در آن می‌بینم به همین دلیل می‌بینم که آنچه تجربه غرب است محترم است ولو اینکه به درد ما نخورد. ایشان منحصر

کردند به جوامع و چون رشته ما اقتصاد است رفتار انسانی وجود دارد و سنت الهی شامل همه قوانین می‌شود، همه مخلوق خدا هستند بهتر است نگوئیم طبیعت، بگوئیم خلقت که مخلوق خداست به این خاطر نمی‌توانیم تجربه غرب را ناچیز بدانیم. ارزش‌هایی داریم که ممکن است رفتارهای خاصی به ما بدهد و قوانین جدیدی کشف شود و یکسری راه را به ما نشان دهد و صحبتشان خوب بود که وحی حیطة را مشخص کرده که کجا می‌تواند بدهد یا در مورد شهود من چند شب پیش تصادفی کتاب شهید مطهری را در مورد شناخت می‌خواندم که هیچ‌کجا گفته نشده است در قرآن می‌گوید اگر شما خودتان را بشناسید خدا را می‌شناسید و این نکته مهمی است از نظر معرفت‌شناسی ولی گفته نشده اگر پزشکی یاد گرفتید باید خدا را بشناسید و یا بروید تزکیه نفس یاد بگیرید. من با تزکیه نفس هیچ وقت امکان ندارم رانندگی یاد بگیرم اگر شما مروی سراغ دارید نشان بدهید، هر کدام اینها راه و حیطة خودش را دارد.

..... شما قبول دارید که انسان روح و بدن دارد؟

بله

..... قبول دارید که این دو در هم تأثیر می‌گذارد؟

بله

..... آیا علم پزشکی با ابزارهای امروز می‌تواند تأثیر لقمه حرام را در روح انسان ببیند. لقمه حرام را شما ممکن است با اصطلاحات جامعه‌شناسی تعبیر کنید لقمه حرام یعنی لقمه‌ای که خداوند فرموده که نخورید منظور من ناهنجاری اجتماعی نیست. اگر خوردید در روح و در بدن تأثیر می‌گذارد. آیا علم پزشکی می‌تواند تشخیص بدهد از طرفی انسان متقی اگر تقوا داشته باشید در روایات داریم که تقوا موجب صحت بدن است بعضی‌ها این روایات را مادی معنا می‌کنند می‌گویند کسی که تقوا دارد فلان چیزها را نمی‌خورد بنابراین بدنش صحیح است. من این را نفی نمی‌کنم. هر مسأله‌ای را اگر قبول کردید مانند طبیعت بدن من یا رفتارهای اجتماعی من در رفتارهای اجتماعی مسئله را پیچیده تر می‌بینم و علم را عاجزتر. در بحث‌های طبیعی علم

قادرتر است در تشخیص علل و معلول مادی. حتی در آن مسائل طبیعی هم تأثیر علل مجرد در حوادث و پدیده‌های طبیعی.

زمانی شما می‌گویید علت و معلول مجرد یک داستان است و علت و معلول مادی هم یک داستان است این دو هم از همدیگر منفک هستند. زمانی می‌گویید هر معلول مادی در عالم خارج می‌تواند علت مادی داشته باشد و می‌تواند علت مجرد داشته باشد. فرض کنید صحت بدن، این چند علت دارد. داریم که خواندن «قرآن دواء من کل داء» است. یا و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمت للعالمین. من اصلاً می‌گویم قرآن درمانی. عرض من این است که دو تا نظام علت و معلول مادی و مجرد در هم تنیده که اگر بخواهید تحلیل واقعیت خارجی را بکنید تا هر دو نظام را شناسایی نکنید نمی‌توانید تحلیل کنید نه اینکه اگر نظام علی معلولی مادی را شناختید درست است تحلیل می‌کنید بلکه این دو اگر منفک بودند و اگر اینگونه بود که علت و معلول مجرد در یک وقایع و علت و معلول مادی هم در واقعه دیگر. شما می‌گفتید من با ابزار مادی این بخش از وقایع را که می‌توانم بفهمم اما اگر علت و معلول در هم تنیده شد به صورت مجرد و مادی با استفاده از ابزار تجربی برای تشخیص و تبیین واقعیت موجود غلط است. به لحاظ اینکه انحصار در تحلیل وضعیت موجود بر اساس ابزار مادی غلط است. جایگاه این را پیدا کردن، ارتباط این را پیدا کردن.....

□ دکتر آیت‌اللهی: ساعت پنج پایان جلسه امروز ماست و آخر جلسه بنا داشتیم از مهمانان محترم تقاضا کنیم کیفیت مشارکت و حضور خودشان را در آن کنگره برای ما بیان کنند حال منجر به تهیه مقاله، منجر به تهیه سرفصل و یا منجر به تهیه یا بیان یک روش شود این چیزی بود که ما می‌خواستیم آخر این جلسه داشته باشیم.

□ دکتر معصوم‌نیا: ایشان فرمودند مسأله نفی دستاوردهای علم بشری. من در این زمینه می‌خواهم عرض کنم یک زمانی ما حوادث طبیعی را بررسی می‌کنیم خود من مثلاً می‌گویم من به حیوانات علاقه دارم چون نقششان را طبیعی بازی می‌کنند. ولی من هرگز فیلم اینها را دوست ندارم چون اینها ادا در می‌آورند یک زمانی ما به طبیعت می‌رویم یا مسائل شیمیایی را مطالعه می‌کنیم، ولی زمانی می‌آییم انسانی را تعریف می‌کنیم و ارزش‌های

انسان را تعریف می‌کنیم و به انسان توصیه ارزشی می‌کنیم که اینگونه رفتار کن بعد رفتارش را مطالعه می‌کنیم. این خیلی متفاوت است.

□ دکتر آیت‌اللهی: من عذرخواهی می‌کنم از آقای دکتر مکین که بحثشان در فهرست بحث امروز بود ولی زمان نداریم و فردا ان‌شاءالله از مباحث شما استفاده خواهیم کرد. با توجه به مباحثی که داشتیم و عرض خسته نباشید از دوستان می‌خواهم بفرمایند که چگونه می‌توانند در بحث کنگره کمک کنند. کنگره ۵ اسفند است و تقریباً سه ماه فرصت داریم. در راستای موضوعاتی که بحث کردیم و سئوالاتی که داشتیم چگونه می‌توانیم از محضرتان استفاده کنیم.

□ آقای دکتر مکین: بسم الله الرحمن الرحيم. من به طور معمول هر ترم یک واحد درسی در زمینه اقتصاد پولی یا بانکداری داخلی و زمینه پولی دارم. معمولاً هر دو سه ترم کتاب‌هایی را که تدریس می‌کنم در این زمینه تغییر می‌دهم چون هم برای خودم و هم دانشجویان متنوع است و تقریباً همه نوع کتاب را در زمینه پول و بانک مطالعه کرده‌ام. کمیت کتاب‌ها بد نیست ولی کیفیت آنها مسائلی است که خدمت شما خواهم گفت به طور مثال در ابتدا که من برای دوره دکترا رفته بودم در دانشگاه خدمت آقای دکتر زرگرنژاد بودم. دانشگاه ما کورس داشت و ریسرچ خالی نبود دکتري تنها نبود و دوره دکتري یک سال کورس داشت هم اقتصادسنجی و هم پول و بانک باید می‌گذرانیدیم سر کلاس اقتصادسنجی مباحثی در زمینه اقتصادسنجی زمانی گفته می‌شود که حتی به گوش ما هم نخورده بود فاصله‌ها زیاد بود بعد از انقلاب هم کتاب‌های جدید ترجمه نشده بود و ما مجبور بودیم که از اول مباحث جدیدی که در مسائل سنجی جدید مطرح می‌شود را بخوانیم الان هم که پول و بانک درس می‌دهم بیشتر سنجی درس می‌دهم و بیشتر از دو درس هم در طول تدریس ندارم یا سنجی است یا

پول و بانک است. در مورد اقتصاد سنجی تقریباً کتاب‌هایی که منتشر شده با کتاب‌های روز دنیا فاصله را پر کرده است و تقریباً همه مسائلی که در کتاب‌های روز دنیا مطرح می‌شود در کتاب‌های اقتصادسنجی هم که جدیداً در ایران منتشر شده است که آقای دکتر ابریشمی در دانشگاه امام صادق منتشر کرده‌اند این مباحث جدید که در مقاله‌های بروز دنیا مطرح می‌شود در کتاب‌های ایران هم هست ولی در پول و بانک برعکس است. یعنی این فاصله اصلاً پر نشده است و مباحث جدیدی که در زمینه پولی و بانکی به مسائل مختلفی که در زمینه‌های اقتصاد پولی در بانک‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری و مؤسسات بیمه است در کتاب‌های قدیمی و جدید هم عنوان نشده است. من مقدمه‌ای که باید می‌نوشتیم، نوشتم که بانک جهانی که گزارشی برای پیشرفت علمی کشورها منتشر می‌کند یکی از چهارتا موجودی که وجود دارد یکی کمیت و کیفیت آموزش عالی است کمیت در بحث پول و بانک بد نیست. نوع اساتید وقتی کتاب می‌نویسند پول و بانک هم می‌نویسند ولی کیفیت این کتاب‌ها نه اینکه ادعای من باشد که بگویم اگر من بنویسم بهتر است در هر صورت در مورد یک نقاشی می‌توانم بگویم خوب است یا بد ولی نقاش خوبی نمی‌توانم باشم ولی این مباحث جدید در کتاب‌ها مطرح نشده است کمیت خوب است ولی کیفیت خوب نیست. از کتاب‌های پول و بانک نگران کننده‌تر مربوط به کتاب سیاست پولی و مالی است ما در این زمینه اصلاً کتاب نداریم اخیراً کتابی انتشارات نور علم منتشر کرده که سیاست پولی و مالی بحث‌های کلان است چه برسد به اینکه ما بخواهیم سیاست پولی و مالی را از دید اسلام ببینیم یا از سیاست بومی‌سازی یا اینکه به محیط اقتصاد ایران بخورد می‌بینیم که سیاست پولی مناسب از دیدگاه اسلام چیست و سیاست مالی مناسب که ما مطلب زیاد داریم و حتی اشاره‌ای هم نشده است. در این زمینه «سیاست پولی و مالی» یک کتاب هست که عمدتاً حوزه اقتصاد کلان است. در پول و بانکداری از همه نگران کننده‌تر کسانی هستند که این کتاب را به کار می‌برند مثل مدیران بانک‌ها من ترم قبل بانکداری داخلی درس می‌دادم برای مدیران بانک یزد که دانشگاه آزاد آن را برگزار کرد. مدیران بانک حدود چهل نفر بودند که در حد صفر بودند چه در زمینه بانکداری اسلامی، چه در زمینه وظایف پول و نقش بانک و چگونگی انتشار پول و ضریب فزاینده صفر بودند. کسانی که می‌خواستند این مباحث را به کار ببرند پول و بانکداری تقریباً

بخش مهمی از اقتصاد کلان است و کسانی که می‌خواستند این را به کار ببرند صفر و شاید زیر صفر هم بودند. چه برسد به اینکه بخواهند در مورد مسائل پولی و مالی و اقتصادی کشور نظر بدهند. چیزی که به نظر می‌رسد در زمینه هر کتاب مخصوصاً کتاب‌های علوم انسانی که نهاد مستمر و پشتیبانی کننده‌ای باشد که پشتیبانی آن مستر باشد که در زمینه کتب علوم انسانی یا اقتصاد و یا هر رشته دیگر این اساتید محترم که انگیزه خوب برای نوشتن کتاب‌های خوب داشته باشند. نوع مسائلی که در کتاب‌های پول و بانک مطرح شده اصولاً از بحث وظایف پول شروع می‌شود و به بحث تقاضای پول می‌رسد تقاضای کلاسیک‌ها و تکنسین‌ها و خیلی اگر پیشرفته باشد چندکتاب از نئوکلاسیک‌ها می‌گویند بعد عرضه پول و ... خیلی هم اگر کتاب اسلامی باشد و از دیدگاه بانکداری اسلامی هم اگر باشد که اسم نمی‌برم تقریباً همه کتاب‌هایی که خوانده‌ام قانون پول و بانکداری رایج در کشور را ضمیمه کرده و عقود را تعریف کرده است. عقود که در زمینه نوین سازی با توجه به مباحث جدیدی که در زمینه پول و بانک تهیه می‌شود در زمینه پول و بانک اولاً اینکه در این زمینه هیچ کتاب فارسی اصلاً به نظریه‌های مربوط به بهره پرداخته است. اصلاً چه شد که بهره به وجود آمد؟ در هیچ کتابی من نظریه توجیهی بهره که در انقلاب فرانسه رخ داد که جمع می‌کنیم بهره اشکالی ندارد که این بهره در هیچ دین و تمدنی در گذشته نبوده و بعد از انقلاب فرانسه به خاطر اینکه اقتصاد را توجیه کنند این روش اقتصاد کلاسیک را برای توجیه بهره نظریه‌های مربوط به بهره که چه چیزی باعث شد که به بهره پرداخته شود ارایه نشد. در هیچ کدام از این کتاب‌ها که مباحثی که مربوط به پول و بانک جدید است مباحث مربوط به ریسک، مباحث مربوط به مخاطرات بانکی و مباحث مربوط به آسیمتریک فورمیشن یا اطلاعات متعدد که مختص علوم بانکی است. شاید بیشتر کاربرد آن در علوم بانکی است اینها در هیچ کتابی به صورت ساده و تعریف هم دانشجویان ما حتی گوششان هم به این مسائل جدید نخورده است. مسائل ریسک، مسائل مربوط به ابزار مشتقه است که این نوع کتاب‌ها نیست و نوع کتاب‌های ابزار نیست. یک ابزار مشتقه، اوراق اختیاری معامله در پژوهشکده پولی و بانکی منتشر شده که انصافاً کتاب خوبی است ولی در کتاب‌های پول و بانک که دانشجویان می‌خوانند اصلاً وجود ندارد این به عنوان کتاب کمک درسی خوبی است که استاد می‌تواند معرفی

کند. در کتاب‌های پول و بانک بانک یک سرش داخل است و یک سر دیگرش خارج است و چگونگی رفتار با دنیای خارج و چگونگی تعاملات پولی با خارج اشاره‌ای به مسائل پول و بانک که اخیراً در کتاب‌های جدید و رایج وجود دارد بحث نشده است. آنهایی که در انتهای کتاب بحث بانکداری اسلامی را مطرح می‌کنند مقدمه‌ای از بانکداری اسلامی می‌گویند که از کجا شروع شد از مصر شروع شد، چند کشور مسلمان دارد و ما هم داریم، به هر حال هیچ نظریه مبنایی که ما چه چیزهایی بهره می‌گذاریم وجود ندارد و یک کتاب آقای موسویان هست تحت عنوان بانکداری اسلامی جداست که کتاب دانشگاهی نیست، می‌شود آن را به عنوان کتاب به دانشجویان معرفی کرد ولی کتاب دانشجویی که کل پول و بانک را پوشش دهد مثل کتاب بانکداری اسلامی نیست که تخصصی است و مخصوص متخصصین این رشته است اینها مسائلی است که مربوط به پول و بانک در کشور هست که چگونه می‌شود مسئولین پولی و بانکی را تشویق کنند که ابزارهای تشویق کننده بگذارند که بشود کتابی استاندارد که حداقل استانداردها را در زمینه پولی و مالی که هم با محیط اقتصاد ایران سازگار باشد و هم نسبتاً آمارهایش به روز باشد و بخش تحلیلی، علمی، بخش حسابی که به درد حوزه دانشگاهی بخورد داشته باشد چون اگر پول و بانک را صرفاً تدریس کنید و دانشجو نتواند حداقل تحلیل کند و نتواند نظریه مقداری پول را در اقتصاد ایران بفهمد که حجم پول اگر زیاد شد چه می‌شود یا اگر سرعت گردش پول زیاد شد چه می‌شود یا اگر نقدینگی زیاد شد چه می‌شود اگر این موارد ابتدایی روش تحلیل در این کتاب‌ها نباشد و این مسائل اقتصادی ایران را بازگو نکند کارشناسی که از این رشته بیرون می‌آید حداقل استاندارد لازم را ندارد. یکی دیگر این که در زمینه اسلامی در سمینارهای پول و بانک که من شرکت می‌کنم می‌بینم که بعضی از مسئولین و دوستانی که متولی سیستم بانکی کشور هستند اعتقادی هم ذاتاً به سیستم بانکداری اسلامی ندارند و شاید هم یک کمی از اینجا ناشی بشود، به هر حال خلاصه کنم که در پول و بانک بحث نوین‌سازی و نه اسلامی سازی فاصله با مباحث جدید، یعنی اینکه مثلاً مؤسسات سرمایه‌گذاری اگر در بحرین وارد شوید مرکز پولی خاورمیانه بحرین است، مثل هنگ کنگ که مرکز پولی خاوردور است مرکز اقتصاد بانکی و پولی خاورمیانه هم بحرین است همچنین امارات که انواع بانک‌ها و مؤسسات سرمایه‌گذاری

در آن شعبه دارد و همه کشورهای عربی در آن شعبه دارند گزارش ثانوی IFA هم در بحرین است نوع این ساختمان‌ها مربوط به مؤسسات سرمایه‌گذاری و بانک‌های سرمایه‌گذاری یا مؤسسات تکافل یا کمپانی‌های جدید است. همه اینها مربوط به رشته‌ها و بحث‌های جدیدی است که بانک‌ها وارد قضیه مؤسسات سرمایه‌گذاری شده‌اند فاصله‌ای که در کتاب‌های ایران و بحث‌های اقتصادی پول و بانکداری و ارز به طور خاص داریم خیلی فاصله بزرگی است. تقریباً کتاب‌هایی که حالا منتشر می‌شود با کتاب‌های قبل از انقلاب خیلی تفاوت ندارد. کتاب‌هایی که بعد از انقلاب در زمینه پولی و بانکی می‌خواندیم با کتاب‌هایی که حالا می‌خوانیم می‌شود گفت تقریباً تفاوتی ندارد. در واقع تفاوت معنی‌داری ندارد. اگر دوستان اظهارنظری دارند در خدمتشان هستم.

□ آقای دکتر واعظ: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. این موضوع را به شکلی آقای دکتر مکین هم اشاره فرمودند اما به لحاظ اهمیت من طرح مجدد می‌کنم. کتاب‌هایی که در عرصه پول و بانکداری در کشور ما طی بیست سال اخیر تدوین شده است تقریباً به طور کامل در یک دسته‌بندی کلی در غالب یکی از این دو دسته قرار می‌گیرند. یا اینکه در ذیل پارادایم مسلط پولی تدوین یافته‌اند که این کتاب‌ها توجیه‌گر بهره و نهادهای پولی متداول در اقتصاد بین‌الملل است. مشکل اصلی این کتاب‌ها قدیمی بودن آنهاست. یعنی نویسنده در فضای دهه هفتاد این کتاب را تدوین نموده است. دسته دوم از کتب آنهایی هستند که فصل یا فصولی را به نظریه پولی بدون بهره و بانکداری بدون ربا اختصاص داده‌اند، اما من این کتاب‌ها را سکولار می‌بینم. بدین معنا که اقتصاد پول و بانکداری را در حد مقدمات کتاب و نویسنده به تفصیل توضیح دادم آنگاه یا برای تأمین انتظارات بعضی خوانندگان یا پاسخ‌گویی به ندای وجدان نویسنده یا نویسندگان آن کتاب یکی دو فصل هم به بحث پول و بانکداری اسلامی اختصاص داده‌ام. حداقل آن، چنانچه آقای دکتر فرمودند این است که قانون را ضمیمه کرده‌اند و یک فصل هم در مورد نظریه پولی بدون ربا گفته‌اند و یک فصل هم در رابطه با بانکداری رایج غیر ربوی توضیح داده‌اند در حالی که به طور کلی در علم من فکر می‌کنم علمی الهی است که جایگاه دستورات الهی در متن اندیشه باشد، همانطور که در زندگی فردی نمی‌توانیم فردی را مسلمان متدین بدانیم که

سیصد و شصت و چهار روز هرکاری که توانست بکند و فقط روز عاشورا، توبه، سینه‌زنی و اعمالی از این دست بکند بلکه باید در بطن اعمال وارد شود در کتاب‌های درسی هم همینطور است اعتقاد من این است که اگر نویسنده مسلمانی خواست نظام رایج پول و بانکداری را معرفی کند، خود این معرفی باید با انگیزه دینی باشد. این نوع خطاب‌ها را کتاب‌های سکولار می‌نامم که شاید در مقایسه با نوع اول بهتر باشد اما اصلاً نباید به عنوان یک رده مطلوب یا میزان مطلوب در تدوین کتب پول و بانکداری به حساب بیاید. خوشبختانه عوامل و نواحی فقهی که داریم در تأسیس نهادهای پولی و مالی از ظرفیتی برخوردار است که هر قراردادی را بر اساس این ضوابط می‌توان ارزیابی کرد. لازم نیست که ما فقط یک شکل سنتی و معهود قراردادی را بگیریم و ارزیابی فقهی انجام شده روی آن را مطرح کنیم و بقیه را رها کنیم. بهتر است حاج آقای مصباحی در این مورد اظهار نظر بفرمایند در مورد آیه شریفه قرآن که می‌فرماید: «واحلل الله البيع و حرم الرباء» نه تنها ناظر به محتوای قراردادها باشد، بلکه ناظر بر تفکر انسان‌ها هم باشد که تفکر انسان‌ها باید مبتنی بر این باشد که از زمان انتظار زایش زمان نداشته باشند بلکه از تبدیل‌های واقعی انتظار خلق ارزش اقتصادی داشته باشند، این برداشت خودم است که عرض می‌کنم در هر حال این مشکلی است که ما در دسته دوم از کتب داریم و در نتیجه پیشنهادم این است که اگر کتاب می‌خواهد در مورد پول و بانکداری تدوین شود نیازی نیست به اسلامی به عنوان یک صفت در آخرش آورده شود، محتوای کتاب باید القاکننده اندیشه دینی باشد.

□ - - - - بسم الله الرحمن الرحيم. شاید نکاتی را که جناب آقای دکتر مکیان اشاره فرمودند ابعاد خیلی وسیعی دارد و انشاءالله نارسایی‌هایی را که اشاره کردند در سیاست‌های پولی و یا مسائل مربوط به بانک گنجانده شود که واقعاً زمینه‌های فراوانی وجود دارد. همچنین تأکید برادرمان جناب آقای دکتر واعظ در زمینه اینکه بسیاری از این کتاب‌ها وقتی دیده می‌شود در واقع بطن و نگرش مطالبی که دیده می‌شود جنبه‌های اسلامی را کمتر شاهد است. من می‌خواستم یکی دو مورد را هم اضافه کنم و شاید اگر در آتیه قرار است تحقیقاتی انجام شود در این زمینه‌ها هم بشود. من حالا نمی‌توانم بگویم افرادی که در غرب هستند موحد هستند یا نیستند ولی از فحوای گفته‌هایشان و یا مخالفت‌هایی که با نوشته‌هایشان می‌شود و یا سرنوشتشان که در غرب اتفاق افتاده است

احتمال بسیار قوی می‌دهد که اینها موحد بوده‌اند. من حتی در آمریکا را اگر بررسی کنیم، قوانینی که از سال‌های ۱۹۳۰ به این طرف نوشته شده، اندیشمندانی داریم که نتایجی را که مطرح کرده‌اند و قوانینی را که طرح کرده‌ان و مقداری از اینها در آمریکا به تصویب رسید و بعد از مدتی صد در صد معکوس شد. مثلاً من به خود آقای هنری سیمونس اشاره می‌کنم آخرین کلام ایشان که میلتون فریدمن که یکی از بزرگان مسائل پولی است که یک یا دو سال پیش فوت کردند و رئیس مکتب شیکاگو بودند و از نظر ریاضیات و بقیه مسائل مستعد بودند. منتهی ایشان مقداری روی نحوه رفتار و گونه‌ای که رفتار می‌کرد مقداری سر تعظیم پیش کسی فرود نمی‌آورد. من بر اساس کتابش این نکته را عرض می‌کنم، ولی ایشان چنان در مورد هنری سیمون صحبت می‌کنند چون ایشان استادش بودند حتی می‌گویند اگر ایشان نبودند من معلوم نبود به کدام راه کشیده می‌شدم و ایشان می‌گویند من هرچه یاد گرفتم از ایشان یاد گرفتم و به ایشان تعظیم می‌کند و بعد اشاره می‌کند که چون ایشان دوست دارد که نسبت به کارش انتقاد کنند، حال من اولین انتقاد را می‌کنم که این آقای هنری سیمون ارزش‌هایش را از کجا گرفت، یک مطلب را من می‌گویم آقای هنری سیمونس می‌گویند هیچ قرارداد پولی (پولی که مازادی در آن باشد، یا مابین زمانی باشد) عملاً کسی که به اصطلاح از نظر اثباتی فکر می‌کند و اثباتی عمل می‌کند غیر از موحد بودنش از واژه شولد استفاده می‌کند و و به جایی می‌رسد می‌گوید هرکاری که ما بکنیم امکان‌پذیر نیست و آثار و لطمات بسیار زیادی دارد که این را فریدمن و بقیه پی‌گیری کردند منظور من این است که اگر افکار هنری سیمون در همین کتاب‌ها گفته شود و اثبات شود، نباید هیچ قرارداد پولی (همان چیزی که ما در اسلام ربا می‌گوییم) صورت بگیرد. یا بعد اصل قضیه قاعده شیکاگو برای دانشجویان ما باز نمی‌شود. یا به موازات آن *van hundred persen mony* یا *one hundred persen reserve* *narrow banking* من عربی زیاد نمی‌دانم کتاب شهید صدر یا کتاب‌های دیگر، کتاب‌هایی که من یاد گرفتم از قاعده شیکاگو فراتر است که برای دانشجویان باز نمی‌شود و یا افرادی داریم که مذهبی تلقی می‌شوند مانند خود کسل که کنس از عقاید آن زیاد استفاده کرده است قسمتی از آن را از کسل یا قسمتی از آن را از گزل گرفته است یا عقایدی که از هنری جورج که بسیار مذهبی است گرفته شده است چون مربوط به مذهب

است نیاز است شاخه‌هایی که مسیحی‌ها و یا افرادی که معتقد به دین موسی هستند، اشکالی ندارد که به شکلی در کتاب‌هایی که مربوط به پول و بانکداری و سیاست‌های پولی است آورده شود من عرض می‌کنم که آقای دکتر ترم گذشته تدریس می‌کردند و ما مشاوره‌ای با هم داشتیم کتاب‌های علمی هم روی مسائل ریاضی اثبات همین افکار است. از نظر دقت ریاضی و اثباتی که حالا می‌شود که در مورد پول و کالاهایی که می‌تواند جایگزین پول شود در افق زمانی نباید به این شکل صورت بگیرد. منظور من این است که در این ارتباط به موازات نکاتی که برادر ارجمند ما جناب آقای دکتر مکیان و جناب آقای دکتر واعظ اشاره کردند جای خالی بسیار وجود دارد که این جاها اگر قرار است بومی‌سازی و نوین‌سازی شود، جای این خلاءها را می‌شود پر کرد و پا را روی دوش افرادی که موحد هستند و در ادیان الهی کار کرده‌اند.

□ - - - - بسم الله الرحمن الرحيم. در تأیید و تکمیل، با اجازه جناب آقای دکتر مکیان، مباحث پول و مباحث بانکداری از مواردی است که خیلی برای ایجاد ثروت، توسعه و اشتغال در کشورها از آن استفاده می‌شود. به طور مثال من هر وقت به مسئله پول در اقتصاد کلان می‌رسیدم این داستان را نقل می‌کردم که دانشجویی از یکی از شهرهای ایران که مشهور به باهوش و زیرکی و نکته‌دانی هستند به آمریکا رفت و مدتها گذشت و PHD در ریاضیات گرفت و به ایران برگشت و وقتی که دید و بازدیدها تمام شده بود، پدرش از او پرسید: آقای دکتر هروقت شما می‌گفتید من دکترا می‌گیرم من به دوستان می‌گفتم. ولی وقتی آنها می‌گفتند دکترا چه چیزی قرار است بشود من جواب آنها را نمی‌توانستم بدهم. حال چه دکترایی گرفته‌ای و چه کاری را شما می‌توانی انجام بدهی که من نمی‌توان انجام بدهم؟ آقای دکتر به فکر فرو رفت و خوشبختانه دید که مادرش در حال پهن کردن سفره است و در مشغول آوردن غذا بود. مادر و پدر و پسر بودند، مادر دو مرغ بر سر سفره گذاشت. آقای دکتر خوشحال شدند و گفتند: آقا جان من وقتی به آمریکا رفتم دکترای ریاضی گرفتم و حالا می‌توانم به شما بگویم که فرق من با شما چیست. پدر خوشحال از اینکه معمایش حل شده است. پسرش گفت آقا جان الان توی سفره چند مرغ هست؟ پدر گفت: پسرم دو تا. آقای دکتر گفت من حالا برای شما ثابت می‌کنم که توی سفره سه مرغ است نه دو تا. پدر خوشحال شد و گفت شما راست می‌گویید! اینجا سه مرغ

است. پسر گفت بله. من حالا برای شما ثابت می‌کنم. پدر گفت: پسرم احتیاج به ثابت کردن ندارد. این مرغ این اینجا مال من، مرغ دوم مال مادرت و مرغ سوم هم مال شما. حال نکته‌ای که من می‌خواهم بگویم پیشرفت کشورهای صنعتی امروزه از مرغ سوم است و عجیب است که تا وقتی که کسی پول و بانک امروز را متوجه نشود متوجه این نمی‌شود که واقعاً مرغ سوم است که این همه اشتغال و پیشرفت و کاخ و دبی و بحرین را ایجاد کرده است. در هر صورت پول و بانک از اصطلاحی که آقای دکتر ابریشمی می‌گفتند نقطه مفقوده کشور ماست که ما از این نظر غافل هستیم و این مبحث که اهمیت آن که احتیاج به تکرار ندارد دو نکته است که اگر ممکن است این را بیشتر بشکافید یک نکته‌اش این است که دکتر واعظ به مطلبی اشاره کرد که خیلی از افرادی که دلسوز هستند و واقعاً دلشان به حال این می‌سوزد که این اسلام و با این همه دقت که با این همه ارج که باید باشد چرا بد تفسیر می‌شود؟ آیا این آیه « ذالک بانهم قالوا انم البیع المثل الرباء و احلل الله بیع و حرم الرباء » ناظر به تفکر هست یا نه؟ ناظر به اینکه وقتی من دارم معامله می‌کنم، باید نیتم این باشد که همانطور که من سود می‌برم طرف من هم باید سود ببرد یا اینکه احياناً طور دیگری باشد. این یک سؤال اساسی است. این نکته‌ای است که بخصوص در مورد معاملاتی که به اصطلاح رانت‌خواری از ابتدا فرد یا افراد و گروه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند که طوری اسمش معامله باشد و در واقعیت سودی بدون کار و بدون زحمت به دست بیاید. این هم یک نکته است و نکته بعد این است که در انگلیسی و ادبیات امروز **interest** معنا می‌دهد و ربا که **Ujurel** معنا می‌دهد هر دو از واژه‌های تکرار شونده و بحث شونده و در گوگل اگر اشتباه نکنم وقتی سرچ می‌کنید بیش از هفتصد هزار مقاله می‌آید. در قوانین نیویورک کلی بحث در مورد این واژه بود من حالا به این دو واژه کار ندارم به این کار دارم که نه تنها در بانک **interest** خیلی به کار برده می‌شود یعنی به عنوان مثال شرط تعادل در بازار رقابت کامل برای یک کالای تمام شدنی این است که بهای این کالا به اندازه نرخ بهره در سال زیاد شود. این نرخ بهره‌ای که در اقتصاد منابع به کار می‌بریم هیچ ارتباطی به پول و بانک ندارد و یک بحث تئوری است و ... که در خیلی از اقتصاد مهندسیین متغیر اصلی که در تمام مسائل آن بحث می‌شود **interest** است که ما در این گونه موارد آیا توجیهی داریم یا خیر؟

■ - - - - در ادبیات اقتصاد همه شاخه‌های علوم به شکلی با بهره ارتباط پیدا می‌کند ولی چون اسامی مختلفی می‌گیرد و خلط موضوعی به وجود آمده است نیاز به شکافتن دارد. در همان منابعی که اشاره کردید، مسئله رانتی که به وجود می‌آید و نرخ طبیعی رانت را که در قاعده مربوط به منابع طبیعی لحاظ می‌کنند باز در همان ریشه دارد و یا به عبارت دیگر من دیروز هم اشاره کردم ولی فرصت باز کردن نبود ما در ادبیات اقتصاد با دو مسئله مواجه هستیم و هر دو ریشه‌های بهره هستند و هر دو را چون *rata* و *reten* از نظر ادبیات اقتصادی انواع آن *interest* به کار می‌برند به طور مثال اگر *rata* و *reten* روی پول باشد بهره پولی تعلق می‌گیرد اگر در مورد جمعیت انسانی یا مربوط به تحولات تکنولوژی باشد، نرخ‌های بهره‌ای بیولوژیک یا نرخ بهره تکنولوژیک داریم. اگر در مورد کارآیی سرمایه باشد نرخ بهره طبیعی داریم و در مواردی که همپوشانی دارد اشاره می‌شود. بعد *naminal* داریم که مربوط به کلان اقتصادی است و یا در وضعیت خردش روی بازدهی که برای اوراق قرضه وجود دارد تلقی می‌شود. ما نرخ بهره طبیعی و نرخ بهره خنثی و حدود دوازده سیزده بهره‌ای که وجود دارد همه اینها منبسط به دو ریشه در ادبیات غرب است است یکی رجحان زمانی است و یکی هم مال بن باورک هم که در اشاره کرده غیر از این دو نداریم و مبانی اقتصاد غرب بر این دو استوار است ولی کنت با این خلط موضوع در این ارتباط آمده می‌گوید که ما در اصطلاح فارسی می‌گوییم «بز» به این خاطر که بز از هر طرفی که برود همه را به دنبال خودش می‌کشانند یعنی رهبر و پیشرو است و این را نرخ بهره پولی می‌داند و نرخ بهره پولی که برقرار شد بقیه انواع نرخ بهره را نه تنها به دنبال خودش بلکه در برقراری این ارتباطات. و این دلایل خاصی دارد و واژه پول را واژه نقدینگی ترجمه کرده‌اند یک بعد قضیه سیال بودن و جریان داشتن آن است یعنی اتفاقی که در اقتصاد بیاید اولین اثرش را روی نرخ بهره می‌گذارد چون سریع است و در آمریکا محاسبه کرده‌اند حدود دو سه ماه. منظورم این است ارتباطاتی که بیان می‌کنند واقعاً در ارتباط با بهره پولی است و جایگاه عظیمی دارد و در همه مکاتب ارتباطاتشان را با این برقرار می‌کنند. یکی از مهمترین سیاست‌هایی که در اقتصاد نظام سرمایه‌داری است سیاست پولی و مالی است که مالی را عرض می‌کنم نود و نه درصد همان سیاست پولی است که نوع تعبیر و ابزارش متفاوت است و این را که عرض می‌کنم بر اساس

نوشته‌های اوزاوو و بقیه است یا اصلاً خود والتا راستا و اقتصاد را چیزی بجز **comport interest** نمی‌داند که واقعاً همین است. حالا من می‌خواهم اشاره کنم که اگر مهمترین سیاست، سیاست پولی است و در سیاست پولی هم ما عموماً بر اساس دو مکتب یا پول را و یا نرخ بهره را هدف قرار می‌دهیم. همه در این ارتباط است شما جایی را بگویید که مربوط به پول نباشد، حتی مکاتب یا اندیشمندان اکثریت تام اتفاقات و مشکلات و نارسایی‌هایی را که در اقتصاد می‌افتد پدیده پولی می‌دانند و علت آن این است که یکی از اصولی که نظام سرمایه‌داری به کار برده است نهاد پول است و نهاد پول هم کمبود به دلایلی ایجاد کرده است و این کمبود پول در جامعه و نظام بشری موجب نارسایی‌ها و مشکلات شده است چون هرچه واژه نگاه می‌کنیم در ارتباط با این موضوع است به طور مثال میلتن فریدمن قاعده را بر این اساس می‌گذارد و چون کمبود پول را اشاره می‌کند که کمبود پول موجب اسنشال است. چیزی که اسنشال باشد رسالت بزرگی خواهد داشت. بنابراین قاده‌ای که می‌آید می‌خواهد این را از حالت اسنشال خارج کند حال اگر چیز دیگری جایگزین می‌کند مسئله دیگری است من می‌خواهم عرض کنم به دلیل اینکه در نظام سرمایه‌گذاری پول را نمی‌گذارند به اندازه‌ای که لازم است یعنی پول **inelastic** است و هرچیزی که **inelastic** باشد و نتواند عرضه آن زیاد شود حتماً مشکل‌ساز خواهد بود و رانت بر آن تعلق می‌گیرد و اتفاقاً اسلام من به دانشجویان دکتری خودم عرض می‌کردم که اینک کسی مسلمان نیست در زمینه تخصصی خودش عالم شود باید بلافاصله تعظیم بکند و سجده کند به خاطر اینکه ادیان الهی راه حل‌هایی پیشنهاد می‌کنند که اگر متخصص باشند که باز هم من مثالی عرض می‌کنم برای روشن شدن مسأله، اگر شرایطی ایجاد شود و سه تفکر را بگیریم، تفکر کلاسیک، تفکر کنزین‌ها و تفکر پولی را بگیریم هر سه ریشه‌اش به این بر می‌گردد آنها می‌گویند هرچیزی که امکان‌پذیر نیست که انعطاف نشان دهد موجب شکاف بین عرضه و تقاضا می‌شود و رانت بر آن تعلق می‌گیرد. بعد قوانین آمریکا اولین چیزی را که هنری جورج روی آن دست می‌گذارد این است که می‌خواهد زمین را از حالت **inelastic** بودن رانت و مفهوم اصلی همین است. ما در دین خودمان کاری نداریم که قوانین بندج را که می‌خواستند در مجلس تصویب کنند چه مشکلاتی پیش آمد که مثلاً زمین کلاً مال خداست و هرکس آن را عمران کند می‌تواند تا زمانی که روی آن

کار می‌کند می‌تواند مالک آن باشد با یک قاعده ساده **inelastic** بودن روی زمین برطرف شد. حال آمریکا با چه تلاشی این کار را می‌کند و مواجه با چه هزینه‌هایی می‌شود بعد وقتی می‌بینیم در مورد پول هم همین طور است پول هم **inelastic** است یعنی بانک‌ها که وجود دارند و یا مراکزی که وجود دارند اجازه نمی‌دهند پول به اندازه‌ای که مردم نیاز دارند باشد همیشه تقاضای پول از عرضه پول بیشتر است و این **inelastic** است. وقتی **inelastic** باشد رانت به آن تعلق می‌گیرد و این رانت‌ها بر اساس گفته جان میران کینز رانت‌ها به هم مرتبط است و بیکاری‌ها هم به همدیگر مرتبط است. منظورم این است که وقتی به دقت می‌خوانیم از نظر علمی بحث می‌کنند متهمی همانطور که آقای دکتر اشاره کردند در کتاب‌ها نیست بلکه در مقالات بسیار تخصصی است و حتی اینها را به شکلی می‌گویند که از فهم افراد متخصص هم به دور است مگر اینکه کلیدها و رهیافت‌هایی پیدا کرده باشند و در منابع طبیعی و بقیه مسائل هم به این شکل است و از نظر علمی آنها زیاد کار کرده‌اند و نتایج را هم می‌دانند و دارند از این موضوع به قول آقای کنز می‌گویند به نفع منافع جامعه ماست (فرهنگ غرب) که از این موضوع در دوره ترانزیشن که حدود بیست تا پنجاه سال استفاده کنند که نهادهای پولی و مالی این رانت را در خودشان داشته باشند و از این موضوع برای اینکه بتوانند تحت انقیاد قرار دهند و از منافع جهانی استفاده کنند از آن استفاده نمایند.

■ مصباحی: بحثی راکه آقای دکتر مکیان اشاره فرمودند خود من هم نکاتی را می‌گویم و آقای دکتر واعظ هم بعد از آن صحبت می‌کنند شاید خاطر مبارک همکاران گروه باشد که من چند سال قبل گزارشی از کتاب‌های پول و بانک دادم و مقاله شد و منتشر شد و در مجموعه مقالاتی که من چاپ کردم آمد. در آنجا اشاره کردم به همین فرمایشی که آقای دکتر مکیان داشتند که کتاب‌های پول و بانک آن هم بعد از اجرا قانون عملیاتی بدون ربا چاپ شده و همچنین کتاب‌های اقتصادکلان که فصل پول دارند مروری کردم که غالباً ترجمه است و آنهایی هم که ترجمه نیست، تألیفی از ترجمه‌هاست و غالباً فاقد فصلی در مورد بانکداری بدون ریاست و آن هم که خواستم و انگیزه و علاقه داشتم مباحث پول و بانک را به نحوی از نقطه نظر غیر ربوی مطرح کنم همان فصل قانون عملیات بانکی بدون ربا را آوردند که محتوای حقوقی دارد نه اقتصادی. اصلاً این فصل ناهمخوانی کامل

با مجموعه فصول اینگونه کتاب‌ها دارد. بعضی‌ها هم فصلی مطرح کردند، خیلی خیلی مختصر تحلیل کردند بانکداری بدون ربا و تفاوت آن را با بانکداری ربوی. نباید ناشکری کرد از اینکه در عین حال کتاب‌هایی وجود دارد که بعد از همان دوره تدوین شده و این کتاب‌ها خصوصاً مباحث بانکداری اسلامی را مطرح کرده‌اند مانند کتاب آقای موسویان و کتاب آقای دکتر توتونچیان و کتاب آقای دکتر موسایی هم هست. ولی در آموزش دانشگاه ما اشاعه پیدا نکرده است. چیزی که من از این عرض کوتاه می‌خواستم نتیجه بگیرم این است که بعد از پیروزی انقلاب چه در داخل و چه خارج آثار علمی زیادی تحت عنوان رسالات و مقالات تهیه شده که اگر به عنوان مواد خام بخواهیم برای تدوین کتاب جامعی که پول و بانک را مطرح کند و بیس آن نگاه اسلامی باشد، این ظرفیت حالا وجود دارد یعنی اگر یک نفر از محققان ما دست به کار شود می‌تواند درس پول و بانک برای کارشناسی و کارشناسی ارشد تهیه کند و تمام مطالب خودش را بر دیدگاه اسلامی نسبت به پول و بانک تبیین کند و در عین حال بانکداری اسلامی و سنتی را هم در حاشیه مطرح کند و کارکرد و تفاوت آن را بیان کند و مشکلات را ذکر کند. بحرانی که از سال ۲۰۰۸ به بعد در نیویورک به وجود آمد و کشورهای دیگر راتحت‌الشعاع قرار داد اقبالی شد برای بانکداری اسلامی که آقای دکتر مکین اشاره فرمودند از ایشان دعوت شدند در کنفرانس‌های خارج از کشور برای بانکداری اسلامی این یعنی اقبال شده به این سمت و به ذهن من آمد که ما دست به کار شویم و همایش به این سمت برود که قراردادی بسته شود با کارگروهی که کتاب بانکداری ایران را تدوین کنند و سکولار نباشد و مبتنی بر نظریاتی باشد که برگرفته از مبانی اسلامی و نقد دیدگاه بانکداری ربوی باشد. این ظرفیت حالا وجود دارد و کار جدید به معنای اینکه نظریه‌پردازی کنیم و اینطور نیست که منتظر باشیم که نظریه‌پردازی کنیم. این کار وجود دارد و این نتیجه‌گیری خوبی از بحث امروز است و در کنگره هم از آن استفاده شود و آقای دکتر مکین زحمت بکشند به دنبال یادداشتی که رایه فرمودند و چنین ایده‌ای را در کنفرانس رایه نمایند خوب است و ممنون می‌شویم. همینجا من عرض می‌کنم که اشاره کردند که متأسفانه در بانک مرکزی ما زمینه و بستر برای تحول وجود ندارد. آقای موسویان با بانک مرکزی همکاری می‌کنند و گروه کارشناسی هستند که قانون عملیات بانکی بدون ربا را بازنگری می‌کنند و سه ورژن

به آنها داده‌اند که یکدست کنند و به صورت لایح به دولت بدهند ایشان می‌گفتند که اکثراً آنها مخالف هستند که ما اسم اسلام را بیاوریم یا رویکرد اسلامی داشته باشیم حتی اسم اسلام را نیاوریم. ما می‌گوییم مباحث پول و بانک همان مباحث صرف است و ربطی به دین و اسلام ندارد و آخوندها همه‌جا تأثیرگذاری کرده‌اند و در بانک مرکزی هم می‌خواهند تأثیرگذاری کنند. این نگاه وجود دارد. سه سال قبل آقای صالح آبادی که خدا ایشان را پایدار بدارد، جوانی که تحصیل کرده دانشگاه امام صادق بود، مدیریت بورس را به ایشان واگذار کردند در سه سال قبل کمیته فقهی بازار سرمایه را تشکیل داد، بنده، آقای تسخیری، آقای هادوی تهرانی، آقای موسویان، آقای نظری در این کمیته فقهی همکاری داشتند و در عرض این سه سال یکی از دوستان اشاره‌ای کردند که مالزی در پیاده کردن مباحث اقتصاد اسلامی پیشتاز است و آقای صالح آبادی من را به مالزی برد و درباره ابزارهای مالی، حرف‌های آنها را شنیدم کنفرانس سه چهار روزه بود و من به آقای صالح آبادی گفتم که مالزی هیچ چیز در این زمینه از خودش ندارد و هیچ یک از صاحب‌نظران و دانشمندان اینجا نیست که اینها را خلق و ابداع کرده باشد. اینها غالباً مربوط به صاحب‌نظران مسلمان مصر، هند، پاکستان و بنگلادش و عربستان است که اینها قدرت ارایه خوبی دارند و توانسته‌اند آن را ارایه کنند و حالا پیشتاز آموزش بانکداری بدون ربا و آموزش ابزار و بازار سرمایه هستند. قدرت آنها در ارایه خوبشان است و در گفت و گویی که با آنها داشتیم دیدیم که بسیار سطحی و کم مایه هستند و من گفتم ظرفیتی که در ایران وجود دارد ظرفیت بالایی است و ان شاءالله کمیته را که تشکیل دادیم انصاف قضیه و مباحثی که در آنجا مطرح شد در مورد ابزارهای مشتقه و سکوک و امثالهم که مطرح شد ایشان خیلی ذوق‌زده شدند و گفتند می‌خواهیم آموزش برگزار کنیم و از بازارهای مالی کشورهای اسلامی دعوت کنیم بیایند و چیزهایی که در اینجا مطرح شد محصولش را ببینند درس‌ها به زبان انگلیسی ارایه شد و استقبال بالایی شد و دو دوره آموزش گذاشته شد و از بیست کشور آمدند حضور پیدا کردند و دوره را دیدند و مهم این است که مبنا فقه شیعه و تطبیق با فقه اهل سنت بود و این نتیجه‌ای بود که ما از آن کمیته گرفتیم و جالب اینکه محصول کار آن کمیته در پیشنهادات مربوط به بازار سرمایه در مجلس رفت و با حمایت بنده تصویب شد و برای اولین بار اوراق مالی سکوک به مصوبات مجلس

در سال گذشته آمد و برای اولین بار در برنامه پنجم هم وارد شد. بانک مرکزی پیشنهاد کرد از ابزارهای مالی مصوب شورای عالی بورس بانک مرکزی هم مجاز به استفاده باشد. یعنی بانک مرکزی تبعیت می‌کند. از آقای پورمحمدی قائم مقام بانک مرکزی دعوت کردند که ما می‌خواهیم کمیته شریعت، شورای شریعت یا شورای فقهی تشکیل بدهیم و علت آن این بود که می‌خواستند از بانک توسعه اسلامی اوراق مالی ارزی را در اروپا منتشر کنند و آنها گفته بودند که ما باید مبانی فقهی این اوراق ارزی شما را ببینیم که چیست؟ می‌خواستند اوراق مشارکت منتشر کنند و اشکالات قوی را به اوراق مشارکت ما گرفته بودند قبلاً ما می‌گفتیم این اوراق مشارکت ظاهر اسلامی دارد و اسلامی نیست آنها اشکالات عالی وارد کردند، اینها کمیته شریعت یا همان شورای فقهی را تشکیل دادند و از ما دعوت کردند و همانهایی که در کمیته فقهی بورس بودیم به اضافه چند نفر دیگر چند جلسه گذاشته شد اشکالات وارده آنها با پیشنهادات ما برطرف شد. از بانک توسعه اسلامی دعوت کردند تا بررسی کنند، مقصود من این است که آنها با بانک مرکزی سودان می‌خواستند قرارداد ببندند که بانک مرکزی سودان گفته بود ما با شما حق معامله نداریم به دلیل اینکه شما شورای شریعت ندارید. بورس و فشار آنها باعث شد تا شورای شریعت تشکیل دادند این نشان دهنده آن است که اگر این حرکت قوی پیش برود چقدر مورد استقبال قرار می‌گیرد. من گزارش کاملی را خدمت مقام معظم رهبری دادم. آقای حجازی صاحب‌نظر در مسائل فقهی هستند در دفتر آقا، ایشان مطالعه کردند و گفتند که کار خیلی عالی و جالبی شده است این را خدمت آقا می‌دهم تا سر فرصت ببینند. زمینه وجود دارد از دوستان می‌خواهم که وارد سایت بورس شوند و این کارها را به دو زبان فارسی و انگلیسی ببینند که چه کارهایی شده است، پس ظرفیت خام برای تدوین کتاب پول و بانک، جامع، اسلامی و مقایسه‌ای وجود دارد. مهم این است که تیمی دست به‌کار شود و این را به جایی برساند. در مورد بحث و احلل الله البیع و حرم الربا که آقای دکتر اشاره کردند و خوب است که این را توضیح بدهیم و بحث بهره و تفاوت بهره و ربا خیلی در این مورد کار و بحث شده است. در مورد احلل الله البیع قبل از این آیه این است که رباخواران ربا می‌خورند، بدتر از آن این است که می‌گویند حلال است. ذلک بانهم قالوا انم البیع مثل الرباء خداوند آنها را مورد لعنت و نفرین خودش قرار می‌دهد زیرا

آنها می گفتند که بیع مثل رباست. البته تشبیه معکوسی داریم که در تشبیه معکوس شباهت قوی تر است. معروف است از نظر تاریخی که ابو یوسف شاگرد ابوحنیفه بود و برای اینکه عظمت ابویوسف را بیان کنند می گفتند ابوحنیفه کیوسف در اینجا استاد را تشبیه به شاگرد کردند برای اهمیت جایگاه ابویوسف. آیه اینگونه می گوید که آنها نگفتند انم الرباء مثل البیع. می گویند ربا هم مثل بیع است همانگونه که در ربا سود می خورید در بیع هم سود می خورید و این بیع است که مانند ربا است و به قدری مشروعیت سود ربا واضح است که بیع را به ربا تشبیه می کنند و این نگاه اعتقادی و فکری دارد و اتفاقاً قرآن می خواهد بگوید که خطا و اشتباهشان در این است که بد می فهمند و کج متوجه می شوند مثل کسی که واقعیت را به گونه ای دیگر می بیند و نمی شود آن را کاری کرد و به دنبالش خداوند بیع را حلال و ربا را حرام کرده است ما با بهره هیچ مشکلی نداریم، مشکل با ماهیت بهره است اگر بهره سود پول است، اسلام با زاینده گی پول موافق نیست. اگر بهره سود عملیات اقتصادی است اشکالی ندارد. بهره طبیعی بون بارک با آشنایی که پیدا کردم ناظر به واقعیت بازدهی سرمایه در بازارهای مختلف است. آن چیزی که ما با آن مسأله داریم آن است که پول را بخواهیم مبنای سودآوری قرار دهیم. این اشکال جدی دارد و در این مجال برای بحث مناسب نیست من خواستم فقط خواستم که پاسخی به سئوالات شما داده باشم. تقاضا دارم که آقای دکتر واعظ هم فرمایش خود را بفرمایند و بعد در خدمت آقای دکتر اسفندیاری هستیم.

■ آقای دکتر واعظ: همانطور که آقای دکتر بنی هاشمی در مورد اقتصاد مهندسی فرمودند در تأیید فرمایشات حاج آقا مصباحی تمام مواردی که مطرح کردند نوعی ارزیابی طرح هاست که نوعی shadow prise می گویند و هیچ ارتباطی با نرخ بهره و اضافه کردن ندارد و در واقع دو طرح را مقایسه می کنید و مبنایی قرار می دهید و چون مقیاسی ندارید حالا shadow priss پول را قیمت خارجی قرار می دهید و intel priss پول داخلی را مقیاس قرار می دهد. ولی این بهره ارتباطی به آن ندارد. درصد قیاس طرح هاست. یعنی زمان چیزی را اضافه نمی کند که بهره بخواهد قیاس شود و محاسبه است و باید مبنایی برای آن در نظر گرفت.

■ - - - - من در داخل پراتنز جمله‌ای بگویم مباحثی که فرمودید کمیته شریعت نه تنها بانک‌های مرکزی بلکه همه بانک‌های تجاری هم دارد، زمانی من مقاله‌ای داشتم، ما هیچ وقت بانک مرکزی ما کمیته شریعت نداشت و مسائلی را مطرح کردم که در بانک مرکزی ایران اینگونه مطرح و انجام است. تقریباً همه شرکت کنندگان اهل سنت بودند، از بانک توسعه اسلامی و از کل دنیا بودند که خیلی ایراد گرفتند.

■ - - - - مطلبی هست که در ذهن همکاران ما به شکل قوی یا ضعیف نقش بسته و آن این است که چیزی که در شریعت نهی شده رباست و بهره تفاوت ماهیتی با ربا دارد. استدلالی که این دوستان ارجمند می‌کنند که اتفاقاً در همایش اخیر بانکداری اسلامی هم سخنران محترمی به شکل مبسوط این استدلال را بیان می‌کردند به اختصار این بود که می‌آیند و نرخ و آثار ناشی از بهره را با نرخ و آثار ناشی از ربای کلاسیک مقایسه می‌کنند. استحضار دارید که تا قبل از قرن هفدهم که رباخواری به وسیله یهودیان در اروپا صورت می‌گرفت، رباخواری از دید مردم یک عمل شیعی بود و یکی از دلایل آن این بود که نرخ بالایی داشت و نرخ بالا که مثل شصت یا هفتاد و یا پنجاه درصد بازتابی هم در ادبیات کلاسیک اروپا دارد. نهاد بانک وقتی تأسیس شد از دو مزیت بهره گرفت، یکی اینکه عدم تقارن اطلاعاتی را سعی کرد که کاهش دهد. بین بانک به عنوان وام دهنده با مشتری به عنوان وام گیرنده. و بعد هزینه‌های مبادلاتی را با توجه به اینکه مشمول صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس شده بود کاهش داد و این باعث شد که وقتی نهاد بانک در قرن هیجدهم در اروپا به صورت گسترده مستقر شد، نرخ بهره‌ای که بانک می‌گرفت کم بود در حدود نه، هشت یا هفت درصد بود و همراه شد با گسترش جریان مالی که از قبل این گسترش جریان مالی تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی سهل‌تر از دوران دو قرن قبل از خود یعنی دوران شیوع رباخواری صورت می‌گرفت و در نتیجه ما شاهد رشد اقتصادی در اروپای قرن هیجدهم و نوزدهم هستیم. این تحلیل از جهاتی تحلیلی درستی است، یعنی تحلیل ناشی از مقایسه آثار ربا با آثار بهره به صورت تاریخی در تاریخ اقتصادی اروپاست. ما روی این فعلاً بحثی ندارم هرچند من بعداً روی این ان قلتی دارم و آن این است که خلق پولی که توسط بانک‌ها می‌تواند صورت بگیرد در بلند مدت شرایط توزیعی را متفاوت می‌کند. اما من فعلاً به آن کاری ندارم و بحثی که ما داریم مقایسه ماهیتی ربا با بهره در تاریخ اقتصادی

اروپاست. ماهیتاً در هیچ کدام از این دو شق گرفتن اضافه روی وجه قرض داده شده که به صورت تعهد حقوقی است و دارای تضمین اقتصادی به خودی خودش نیست، ارتباطی با خلق ارزش واقعی ناشی از عملیات وام‌دهی و وام‌گیری ندارد. یعنی بدون اینکه لزوماً به مفهوم اقتصادی transformation صورت بگیرد وام‌گیرنده متعهد به دادن اضافه‌ای می‌شود و این مطلبی است که ما روی آن تأکید داریم و این چه در نهاد ربا و چه در نهاد بهره به صورت مشابه وجود دارد. در حالی که در نظریه دینی سعی می‌شود اضافه آنچنان که اشاره شد ربط به ارزش اقتصادی جدید ایجاد شده ربط پیدا کند. من مثالی دارم که خدمت دوستان عرض می‌کنم، شما فحشای کلاسیک را با فحشای مدرن و ازدواج مقایسه کنید، در فحشای کلاسیک هزینه این کار به شکل‌هایی بالاست، یعنی خطر چاقوکشی، برخوردهای فردی و کارهایی که در تاریخ ما وجود دارد که سر یک زن سه لات دعوا کنند وجود دارد. در فحشای مدرن نهادهایی وجود دارد که این نهادها عرضه کنندگان با تقاضا کنندگان را مرتبط می‌کنند بدون هیچ گونه هزینه مبادله مثل چاقوکشی و ... این عمل شنیع صورت می‌گیرد این عمل به این دلیل شنیع است چون در اینجا رضایت طرفین در چارچوب تعریف شده‌ای قرار نگرفته است که ما به آن چارچوب در اصطلاح ازدواج می‌گوییم که بر اساس ازدواج یک چارچوب و حقوقی قرار می‌گیرد و ما نمی‌توانیم نهاد فحشای مدرن را به خاطر اینکه هزینه‌های مبادلاتی به شدت کمتری در مقایسه با نهاد فحشای کلاسیک دارد تجویز کنیم نمی‌توانیم نهاد بهره مدرن را بر مبنای این استدلال که نرخ را پایین آورده، هزینه‌ها را پایین آورده تجویز کنیم. ماهیت مهم است، من فکر می‌کنم اساتیدی که به این ماهیت توجه نمی‌کنند به گونه‌ای دچار فرمالیزم علمی شده یا می‌شوند و به همین خاطر است که من اصرار دارم که ما همواره نگوئیم این کتاب بانکداری اسلامی است و آن کتاب نه. ما اول تعریف پول و بعد عملیات پولی را به صورت محتوایی سعی کنیم برای دانشجویان مخاطبان توضیح دهیم.

■ - - - این بحث‌ها متناسب با کنفرانس‌های علمی است و ما الان دستورمان آن موضوع نیست. دستور ما بررسی این است که در زمینه پول و بانک چه نواقصی در کتاب‌های درسی داریم، چه نواقصی در سرفصل‌ها داریم و این نواقص را چگونه می‌توانیم برطرف کنیم در قضیه پول و بانک جهت اطلاع الان بدون اغراق تعداد

قابل توجهی پایان نامه دکتری تهیه شده که خود آقای دکتر موسایی پایان نامه دکتریشان در همین زمینه است و در دانشگاه امام صادق آقای دکتر شعبانی و افراد متعددی هستند که اخیراً هم در دست داریم. بحث ربای جاهلی و مقایسه آن با بهره امروز. مباحث تاریخی داریم که طی صد و پنجاه سال اخیر که در اهل سنت مباحث بهره و ربا را مطرح می‌کنند مباحث سیصد چهارصد ساله‌ای داریم که در میان مسیحیان مطرح شده است که حالا جای بحث آن نیست.

■ دکتر موسایی: ما درسی با عنوان بانکداری اسلامی به صورت اجباری در دانشکده‌ها وجود ندارد و ما باید آن را در تغییر سرفصل‌ها به عنوان یک درس جدید اجباری تعریف کنیم. در این جلسه مشخص شود که دوستان به نوعی هرکدام یک جای قضیه را بگیرند منجمله آقای دکتر جلالی مسائلی را مطرح می‌کردند که بسیار عمیق است و آقای دکتر هم عهده‌دار شوند. همین حالا ما نوعی تعهد بگیریم.

■ - - - - آقای دکتر واعظ شما بحث خودتان را در رابطه با اقتصاد خرد بیان بفرمایید.

□ بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين الحمد لله رب العالمين و العاقبه للمتقين. بحثی که اساتید محترم دارند از دو قسمت تشکیل شده است قسمت اول ارزیابی مجموعه‌ای از کتب اقتصاد کلان تا کنون منتشر شده و قسمت دوم محورهای فکری برای برای تدوین متن مطلوب اقتصاد کلان است. در قسمت اول خلاصه یک کار پژوهشی را عرض می‌کنم این کار یک پروژه پژوهشی بود که به درخواست پژوهشگاه علوم انسانی در دانشگاه اصفهان به طور مشترک توسط آقای دکتر وحید مقدم و اینجانب انجام گرفت و در مجلد نامه علوم انسانی به طور خلاصه در صفحات ۴۵ تا ۷۷ گزارش این طرح تحقیقاتی آورده شد. عنوان طرح «ارزیابی تلفیقی آثار و کتب درسی اقتصاد کلان» است. در گروه اقتصاد شورای بررسی متون طی سال‌های فعالیت، مجموعه‌ای بالغ بر سی اثر از آثار اقتصاد کلان جهت داوری به داوران محترم داده شده است که احیاناً خدمت میهمانان محترم هم فرم‌های داوری ارسال شده است. ما در این پژوهش سعی کردیم اگر چنانچه محتوای داوری‌های انجام گرفته به نظر رسید از تشابهی برخوردار است فرم‌های پر شده را با هم جمع کنیم اگر نه خود ما مجدداً در خصوص این آثار داوری به عمل بیاوریم آنگاه این داوری‌ها را با هم جمع کنیم و نتایج آن را استخراج کنیم. نمونه در

اختیار داوری سی کتاب اقتصاد کلان بوده شامل نوزده کتاب تألیفی و یازده کتاب ترجمه شده. اطلاعات مورد نیاز آنچنان که عرض کردم از طریق فرم‌های داوری به دست آمده است. ما سعی کردیم که این داوری‌های تجمیع شده را برای ارزیابی هفت موضوع به کار ببریم مشخصه‌های شکلی آثار کلان، مشخصات محتوایی، امکان درک الگوی سرمشق به کار رفته در آنها و برخورداری از مشخصه‌های روزآمدی، مبانی خردی و بالاخره برخورداری از مبانی نظریه‌های ارزش‌محور و میزان قدرت توضیح دهنده‌گی آثار برای محیط اقتصاد کلان کشور. مسأله تحقیق این است که دانش اقتصاد کلان از سابقه‌ای حدود پنجاه سال در کشور ما و حدوداً هفتاد و پنج ساله در جهان برخوردار است و آنچه که در کشور ما موجود است که دانش اقتصاد کلان از مصادیق بارز یک دانش وارداتی است. اگر این دانش وارداتی توانسته باشد خودش را با ارزش‌های جامعه ما هماهنگ کند و در فرایند انتقال و جذب جامعه علمی ما توانسته باشد آن را به خوبی هضم نماید. یعنی مؤلفه‌های هماهنگ و سازگار با محیط اقتصاد ایران و همینطور با مبانی ارزشی جامعه ما را جذب و سایر مؤلفه‌های آن را دفع نماید می‌توانیم ادعا کنیم که فرایند انتقال و جذب این دانش وارداتی به صورت انجام شده است. در غیر این صورت این دانش وارداتی به شکل مناسب به کشور ما انتقال پیدا نکرده است. مطالعه‌ای که ما انجام می‌دهیم مطالعه‌ای با روش خردی است روی کتب اقتصاد کلان. برای اینکه از طریق تجمیع این مطالعه خردی اولین نمونه از اگرگی‌گیشن را در خود این کار انجام بدهیم. فرضیات تحقیق ما در صفحه پنجاه و یک که ملاحظه می‌فرمایید دو فرضیه اصلی دارد و هفت فرضیه فرعی. اولین فرضیه اصلی ما این است که کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مشخصه‌های شکلی مناسب هستند. دومین فرضیه اصلی این است که کتب اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مشخصه‌های محتوایی مناسب هستند. در اینجا نکته‌ای را خدمت سروران عرض می‌کنم و آن این است که راجع به مشخصه‌های محتوایی مناسب بعداً توضیح داده خواهد شد. احیاناً با آنچه شما تصور از مشخصه‌های محتوایی مناسب دارید تفاوت خواهد داشت.

اما فرضیه‌های فرعی کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته امکان درک الگوی سرمشق به کار رفته در اثر را به روشنی فراهم نمی‌کند و خواننده به راحتی پارادایم موجود در این اثر را متوجه نمی‌شود. کتب درسی اقتصاد



کلان انتشار یافته فاقد مشخصه‌های روزآمدی است، کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مبانی اقتصاد خردی است، کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مبانی نظریه‌های ارزش‌محور هستند و بالاخره کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد قدرت توضیح‌دهندگی کافی برای محیط اقتصاد کلان ایران هستند. روش آزمون فرضیات استفاده کردن از محتوای پرسشنامه‌ها در قالب طیف یا شاخص لیکرت بوده است که من راجع به آن توضیح نمی‌دهم و همین‌طور سعی کردیم روایی و پایایی پاسخ‌ها را هم ارزیابی کنیم که از این قسمت‌ها سریع می‌گذرم و در نتیجه ارزش‌گذاری برای مقادری که به دست آمده کردیم. یکی از شاخص‌های فرضیه یک یعنی مشخصه‌های شکلی مناسب، روانی و رسایی نگارش اثر داوری شده است که در این شاخص به طور کلی پنج درجه عالی، بسیار خوب، خوب، ضعیف و متوسط وجود دارد برای اینکه شاخص‌ها قابل مقایسه و تلفیق با یکدیگر باشند باید به صورت کمی درآیند بدین منظور برای عالی نمره ۵، بسیار خوب نمره ۴، خوب نمره ۳ متوسط نمره ۲ و ضعیف نمره ۱ در نظر گرفته شده است. برای آزمون هر فرضیه متوسط نمرات شاخص‌های آن فرضیه در نظر گرفته می‌شود به طوری که نمره ۳ کمیت بحرانی در ارزیابی فرضیه را نشان می‌دهد. حال نکته مهمی که در اینجا باید عرض کنم این است که ما برای هر کدام از این تعاریف شاخص‌هایی را بیان کردیم به طور مثال وقتی می‌گوییم یک اثر به صورت شکلی مناسب است یعنی اینکه (در صفحه ۵۵ پاراگراف سوم) مشخصات شکلی یک اثر از شش شاخص تشکیل شده است.

۱- چگونگی نگارش اثر از نظر میزان روان بودن

۲- چگونگی نگارش اثر از نظر میزان رسا بودن

۳- میزان رعایت قواعد ویرایش و نگارش

۴- کیفیت اثر از لحاظ نحوه چاپ

۵- تناسب حجم اثر با تعداد واحدهای درسی مورد نظر

۶- جامعیت صوری اثر در هر فصل و در کل اثر

نکته‌ای که من تأکید دارم که عرض کنم این است که مشخصه‌های محتوایی مناسب چیزی نیست که سطح توقعات شما مخاطبین محترم را تأمین کند. بلکه منظور پانزده مشخصه است. (ص ۵۶) کیفیت کاربرد اصطلاحات تخصصی، کیفیت معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی، جامعیت محتوا و موضوع با توجه به اهداف درس موردنظر، انطباق محتوای اثر با فهرست و عنوان تا آخر. من جزئیات را نمی‌گویم و با این توضیحات نتایج ارزیابی این فرضیات را سریعاً مرور می‌کنیم.

فرضیه ۱: کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مشخصه‌های شکلی مناسب هستند. نتیجه ارزیابی این فرضیه (ص ۶۶) آزمون فرضیه این مطلب را تأیید می‌کند، امتیاز مربوط به شاخص شکلی با متوسط‌گیری ساده از شش زیرشاخص تشکیل دهنده این شاخص محاسبه می‌شود، شایان ذکر است که مقدار ضریب آلفا برای این فرضیه ۸۵ درصد محاسبه شده است که از پایایی در سطح بسیار خوب این مشخصه حکایت دارد. میانگین شاخص مربوط به این فرضیه ۲/۸۶ صدم و واریانس آن ۱۸۳ هزارم است. برای آزمون فرضیه کافی است مقدار حداکثر میانگین مشخصه شکلی جامعه در سطح ۹۵ درصد محاسبه شود. این مقدار با ۲/۹۹ صدم محاسبه شد که از مقدار بحرانی ۳ کمتر است لذا فرضیه رد نمی‌شود.

اگر فرض کنیم که خطای نوع اول و دوم وجود ندارد می‌توانیم بگوییم که فرضیه پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۲: کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته، فاقد مشخصه‌های محتوایی مناسب هستند. این فرضیه رد می‌شود دو نکته را در توضیح رد شدن این فرضیه عرض می‌کنم اول اینکه مجدداً تکرار می‌کنم مشخصه‌های

محتوایی مناسب لزوماً چیزی نیستند که در ذهن شما عزیزان است. بلکه بر اساس شاخصه‌هایی که قبلاً تعریف کردم در نظر گرفته شده است. دوم اینکه اگر این فرضیه رد نمی‌شود مقدار شاخص آن خیلی از مقدار بحرانی بیشتر نیست. نزدیک به مقدار بحرانی است یعنی ۳/۱۱ صدم است.

فرضیه ۳: کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته امکان درک الگوی به کار رفته در اثر را فراهم نمی‌کند، یعنی پارادایم موضوع را به خواننده تفهیم نمی‌کند. این فرضیه رد نمی‌شود. اگر آن خطاها وجود نداشته باشند می‌گویند پذیرفته می‌شود،

فرضیه ۴: کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مشخصه‌های روزآمدی هستند. این فرضیه رد نمی‌شود اگر آن فرض را بپذیریم یعنی پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۵: کتب درس اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مبانی اقتصاد خردی هستند که این هم با آن روال پذیرفته می‌شود به همین ترتیب کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته فاقد مبانی نظریه‌های ارزش‌محور هستند. به تعبیر دیگر روی هم رفته این کتب فاقد نگرش‌های دینی به موضوعات اقتصاد کلان می‌باشند. با توضیحات قبلی این فرضیه هم پذیرفته می‌شود.

فرضیه ۶: کتب درسی اقتصاد کلان انتشار یافته، فاقد توضیح دهندگی کافی برای محیط اقتصاد کلان ایران هستند که این فرضیه هم با آن توضیحات مورد قبول قرار می‌گیرد. اما بر اساس این شاخص‌ها کتب را رتبه بندی کردیم و پنج کتابی که بیشترین امتیاز را آوردند در صفحه ۷۲ آورده شده است. کتاب اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، نوشته آقای میرمعزی، کتاب اقتصاد کلان نوشته آقای دکتر صادق بختیاری، کتاب راهبردهای کلان رشد اقتصادی ایران، نوشته آقای دکتر مهدوی، کتاب اقتصاد کلان کاربردی، نوشته آقای دکتر اخوی و بالاخره کتاب اقتصاد کلان نوشته آقای دکتر طبیبیان به ترتیب بیشترین امتیاز را آورده‌اند. اینها توضیحاتی بودند برای اینکه ما بر مبنای این توضیحات ما به طور خلاصه به وضعیت کتب انتشار یافته در حوزه اقتصاد کلان ایران واقف شویم و توضیحات بیشتر در داخل مقاله هست که سروران می‌توانند مراجعه کنند و توضیحات بیشتر در متن گزارش این طرح پژوهشی است که در خدمت پژوهشگران هست.

قسمت دوم بحث:

ما می‌خواهیم ان‌شاء‌اله یا خودمان یا دیگر همکاران ارجمندمان اقدام به تدوین متن یا متون درسی مناسب در حوزه اقتصاد کلان بزنیم. من در اینجا به چهار پنج مؤلفه‌ای که بر اساس این مؤلفه‌ها یک متن درسی مناسب در حوزه اقتصاد کلان می‌تواند شکل بگیرد اگر فرصت باشد اشاره می‌کنم. اولین مؤلفه درک مفهوم کلی‌سازی در اقتصاد اسلامی است. یا بهتر است بگوییم در اندیشه دینی است، ضرورت مطالعه اقتصاد کلان از آنجا ناشی می‌شود که لزوماً آثار کلی یک رفتار اقتصادی مشابه با آثار جزئی آن نباشد. خوشبختانه ما در اندیشه دینی این مطلب را داریم. یعنی جامعه ترکیبی ساده از اجزاء تشکیل دهنده‌اش نیست. جامعه از یک هویتی مستقل برخوردار است. در آیات قرآن کریم آیاتی در مورد هلاکت جامعه داریم. آیا منظور از هلاکت جامعه از بین رفتن تک تک جامعه است یا فروپاشی نظم جمعی است؟ به نظر می‌رسد که دومی بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. در هر حال چون جامعه هویت مستقل دارد، پس می‌تواند موضوع یک شناخت جدیدی قرار گیرد و آن یعنی اثبات وجود یک دانشی به نام اقتصاد کلان بر مبنای اندیشه دینی واگر نه اگر جامعه هویت مستقلی نداشت ما باید یک سری تعمیم‌ها روی بحث‌های اقتصاد خرد با اندیشه دینی بدهیم و تمام و دیگر ضرورتی به مطالعه اقتصاد کلان پیدا نمی‌کردیم. مرحوم علامه طباطبایی در جلد سوم تفسیر المیزان این مطلب را به خوبی توضیح داده‌اند که جامعه را یک «کل طبیعی» می‌نامند و مرحوم شهید مطهری در کتاب جامعه و تاریخ با استفاده از این اندیشه مرحوم علامه این را تبیین کرده و توضیحاتی به آن اضافه کرده‌اند که اینها می‌تواند جایگاهی را در متدولوژی اقتصاد کلان به خودش اختصاص بدهد. این اولین مؤلفه یک متن مطلوب است. دومین مؤلفه یک متن مطلوب اقتصاد کلان این است که برای مخاطب مستدل توضیح داده شود که ارزش‌های حقیقی چه هستند و ارزش‌های غیر حقیقی چه هستند. ارزش‌های حقیقی، دانش، ثروت، انسان و امثالهم هستند. ارزش‌های غیر حقیقی ربا و امثالهم هستند. اگر مخاطب ما به خوبی بتواند تفاوت بین ارزش‌های راستین با ارزش‌های غیر راستین را بفهمد و تفاوت بین ارزش‌های ناب با ارزش‌های غیر ناب را از نظر اقتصادی درک کند راه برای نظریه پردازی در حوزه اقتصاد کلان باز می‌شود.

سومین مؤلفه این است که ما در اقتصاد کلان در سطوح مختلفی مجموعه قواعدی داریم مانند مالترووس یا فیسکائولروس. این قواعد حداکثر بر مبنای دو معیار یا کریتریال ایجاد شده‌اند، افیشنسی و آپتیمالی در حالی که ما می‌توانیم معیارهای جدیدی را تعریف کنیم مثل ساستین ابیلیتی که این معیار هم در ادبیات غرب وجود دارد ولی پروریده نشده است و اینطور نیست که ابداع کننده آن ما باشیم و دیگری معیار جاستیس یا عدالت یا پنجم معیار معنویت که هنوز من نمی‌دانم که معنویت را با چه واژه‌ای به کار ببرم و با تجمیع این معیارها و در کنار هم قرار دادن معیارها می‌توانیم قواعد جدیدی برای سیاستگذاری در حوزه اقتصاد کلان به دست آوریم. ما یک تلاش خیلی ابتدایی در این خصوص انجام داده‌ایم و تا به حال راضی هستیم. درخصوص استفاده از این معیارها برای استخراج یک ایدیال مانتری رول (یک قاعده پولی ایده‌آل) اگر ما به این قواعد برسیم آنگاه قواعد ایده‌آل موجود می‌شوند ساب ایدیال یعنی تمام قواعد موجود در پایین دست این قاعده قابل معرفی خواهند شد. یک اصطلاحی ما اصفهانی‌ها داریم که می‌گوییم چون صد آمد نود هم پیش ماست. به این معنا می‌توانیم ان‌شاءاله دستاورد داشته باشیم.

چهارمین مؤلفه‌ای که در تدوین یک متن مطلوب می‌توانیم در نظر بگیریم این است که امیدوارم که بتوان برای حضار به شکل خوب عرض کنم. اقتصاد کلان رایج مدرن مبتنی است بر نوعی عدم شفاف بودن رفتار عاملین اقتصادی و ضرورت طرح الگوهای انتظارات به خاطر همین است، در حالی که عمل عاملین اقتصادی دین‌دار شفاف است و یک نوع طنز پرنسی ذاتی در اعمال آنها وجود دارد البته این به معنای سادگی نیست و به معنای روشنی است. یکی از مؤلفه‌های اقتصاد کلان مورد نظر ما وجود ترنس پرنس ایجنت در آن می‌باشد. یعنی تئوری پردازی‌ها بر این مبناست. که البته این هیچ مغایرتی با استفاده از آخرین دستاوردهای اکسپکتیشل مدلینز ندارد بلکه ما می‌توانیم آن دستاوردها را در داخل این پارادایم جدید و از آن استفاده کنیم.

آخرین مؤلفه این است که ما باید افق زمانی را در نظریه پردازی توسعه بدهیم. افق زمانی نظریه پردازی‌های پیشرفته دنیاست. ولی چون دنیا را نمی‌دانیم که فرد تا چه زمانی زنده است می‌گویند افق بی‌نهایت. اما این بی‌نهایت بی‌نهایتی نیست که با در نظر گرفتن معنویت و غیب. چون این بی‌نهایت بی‌نهایتی است که به تعبیری

ریشه در جهل عامل اقتصادی نسبت به زمان مرگ خود دارد. ما می‌توانیم افق زمانی را توسعه بدهیم. مثلاً الگوهای رشد را با توسعه افق زمانی می‌توانیم مرور کنیم تا شاید بتوانیم وارد فرایندی تریایزینگ در این خصوص شویم. مطلبی که در انتها عرض می‌کنم این است که ما در اقتصاد کلان مجموعه مقالات و کتاب‌های پایه‌ای داریم اورجینال پیپرز داریم. من مجموعه‌ای صد مقاله‌ای دارم که عمده بحث‌ها از اینها گرفته شده است. در این کتاب‌ها و مقالات پایه‌ای رمزی صحبت کردن وجود دارد. اگر تیمی که قرار است که در آینده مسئولیت تدوین یک کتاب مناسب یا مجموعه‌ای از کتب مناسب در عرصه اقتصاد کلان را به عهده می‌گیرد بتواند از این رموز رمزگشایی بکند به دستاوردهای جدیدی می‌رسد که همان دستاوردها می‌تواند بخشی از مواد خامش باشد. من کتابی را در دست تدوین دارم که در آن کتاب به بخشی از این رموزها در مباحث پول اشاره کرده‌ام. ان‌شاءالله اگر به خواست الهی تا سال آینده منتشر شد امیدوارم خدمت سروران تقدیم کنم تا مصادیق این موضوع را به روشنی ببینید.

■ ---- استفاده کردیم از فرمایشات آقای دکتر واعظ اگر دوستان فرمایشی دارند ما استفاده می‌کنیم.

■ در رابطه با یک کار پژوهشی که چاپ هم شده است می‌خواستم بدانم که روش نمونه‌گیری به چه صورت بوده و این کتاب را بر چه اساسی انتخاب کرده‌اید چون در متن نبود.

□ دکتر واعظ: کتاب‌ها بر اساس فرم‌های داوری که در اختیار بوده انجام شده است و ما در شورای بررسی متون یک اثر را اگر ببینیم در حد داوری است آن را برای داوری می‌فرستیم یعنی ویژگی‌های پایه‌ای باید داشته باشد. بر فرض کتاب‌هایی که جنبه اطلاعات عمومی اقتصادی دارند رویشان داوری انجام نمی‌دهیم.

■ یعنی همه کتاب‌ها را که به یک معنا درسی بوده‌اند بررسی کرده‌اند.

□ دکتر واعظ: بهتر است بگوییم کتاب‌هایی که در دسترسمان بوده برای داوری فرستادیم و لزوماً همه برگه‌های داوری برگردانده نشده است و آنهایی هم که برگردانده شده لزوماً پاسخ‌ها از اعتبار یکسان برخوردار نبوده است. لذا ما خودمان پالایش روی داده‌ها انجام دادیم و داده‌هایی که از اعتبار کافی برخوردار نبودند را کنار

زدیم و مجدداً داوری کردیم و بعداً که مواد خاممان از اعتبار و همگنی برخوردار شد قدم‌های بعدی پژوهش برداشته شد.

■ این را به این خاطر عرض کردم که شما فرضیه‌هایی را مطرح یا رد یا اثبات کردید و معمولاً اینها زمانی به کار می‌رود که نمونه‌گیری کرده باشیم و در صحبت شما مشخص است که نمونه‌گیری انجام نشده است و همانهایی که در دسترس و قابل بررسی بوده است پس در این طرح‌ها از نظر روش‌شناسی بحث از فرضیه و رد و ... خیلی معنا ندارد. از نظر علمی وقتی فرضیه‌ای را آزمون می‌کنیم به این معنی است که در نمونه‌ای که مطالعه کردیم دیدیم که این صفت تفاوتش با صفت دیگر دو درصد است و می‌خواهیم بدانیم آیا در جامعه اصلی هم همین تفاوت وجود دارد یا این تفاوت ناشی از خطای نمونه‌گیری است و این معنای آزمون فرض است پس وقتی شما نمونه‌گیری نکردید چنین چیزی معنی ندارد البته تمام شماری کرده‌اید نیازی به اثبات و رد ندارد و واقعیت است ما می‌خواهیم یک جمع بدانیم آیا اکثریت اقتصاد خوانده‌اند یا نه؟ وقتی از افراد می‌پرسیم و ۴۰ درصد می‌گویند نخوانده‌ایم. این دیگر نیاز به آزمون ندارد و اثبات شده است و مورد تأیید است چون من از تک تک پرسیده‌ام و در اینجا هم نمونه‌گیری صورت نگرفته است و از طریق فرضیه است و این نوع کارها کار اکتشافی است و کار اکتشافی نیازی به فرضیه ندارد ما می‌خواهیم بگوییم در دل مطلب اینگونه بوده و به هدف رسیده و ما نمی‌خواهیم منکر سعی و تلاش شویم و حتماً آن را در قالب‌ها ببریم که کار ما فرضیه دارد و تحقیق دارد و همه چیزهایی که مرسوم است و معمولاً دانشجویان انجام می‌دهند و وقتی به آنها اعتراض می‌کنیم مطلبی به آن اضافه می‌کند. وقتی ضریب آلفا حساب کردیم و گفتیم ضریب این است من تحقیقی کردم اگر اینجا بگوییم ممکن است باور نکنید یک سری داده‌ها که دانشجویان استفاده می‌کنند را بعضاً تست کردم شما فکر می‌کنید چند درصد اینها درست گزارش شده است آنها هرکدام مشکلی داشتند و گفتند حال این آزمون را هم انجام می‌دهیم آنها نمی‌توانند همه را شک کنند و اخلاق علمی را که ما به دانشجو تدریس می‌کنیم از همه چیز مهم‌تر است از اینکه استاد همیشه دنبال این باشد که دانشجو مطلب را از کجا برداشته. ایشان زحمت خودشان را کشیده‌اند و اشکالاتی که به ایشان گرفته شده از سنخ دانشجو و استادی و شکلی است و

مجبور شدند بگویند که نمونه‌گیری کردیم و فرضیه است در حالی که نیازی به این نیست کافی است بگوییم تمام کتاب‌ها را بررسی کردیم و نتیجه این می‌شود کار اکتشافی قابل قبولی هم هست.

■ - - - این یک مقدار مشکل دانشگاه اصفهان است ده پانزده سال پیش فکر می‌کردند که مقاله علمی که نوشته می‌شود حتماً باید رم اقتصادسنجی داشته باشد و اصلاً اگر اقتصادسنجی نداشت مقاله علمی نبود و یا این تفکر که من نمی‌خواهم روی اقتصادسنجی علامت سؤال بگذارم. ولی این نوع تفکر که بود یک مقداری رفع شده ولی در بعضی جاها در حال ادامه پیدا کردن است نکته دیگر هم که آقای دکتر اشاره می‌کردند هنوز در دانشگاه داریم که وقتی می‌خواهد رساله بنویسد یا کار تحقیقی انجام دهد حتماً اصرار دارد طرح شود در قالب فرضیه و تست شود در خیلی از موارد نیازی به چنین کاری نیست بخصوص تست‌هایی که انجام می‌گیرد هرچند در چارچوب مسائل علمی است ولی مرتبط نیست. بعضی از موضوعات احتیاج به چنین کاری ندارد و شما موردی اشاره کردید در مورد اکتشاف و مواردی که قرار است کشف شود حال ممکن است نکته‌ای را که آقای دکتر واعظ اضافه کنند موارد دیگر هم هست ولی به نظر من این نکته را آقای دکتر درست می‌گویند.

■ - - - - فرضیات را ما از دل نظریات اثبات می‌کنیم که حالا مانند نقل و نبات که کسی چند جمله گزارش خبری می‌نویسد و فکر می‌کند این فرضیه است. در حالی که فرضیه یعنی نظریه. یعنی شما از دل نظریه یا مطالعات قبلی به اینجا رسیده‌اید. حال اینها کدام از چه جایی آمده است و این می‌شود کار اکتشاف و نوعی افراطی‌گرایی است که در این نوع روش‌ها وجود دارد و ما فکر می‌کردیم حرف آخر را می‌زند در حالی که ما خودمان را به جای این که روش تابع موضوع باشد و محقق بر اینها سوار باشد درست برعکس است و این روش خودش را بر موضوع تحمیل می‌کند و این اشکال اساسی است و به همین دلیل است که نوآوری در این حوزه‌ها صورت نمی‌گیرد. در حالی که فرضیه‌سازی یعنی نظریه دادن یعنی کسی باید به اوجی از کار علم برسد و نظریه بدهد و بگوید این فرضیه من است من می‌خواهم آن را در جامعه یا رد یا اثبات کنم. ما دانشجوی لیسانس داریم که مقاله‌ای نوشته بیست تا فرضیه دارد می‌گوییم این چیست از کجا آمده به طول مثال زنان بیشتر

فلان کار را انجام می‌دهند این از کجا آمده؟ تئوری آن چه بوده است؟ مبانی فلسفی آن چیست؟ و در این مقاله چیزی وجود ندارد.

■ - - - این مطلبی را که آقای دکتر درخصوص سلطه روش بر محتوا می‌فرمایند درد دل ما هم هست و ان‌شاءاله که فرمالیزم علمی که نتیجه این رویکرد است در آینده در جامعه ما به طور اساسی تضعیف شود. ما درست است که سی اثری را که ارزیابی کردیم عمده آثار درسی اقتصاد کلان را پوشش می‌دهد اما به دو لحاظ در برگیرنده جامعه آماری ما نیست و به این دو اعتبار ما این را یک نمونه فرض می‌کنیم. اولین اعتبار این است که بسیاری از این سی اثر حدود چهل درصد بیشتر از چاپ اول داشتند. مثلاً کتاب اقتصاد کلان آقای دکتر رحمانی ما جلد نهم برای جلد اول و چاپ هفتم برای جلد دومشان را مورد بررسی قرار دادیم و یا کتاب اصول علم اقتصاد ۲ از آقای دکتر تقوی که ما در اینجا چاپ سوم آن را آوردیم و یا کتاب تئوری اقتصاد کلان آقای دکتر روزبهان چاپ بیستم آن را آورده‌ایم. به این اعتبار این مجموعه نمونه می‌شود و دیگری اینکه ما بعضی از کتب را نیاوردیم مانند کتاب اقتصاد کلانی که آقای رومر نوشته‌اند و آقای دکتر تقوی به فارسی ترجمه کرده‌اند وارد این مجموعه نکردیم ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که کتب داوری شده اقتصاد کلانمان جامعه کتب درسی اقتصاد کلان را در بر می‌گیرد. به همین خاطر به فرضیه و روش آماری مربوط به ارزیابی فرضیه متوسل شدیم. هرچند آن شاکله اصلی جامعه را در بر دارد. یعنی اگر ما اسم این را جامعه هم می‌گذاشتیم، انحراف چندانی از لحاظ تعداد به وجود نمی‌آمد. این توضیحی بود که خدمت شما عرض کردم اما آقای دکتر موسایی بحث اولی که شما کردید به نظر من بحث اساسی و دامنه‌داری است. اینکه چرا پژوهش‌های علمی در کشور ما به فرمالیزم علمی دچار شده‌اند؟ خوشبختانه یکی از محققین این پروژه یعنی آقای دکتر وحید مقدم بعد از انجام این پروژه از آمادگی ذهنی برخوردار شدند برای اینکه رساله دکتری خودشان را در همین زمینه تدوین کنند. (منظورم در همین زمینه با توضیحات است) عنوان رساله دکتری ایشان پیشرفت علمی مطالعات اقتصاد کلان ایران طی دوره ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۶ با رویکرد روش‌شناختی بود. در شماره پنجاه و نه مجله روش‌شناسی علوم انسانی بخشی از نتایج رساله این شخص آورده شده است. در اینجا کاری که آقای دکتر

مقدم کرده‌اند، نوعی تحلیل محتوای حدود دویست مقاله‌ای بود که در طی سال‌های اخیر در حوزه اقتصاد کلان به چاپ رسیده بود. یعنی به جای تحلیل محتوای کتب، تحلیل محتوای مقالات. آن هم مقالات علمی - پژوهشی اگر فرصت بود من نتایج آن را بیشتر توضیح می‌دادم اما به طور خیلی ساده عرض می‌کنم، با رویکرد روش‌شناسی خاص یعنی حل مسأله. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان داد که فرمالیزم علمی بر مقالات علمی - پژوهشی تدوین یافته در حوزه اقتصاد کلان هم متأسفانه حاکمیت دارد و شاید به خاطر مسائلی باشد که در کتب وجود دارد و اینها فقط در حد طرح مسأله در اینجا بود.

■ آقای دکتر زرگر نژاد: من در ابتدا در خصوص مطلبی که حضرتعالی فرمودید و توضیح نقد گونه‌ای که آقای دکتر موسایی فرمودند. توضیح درست است ما وقتی می‌توانیم یک فرضیه بسازیم و آزمون کنیم که حتماً متکی بر یک سری مبانی باشد که از آن منتج شده باشد ولو حدس و گمان که این حدس و گمان باید منطقی و قابل اعتنا باشد و همانطور که حضرتعالی فرمودید بعضی اوقات روش غالب می‌شود و نتیجه کار به هر حال در قسمت اول که حضرتعالی جمع‌بندی کردید در واقع هم قابل توجه و مفید است و هم در قسمت دوم که چارچوب چیست که ما بتوانیم بر اساس آن یک تکست خوب تدوین کنیم و این بحث بنده و احتمالاً بحث جناب آقای دکتر ناظر به آن نتیجه نیست و ناظر به روش است و جوابی که حضرتعالی در ارتباط با اینکه جامعه و سرشماری را به نمونه‌گیری می‌شود تبدیل کرد. به نظر من نمی‌شود به دلیل اینکه وقتی سمپلینگ فیم انتخاب می‌کنیم اگر خود شما به هر دلیل یک بخش را از سمپلینگ خارج کنید نمونه را هم باید از سمپلینگ فرم انتخاب کنید به دلیل اینکه سمپلینگ فرم دارید که از آن بهره می‌گیرد به نظر من این روش اگرچه تلاش حضرتعالی در دو بخش آن برای همه و خصوصاً برای بنده خیلی مفید بود و این عرایض بنده تأثیری روی آن مطلب نمی‌گذارد و نکته دیگر اینکه اصلاً وقتی ما نقد می‌کنیم کانتکسینگ اصلاً کانتن آلانسیس است ما نباید سراغ اکتشاف و روش‌های فرضیه استتاجی برویم این روشن است که نقد باید حوزه کانتنتالانسیس است که روش کانتنتالانسیس یک روش قوی و مخصوص اینهاست که به نظر من حضرتعالی در تکمله‌ای که داشتید در راستا تأکید حضرتعالی است که نباید بعضاً روش غالب شود و محتوا بسیار خوب بود و تذکرات مفید است من

تذکر کلی یا دغدغه کلی که خودم دارم ناظر به این بحث و بحث قبلی است این است که داعیه ما این است که ما می‌خواهیم به شکل جد در تولید علم اقتصاد اسلامی شرکت داشته باشیم. در جمع ما وقتی می‌نشینیم و همفکری می‌کنیم به نظر من خیلی خوب است که از همدیگر روحیه بگیریم و همدیگر را تشویق کنیم و داشته‌هایمان را بیشتر هایلایت کنیم و از فرایند تولید علم غافل نشویم من ضمن اینکه وقتی خودم در جمع دوستان می‌آیم که اساتید بنده هستند روحیه می‌گیرم و برای یک ترم شارژ هستم وقتی دوباره بر می‌گردم. ولی بعضاً این نگرانی را دارم که وقتی ما داعیه این را داریم که می‌خواهیم اقتصاد اسلامی را مطرح کنیم و این وظیفه بزرگی است بر عهده ما. بعضی اوقات من نگران این هستم که در فرایند تولید علم فقط در انگیزه و در مقدمات قدم گذاشته‌ایم من گاهی فکر می‌کردم وقتی می‌خواهیم علم تولید کنیم از انگیزه شروع می‌شود که ما بحمداله داریم و همدیگر را تقویت می‌کنیم و در جلسه قبل گفتیم در بعضی‌ها این انگیزه هم وجود دارد به نظر من قابلیت‌ها در فرایند تولید علم مهم است و روش‌مندی هم همین‌طور که دلیل نگرانی من در ارتباط با این روش یک تعرض یا تکمله‌ای عرض کردم، انگیزه، مقدمات، قابلیت، روش‌مندی، فضا و بستر را خیلی از اینها بیشتر در بسیاری از جاها طرح نظریات ساختار شکنانه که در علم ضروری است به نظر من اصلاً امکان ندارد. ما حتی در جلسات خودمان گاهی وقتی کسی پشت تریبون می‌رود و نقدی وارد می‌کند حتی اگر این نقد خیلی هم ساختار شکنانه نباشد اما خیلی جدی حاشیه‌ها نه از باب بحث و جدل بلکه از باب تعرض و انتقاد بسیاری از این مطالبی که می‌گوییم به نحوی بار سیاسی هم با خود دارد فرض کنید ممکن است ما در کلاس یا حاج‌آقا در مجلس وقتی ممکن است مطالب را علمی می‌گوید قطعاً بار سیاسی هم بر آن مترتب می‌شود شاید ما کمتر ولی در کلاس‌ها و در محیط دانشگاه بسیار مهم است و به نظر من ما وقتی می‌توانیم موفق باشیم که این فضا را در هرکسی در حد امکانش و این بستر را برای نقادی هرچند ساختار شکنانه باید فراهم کنیم. در غیر این صورت امکان ندارد که وارد این بحث شویم و این بستر شویم بتوانیم برای اقتصاد اسلامی کار اساسی کنیم. دو مورد دیگر که برای تولید علم مهم است یکی تحمل است که باید حتماً تحمل نظرات مخالف را داشته باشیم نه اینکه به همدیگر انتقاد کنیم ولی تحمل علمی مهم است و گاهی اوقات ما نداریم و نکته آخر که خیلی مهم

است و شاید برآیند همه اینها باشد ارائه و رقابت است. همه این فرآیندها را ما گذرانده‌ایم و باید بتوانیم در قالب درست و نه به خودمان ارائه کنیم، باید به دنیا ارائه کنیم. نه به دنیایی که تقاضامند نیست ما باید به شکلی عمل کنیم که تقاضا ایجاد شود. من از نکته‌ای که حاج آقا در ارتباط با مالزی فرمودند وقتی این تبادل و مشارکت انجام شد خود به خود این فضا و این ارائه و رقابت به طور طبیعی ایجاد شد و واقعاً در دنیا من در حد شناختم ندیدم که کسی اگر حرفی برای گفتن داشته باشیم به دلایل خاص سیاسی یا ایدئولوژیک راغب نباشد. حتی اگر مخالف ما هم باشند می‌خواهند بدانند که قوت این نظریات ما چه میزان است که اگر از آن دید هم نگاه کنیم چگونه با اینها مقابله کنند.

چند وقت پیش از دانشگاه مالزی کنگره‌ای بود و خروجی این کنگره تدوین یک سری نهادهاست با من تماس گرفته بودند که فلان نهاد را داریم درست می‌کنیم و نهادی درخصوص فلان زمینه است که ما دیدیم شما در این زمینه مطالعه کرده‌اید خود من فراموش کرده بودم که چنین مقاله‌ای را هفت هشت سال پیش داده بودم گفته بودند ما در کمیته فلان تعداد مقاله را ارزیابی و بررسی کردیم و با این افراد هم تماس گرفتیم و حال می‌خواهیم از شما دعوت کنیم بیایید در کمیته‌ای که خروجی کنفرانس بین‌المللی آنها بوده شرکت کنیم. این شاید تکمله‌ای روی فرمایش دوستان بود به نظر من در ارتباط با اقتضانات و لوازم تولید علم باید خیلی دقت کنیم که ما در کنار هم خوب است که از هم انگیزه بگیریم اما باید بستر، فضا و تقاضای لازم را ایجاد کنیم که ان‌شاءاله همین نشست و همین که دوستان زمینه‌ای را فراهم می‌کنند که متریا ل لازم برای عرضه ایجاد شود باعث امیدواری بنده شد و از اینکه بعضی نکات را در ارتباط با روش عرض کردم بیشتر نظرم بخش دوم بود و می‌خواستم آن را مقدم قرار دهم.

■ ----- آخرین بحثی که داریم نوین سازی و بومی سازی در آمار، ریاضیات و زبان تخصصی است و کس خاصی را پیش‌بینی نکرده بودیم.

□ ----- در زمینه آمار و ریاضی و اقتصادسنجی و روش تحقیق و ... و کلاً در نوین سازی این مسائل را مطرح کردم ولی در بومی سازی نه. ما قرار شد ما شخص دیگری را داشته باشیم من سعی می‌کنم که این

قسمت را مقداری غنی‌تر کنم تا آقای دکتر واعظ که می‌خواهند جمع‌آوری کنند بهتر و با مثال‌های بهتری انجام دهند. البته در مسأله اقتصادسنجی بحث زیاد است. در دانشگاه از گذشته‌های دور هم همانطور که آقای دکتر لیالی فرمودند یک سلسله افراط‌گرایی در نفی این مسأله بود و یکی از دوستان که نمی‌خواهیم اسم ببریم چون ایشان هم فوت کرده‌اند می‌گفتند که در تابستان در دریای خزر تعداد غرق شدگان روز به روز با بالا آمدن گرما زیادتر می‌شود ولی مصرف بستنی هم متناسب با آن بالا می‌رود. شما اگر رگرسیون ببندید بین غرق شدن در دریا می‌بینید این متغیر مستقل همه جا جواب می‌دهد یعنی دقیقاً آردوش ۹۹ درصد و پرون و همه در می‌آوردند و نتیجه می‌گرفتند غرق شدن در دریا به دلیل مصرف بستنی است. من می‌خواهم این را از گذشته‌های دور بگویم و خودم این نظر را قبول ندارم و این نظر افراطی است و حالا در دانشگاه‌های بزرگ دنیا در شش مورد خاص خودشان مدل‌های اقتصادسنجی دارند البته ما باید بپذیریم که در مدل‌های اقتصادسنجی بخصوص در مورد پیش بینی یک سلسله نارسایی‌ها داریم. چون می‌خواهیم گذشته را تبیین کنیم و پیاده کنیم برای آینده در نتیجه تمام ضرایبی که تخمین زده شده و در یک سلسله مدل‌های اقتصادسنجی معمولاً اصل بر این است که تمام شرایط درون‌زا و برون‌زای گذشته برای آینده هم ثابت است و کتابی که آقای دکتر کیانی بود مربوط به انتشارات سمت که خیلی خوب کار کرده است و ندیده‌ام در سال‌های اخیر کاربرد اقتصادسنجی به سرعت در ایران بالا رفت و آن هم مربوط به آقای هاشمی است که بیشتر تئوری دارد. البته این منافاتی با این ندارد که ما از روش‌های دیگر هم استفاده کنیم. در بحث برنامه‌ریزی اقتصادی که درس می‌دهم و حدوداً ده مقاله هم در این زمینه دارم نمی‌توانیم زیاد به مدل‌های اقتصادسنجی روی بیاوریم چون برای بحث اقتصادسنجی مدل داشتند و مدل‌ها شامل چهل تا چهل و پنج معادله رفتاری است. شما می‌خواهید ببینید که آیا برنامه‌ریزی اشتغال را چگونه باید اجرا کنید شما باید داشته باشید که برای ایجاد یک فرصت شغلی در برنامه سوم گفته‌اند هفده میلیون و در برنامه چهارم بیست و هفت میلیون گفته‌اند ولی وقتی می‌خواهید در یک برنامه اقتصادی کلان شما اگر برنامه سوم را نگاه کنید جلد پنجم آن مدل‌های اقتصادسنجی است که من این را می‌آورم و دانشجویان سمینار می‌دهند در یک مدل ساده آقای سلمکر که چهل معادله رفتاری دارد شما

می‌خواهید از تابع تئوری رد شوید و بیایید در «ای اس ال ام» و «ام ال» و بازار پول و بازار سرمایه و بعد تقاضا را پیدا کنید و بیایید از اینجا عرضه را پیدا کنید و روی آن برنامه‌ریزی کنید. به نظر من این بسیار بسیار با خطای بالایی است. شما وقتی می‌خواهید برنامه‌ریزی کنید در ایران خوشبختانه از قبل از انقلاب یکی دو مدل و در بعد از انقلاب مدل‌های زیاد اقتصاد کلان هست. ضمن اینکه دیروز آقای دکتر عرب مازار می‌گفتند ما کتاب خوب نداریم می‌خواهم بگویم برعکس ما بعد از انقلاب خیلی کتاب داریم زمان دانشجویی ما دو کتاب داشتیم. حال شما بعد از انقلاب همه برنامه‌ها مدل دارند برنامه اول، دوم، سوم و چهارم و اینها مدل‌هایشان روی مدل‌های ریاضی نئوکلاسیک است و داده‌های آن نسبتاً داده‌های بهتری است گویی اینکه ما در سری زمانی درست همانطور که آقای دکتر فرمودند دانشجویان پایان نامه می‌نویسند و می‌گوییم اینجا غلط است و مطلب را درست می‌کند ولی استاد وقتی پایان نامه می‌گیرد باید به اطلاعات و داده‌ها واقف باشد من دیدم بعضی از دوستان راجع به اشتغال در بخش کشاورزی مدل اقتصادسنجی درآورده‌اند ما مدل اقتصادسنجی جز پنج سال نداریم، سال ۷۲، ۸۲، ۶۵، ۷۵، و ۸۵ ما اصلاً سری زمانی نداریم وقتی می‌گوییم چرا می‌گویند ما از روش وایموز و ... را کلوز کرده‌ایم که این خود غلط است و مدل را زیر سؤال می‌برد ولی مدل‌های اقتصاد کلان در برنامه‌ریزی اقتصادی مشکلش این است که شما باید بازار پول را درآورید که خودش چهار معادله دارد بازار سرمایه‌داری را درآورید که خودش چهار معادله دارد بعد از آن مدل «آی اس ال ام کر» خودش دوازده معادله دارد اینها را کنار می‌گذاری و روی تابع تئوری می‌روی بعد می‌خواهی عرضه را در بیاوری که کی ال ام چقدر است. بعد وقتی می‌خواهی اینها را با هم استنتاج کنید هرکدام از آن معادلات خودشان با نود و پنج یا نود درصد فرضیه قابل پذیرفته شدن است. پس خود این پسماندها زیاد می‌شود تا جایی که شما ناچار می‌شوید از جدول‌های داده ستانده استفاده کنید که اینها هم مشکلات خاص خودش را دارد و هر ده سال به ده سال ایجاد می‌شود و باید روزآمد شود و به خاطر این است که می‌گویند در برنامه سوم هفده میلیون نیازمند ایجاد فرصت شغلی هستند و بعد ضربدر تعداد نهصد و شصت هزار شغلی که در سال قرار بود ایجاد کنیم از بیست و دو درصد «جی ان پی» بالا می‌زند و اصلاً نمی‌شود زیرساخت اقتصاد بیشتر از بیست و دو درصد

سرمایه‌گذاری شود بیست و پنج درصد سرمایه چرا برنامه پنجم قبل چرا شکست خورد؟ چون مقدار بودجه باید دوبرابر شود همه هم خوشحال شدند و دو برابر حقوق می‌دادند (به پرستار فیلیپینی ماهی سه میلیون حقوق می‌دادند) بعد قیمت کشتی‌ها سه برابر خود کالا می‌شد چون زیرساخت جواب نمی‌داد الان برنامه‌ریزهایی که برنامه سوم و چهارم را برنامه‌ریزی کردند خیلی آدم‌های باسوادی بودند خود من هم در آن جلسه دعوت شدم مرحوم دکتر عظیمی هم بودند مدل‌های اقتصادسنجی را نه می‌شود رد کرد مانند مثال دریا و بستی که پایه‌های تئوری می‌خواهد ولی آنهایی هم که پایه تئوری دارند بستگی به سری زمانی دارد بر فرض می‌بینیم طرف کراسکشن گرفته خودم دیدم که استاد دانشگاهی که داور بوده گفته چرا ما مانا بودن آزمون را نگرفته‌اید؟ گفتم ما مانا بودن مربوط به سری زمانی است. پنهانی است بعد دانشجو فردا می‌گوید داوری که شما آوردید سر کلاس خود استاد اقتصادسنجی ما گفته که کراسکشن ما مانا بودن نمی‌خواهد و این ما را غرق کرده است.

■ - - - - بسم اله الرحمن الرحیم. این بحثی که راجع به آمار و اقتصادسنجی و زبان هست ما می‌گوییم در این زمینه مشکلی نداریم چون هم فاصله ما کم است و هم اینها ابزار هستند. در اقتصادسنجی مطلبی را که در ابتدای صحبت‌م گفتم تقریباً با مطالب روز که در مقالات متفرقه هست اینجا هم هست. در آمار دیروز هم آقای موسویان فرمودند آمار آقای عادل آذر و آمار آقای نوفرستی انصافاً هم شیرین است و هم خیلی خوب نوشته شده است هم کاربرد و هم مثال‌های خوب و عمومی دارد مواردی که برای همه دنیا قابل استفاده است هم شیرین است و هم کاربردی. این کتاب هم مباحث روزآمد دارد و هم در بحث اقتصاد کاربردی است و این کتاب را سمت منتشر کرده است. کلاً ما ایرانی‌ها وقتی در کنفرانس‌ها شرکت می‌کنیم نسبت به عرب‌ها وضع انگلیسی صحبت کردنمان پایین‌تر است مطالب زیادی داریم ولی به خاطر این مشکل عرضه کمی داریم. این مشکل را وقتی در شهرستان‌ها و تهران مقایسه می‌کنیم در شهرستان‌ها نسبت به تهران انگلیسی ضعیف‌تری دارند. کتاب‌های سمت انصافاً کتاب‌های خوبی است هم دروس اقتصادی را درس داده کتابی حدود دویست سیصد کتاب است برای دانشجویان اقتصاد که در هر مبحثی هم درس آن رشته هست و هم با جملات کوتاه

انگلیسی مدرن جملات کوتاه و ساده است و کلمات مشکل نیست هم جملات کوتاه است و هم خوش بیان است برای کارشناسی ارشد مفید است. حال بعضی از دوستان و همکاران می‌خواهند کتابی را ترجمه کنند آن را فصل فصل می‌کنند و به این و آن می‌دهند و آن را جمع می‌کنند و کتاب تخصصی می‌شود کتاب سمت در زمینه بانکداری اقتصادی اسلامی چیزی ندارد ولی زمانی انصافاً کتاب خوبی در این زمینه نوشته است. برای خوب بودن یا بد بودن کتاب باید معیار و مصادیق داشته باشیم و مصادیق را به معیارها عرضه کنیم الان برای مقطع کارشناسی ارشد و دکتری ما واقعاً در تجهیز دانشجویان خود از لحاظ زبان با فقدان متن‌های استاندارد آموزشی روبرو هستیم. متن استاندارد آموزشی امروز در زبان باید مکمل داشته باشد باید سی دی‌های صوتی و تصویری داشته باشد. ما وقتی صحبت از کارآیی می‌کنیم یا افکتین نکست می‌کنیم فقط برای کلاس نیست متن آموزشی باید بتواند در حداقل زمان و حداقل حجم بیشترین بازدهی را برای مخاطب ایجاد کند. حتی متن آموزشی لازم نیست که کاملاً درس داده شود قسمتی از آن درس داده می‌شود و قسمتی از آن را خود دانشجو باید کار کند و در متن‌های آموزشی مدرن تمریناتی می‌گذارند و خود سی دی تمرینات را چک می‌کند شما وقتی این ملاک‌ها را در نظر می‌گیرید می‌بینید خیلی فاصله دارید. آقای دکتر مکیان یکی از دلایل این که دانشجویان ما نمی‌توانند به سراغ منابع اصلی و مقالات اصلی و امثالهم بروند یکی از دلایل آن این است که ابزارهای لازم از طریق متون به قدر کفایت در اختیار دانشجویان قرار داده نمی‌شود، باید این را بپذیریم.

■ اجازه بدهید من بحث را جمع کنم تشکر می‌کنم مباحثی را که آقای دکتر مکیان و آقای دکتر واعظ و در آخر هم آقای دکتر اسفندیاری و بحث و گفت‌و‌گوهایی که شد و نتیجه‌ای که ما می‌خواهیم از این مباحث بگیریم قبول مسئولیت توسط دوستان است در مورد پول و بانک اگر جناب آقای دکتر مکیان قبول زحمت بفرمایند آنچه را که بحث شد بعداً برای همایش و کنگره علوم انسانی آقای دکتر مسئولیت را می‌پذیرند که سرفصل‌هایی را داشته باشیم که در آن نوین‌سازی و بومی‌سازی لحاظ شده باشد و آقای دکتر واعظ هم نسبت به اقتصاد کلان ممنون می‌شویم که ارایه بفرمایند و آقای دکتر اسفندیاری هم قبلاً قبول زحمت فرمودند در زمینه آمار و ریاضیات و نوین‌سازی در ابزارسازی، نوین‌سازی در اقتصاد ایران و نوین‌سازی در برنامه‌ریزی

اقتصادی را دنبال می‌فرمایند. آقای دکتر عرب مازار هم قبول کردند که سنجی را به صورت کاربردی برای کنگره آماده کنند و استفاده کنیم. اگر دوستان دیگر هم در عرصه‌هایی که دیروز و امروز بحث شد قبول مسئولیت بیشتری می‌کنند ما متشکر می‌شویم. این دو روز دو روز پر دستاورد و پر محتوا بود و من کمتر جلسات و همایش‌هایی را دیده بودم که این بحث‌ها خوب و عمیق و قوی دنبال شود و نتایج هم این شود که ما حاصل نتایج دوستان را در کنگره علوم انسانی مورد بهره‌برداری و استفاده قرار دهیم. از خدا سپاسگزاریم که توفیق را به ما عنایت فرمود هرچند ما نماز عید قربان نتوانستیم شرکت کنیم ولی ای بسا اجری که خداوند بر این کار مترتب بفرماید بیش از اجری باشد که برای حضور ما در نماز عید قربان متصور بود.

■ - - - - چه جلسه دیروز چه امروز مباحث زیادی داشتیم ممکن بود لحن‌های تندی هم داشته باشیم ولی مبنای این مباحث این است که بر اساس ندای فطرت و وجدان و تعالیم دینی نباید در عرصه کتب ولو بعضی کتاب‌ها به نظر ما خوب باشند به طور مقایسه‌ای قانع باشیم و استانداردهای خودمان را روز به روز بالاتر تعریف کنیم و بر اساس همین نگرش است که می‌گوییم فلان کتاب مطلوب نیست نه اینکه خدای ناکرده بخواهیم زحمات دیگران را نادیده بگیریم. ما بر اساس معیارهایی سعی می‌کنیم به یاری پروردگار حرکت کنیم ان شاء الله امروز بهتر از دیروز و فردایمان به یاری پروردگار بهتر از امروز باشد.